



## السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)

### فهرست

۳	مقدمه جهت مبلغین گروه جهادی تبلیغی بلاغ مبین
۱۱	توصیه های عالم ربانی مرحوم ملکی تبریزی به اهل علم در مورد تبلیغ
۱۶	برنامه سخنرانی (محتوای صحبت)
۱۸	بخش سخنرانی و احکام
۱۸	مجلس اول
۲۴	مجلس دوم
۲۹	مجلس سوم
۳۷	مجلس چهارم
۴۳	مجلس پنجم
۴۹	مجلس ششم
۵۵	مجلس هفتم
۶۱	مجلس هشتم
۶۸	مجلس نهم
۷۶	مجلس دهم
۸۴	مجلس یازدهم
۹۰	مجلس دوازدهم

۹۶	بخش خانواده و بانوان
۱۰۷	بخش کودکان و نوجوانان
۱۰۷	نکاتی جهت کار تبلیغی مبلغ / مربی با کودکان و نوجوانان
۱۱۱	مقطع ابتدایی و راهنمایی
۱۱۱	تعدادی از اشعار برای شروع کلاس
۱۱۲	تعدادی بازی و مسابقات کودکانه
۱۱۴	چند مداحی کودکانه
۱۱۹	چیستان
۱۲۱	درس اول
۱۲۵	درس دوم
۱۲۷	درس سوم
۱۳۱	درس چهارم
۱۴۱	درس پنجم
۱۴۴	درس ششم

## مقدمه جهت مبلغین گروه جهادی تبلیغی بلاغ مبین

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله):

ای علی، اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند؛ از آنچه خورشید بر آن تابیده برای تو بهتر است. (منتخب میزان الحکمه)

امام خامنه ای (حفظه الله):

رفتار، نشست و برخاست، مباشرت، نگاه و عبادت ما، دل بستگی یا دل بسته نبودن ما به تنعمات دنیوی و خورد و خواب ما، رساترین تبلیغ یا ضد تبلیغ است.

آنچه پیش رو دارید ره توشه‌ی تبلیغی شما جهت ارائه برای محرم الحرام ۱۴۳۸ هجری قمری (۱۳۹۵ هجری شمسی) است.

ضمن تشکر از همراهی شما و آرزوی قبولی تبلیغتان چند نکته‌ی زیر را یادآوری می‌کنیم:

۱. هدف از این جزوه ارائه مطالب خام برای مجالس و کلاسهای شما عزیزان بوده است. شیوه‌ی بیان مطالب، ساده سازی آنها و توضیحات لازم برای مطالب پیچیده بستگی به سطح مخاطبین و مختصات آنها دارد که تشخیص آن بر عهده شما مبلغ محترم است.

۲. محتوای این ره توشه از قسمتهای ذیل تشکیل شده که با توجه به شرایط منطقه انتخاب شده است لطفا همت خود را در اجرای محتوای آن بکار ببرید.

الف- بیان احکام:

در این قسمت، به تناسب موضوعات مطرح شده در سخنرانی‌ها که با محوریت عفاف، حجاب و حیا و همچنین خودکشی است، احکام مربوطه آورده شده است.

البته با توجه به اهمیت بحث نماز، در پایان همین بخش، روش آموزش نماز بصورت آسان برای افراد کم سواد یا بی سواد آورده شده است.

ب- مباحث اعتقادی-اخلاقی:

در این بخش محوریت بحث روی موضوع «عفاف، حیا و غیرت دینی و خودکشی» است.

ج- بیان مصائب:

بمنظور تسهیل در اجرای مراسم عزاداری، ذکر مصیبتی همراه با اشعار زمزمه، نوحه و اشعار سینه زنی مناسب به همراه احادیث و کرامات در جزوه‌ای مستقل آورده شده است. همچنین فایل صوتی سبکهای اشعار سینه زنی با فرمت قابل استفاده در گوشی همراه، تهیه شده است، که قابل دریافت از سرگروههای محترم، می‌باشد.

د- مطالب مختص به کودکان و نوجوانان:

در این قسمت در قالب جدول، شعرو داستان مباحثی راجع به موضوع محرم و معارف دینی آورده شده است.

این بخش در پایان جزوه پیوست گردیده است.

جمع خوانی اشعار مربوط به کودکان، مداحی و نوحه ها توصیه می‌شود. ضمن اینکه بچه ها از نوشتن اشعار در دفتر خود و حفظ آن نیز استقبال میکنند.

لازم بتذکر است برای هر مبلغ تعدادی برگه نقاشی خام با موضوعات مختلف آماده شده که در مراجعات خانه به خانه مبلغ، این برگه‌ها به کودکان داده شده و از او می‌خواهند

کہ بعد رنگ آمیزی و خواندن مطلب آن، موقع نماز در محل برگزاری نماز، آنرا به مبلغ تحویل دهد و مبلغ با سوال از محتوای آن، برگه را امضاء کرده و بہراہ ہدیہای بہ کودک تحویل دہد۔

ہ۔ مطالب جلسات بانوان:

محتوای ارائه شدہ در این دورہ «معنویت در خانوادہ و ارزش خانوادہ» در نظر گرفتہ شدہ است۔

۳. از آن جا کہ ممکن است زبان شما با مخاطبین کمی متفاوت است لذا مطالب را صریح و بدون تعقید در کلام انتقال دہید و از تکرار مطالب غافل نباشید۔

۴. مطالب عمدتاً از کتب معتبر انتخاب شدہ است کہ در ہر قسمت بہ منابع آن اشارہ شدہ است۔

۵. دوبیتی

با لطف حسین (علیہ السلام) وارد نور شویم      در زمرہی اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، بہ دین من کردہ طمع      با راہ حسین (علیہ السلام)، از فتن دور شویم

بمناسب شعار این سفر تبلیغی، انتخاب گردیدہ و لازم است مبلغ محترم ہر روز و در ہر مجلسی این اشعار را زمزمہ کند تا بہ صورت شعار این سفر تبلیغی در بیاید و ہدف از این امر این است کہ این اشعار بہ صورت خاطرہای در ذہن مخاطب باقی بماند و با خواندن آنها تمامی مطالب ذکر شدہ از ذہن او می گذرد۔

۶. برنامه روزانه مبلغ:

ردیف	عنوان برنامه	زمان	نوع برنامه	توضیحات
۱	برنامه‌های دانش آموزی	صبح تا ظهر	ضروری	در صورت دوشیفته بودن مدارس، شرکت در کلاسهای بعدازظهر نیز، الزامی است.
۲	حضور در خانه‌ها	(ظهر تا شب) یا شب‌ها	ضروری	تحويل برگه‌های نقاشی به کودکان و تشویق به حضور ایشان در موقع نماز
۳	سخنرانی و روضه	شب	ضروری	
۴	نماز جماعت	ظهر و عصر مغرب و عشاء	ضروری	
۵	راه اندازی دسته عزاداری	تاسوعا عاشورا	ضروری	معمولا درروز تاسوعا رسم است که به صورت دسته جمعی بر سر مزار می‌روند که لازم است مبلغ آنرا بصورت دسته عزاداری ساماندهی نماید.
۶	جلسات زنانه	ظهر تا شب	اختیاری	می‌توانید بخشی از وقت بعدازظهر را به حضور در خانه‌ها و بخشی دیگر را به این برنامه اختصاص دهید.
۷	مطالعه روزانه ره توشه	به اختیار مبلغین عزیز	ضروری	پیشنهاد می‌شود پس از نماز صبح تا قبل از شروع برنامه مدرسه و یا آخر شب قبل از خواب به مطالعه اختصاص دهید.

**توضیحات:**

۱\_ برنامه دانش آموزی در مدارس:

بهترین مخاطبان تبلیغی ما نوجوانان و جوانان می‌باشند و کار برای آنها بالاترین بازدهی را دارد. ضمن اینکه انشاءالله برنامه‌های ضروری دیگر را با قوت اجرا می‌فرمایید؛

این قسمت یکی از برنامه های شما می باشد. در راستای کیفیت بیشتر این برنامه به نکات زیر توجه فرمایید:

الف: همه روستاها حداقل دارای پایه ابتدایی هستند.

ب: ایجاد زمینه و فضا سازی برای حضور در مدرسه ی روستا با تدبیر و پیگیری خود شما محقق می شود و لازم است تا تعامل سازنده ای با مدیر و معلمین داشته باشید.

ج: با توجه به همسطح بودن دانش آموزان هرپایه، از ادغام کلاسها پرهیزید تا برای بیان مطلب دچار اختلاف سطح مخاطبین نباشید. در صورت اضطرار به ادغام کلاسها پایه های نزدیک به هم مثلا سوم و چهارم ابتدایی را در یک کلاس جمع کنید و مثلا پایه های اول و پنجم را ادغام ننمایید.

د: داستانهای معصومین، داستانهای پندآموز اخلاقی، بازیهای کلاسی و شعرخوانی دسته جمعی محتوای خوبی برای کلاسهای دانش آموزی هستند.

ضمنا دانش آموزان از سینه زنی استقبال خوبی دارند و برای آنها پرخاطره خواهد بود.

ه: استفاده از شکلات و بیسکویت برای پذیرایی در کلاسها جذاب و مفید است.

و: از دانش آموزان برای شرکت در نمازجماعت ظهر و عصر دعوت بعمل آورید.

ز: تکرار حضور شما در یک کلاس نه تنها مضر نیست بلکه مفید می باشد. حساب

حضور خود را در کلاسها داشته باشید تا حضور شما در کلاسها یکسان باشد.

## ۲\_ حضور در خانه ها و جلسات خانوادگی:

برخورد نزدیک با مخاطبان اثرگذارتر است. ضمن اینکه حضور در منازل حاکی از

احترام و اهمیت دادن شما به مردم است.

الف: مطرح کردن مسائل اعتقادی، اخلاقی و احکامی ره توشه تبلیغی باعث تکراری شدن آنها برای مردم نمی شود و لازم است تا همان محتوای جزوه در خانه ها و برخوردهای چهره به چهره مطرح شود.

ب: طرح مسائل عمومی مانند وضو، غسل و نماز در خانه ها و بصورت انجام عملی توسط افراد، بسیار پرفایده است. در خصوص آموزش نماز و واجبات، به حداقل آن و روش ساده آن اکتفا شود.

ج: توجه داشته باشید که قوم بختیاری به مهمان علاقه دارند و از حضور شما ناراحت نمی شوند.

د: گوش سپردن (نه وعده کمک) به مشکلات مردم و همدردی کردن با آنان موجب احساس قربت آنها به شما خواهد بود.

هـ: به تناسب حال و مقام، مباحث بانوان و محتوای ره توشه را هم در خانه ها مطرح فرمایید.

و: باروشهای متفاوتی چون خواندن آیاتی از قرآن مجید و بیان نکات آن آیات، طرح سؤالات احکام، بیان قصص ره توشه و... فضای ارتباط اولیه را برای تبلیغ چهره به چهره در خانه ها فراهم سازید.

### ۳\_ جلسات شبانه سخنرانی و روضه:

جلسات عمومی سخنرانی و روضه از نمادهای مهم برنامه محرم و صفر است و باعث انتشار معنوی فضای عزاداری در کل روستا می شود.

الف: لازم نیست این جلسات به شکل متعارف در شهرها برگزار شود. مثلاً می‌توانید مجلس را با سینه زنی آغاز کنید؛ سپس کمی صحبت کنید. دوباره سینه زنی کنید و سپس مطالب خود را ادامه دهید.

ب: می‌توانید از مطالب گفته شده در کلاسها از دانش آموزان پرسش کنید و تشویق آنها را در جمع در مجالس عمومی و یا احیاناً مساجد، انجام دهید تا دانش آموزان به این مراسمات و بخصوص مساجد کشیده شود.

ج: اهالی را به نذر و پذیرایی در برنامه تشویق کنید و سعی نمایید برنامه لااقل یک پذیرایی با چای داشته باشد.

د: روضه های سیدالشهداء (علیه السلام) و اهل بیت (سلام الله علیهم) معجزه‌ی آن حضرت در زمان ماست؛ حتماً روضه بخوانید.

روضه ها باید ساده، خالی از اصطلاحات هیئتی و در سطح مردم باشد. می‌توانید برای فهم بهتر روضه، ابتدا آن را ساده و بدون صدا تعریف کنید و کاملاً شرح دهید و سپس با صدای حزین آن را تکرار کنید.

۴\_ نماز جماعت ظهر و عصر و مغرب و عشاء:

الف: اقامه نماز از آموزش آن مهمتر است. اگر چه مأمومین فقط دانش آموزان باشند؛ باز هم نماز را اقامه کنید.

ب: قبل از نمازها اذان با صدای بلند و خوش گفته شود. ضمناً به بچه‌ها اذان را آموزش دهید و کسانی که حاضر به اذان گفتن هستند را تشویق فرمایید.

ج: برای نماز سعی کنید، مقابل جمع وضو بگیرید.

د: احکام نماز را به هنگام برگزاری نماز تکرار کنید.

۵\_ راه اندازی دسته عزاداری:

الف: در برگزاری این مراسم از رسوم خود مردم تبعیت کنید ولی مدیریت برگزاری و ملاحظه جوانب آن را خودتان به عهده بگیرید.

ب: نوحه خوانان روستا را شناسایی و خواندن را به آنها بسپارید.

۶\_ جلسات بانوان:

الف: زنان در این مناطق استقبال خوبی از جلسات مذهبی دارند و جلسات مذهبی برای آنها بازدهی خوبی دارد. در جلسات زنانه مباحث خانواده به تناسب مقام و حال مخاطبین مطرح فرمایید و روضه خوانی و سینه زنی هم داشته باشید.

ب: برای پاسخ به سؤالات ایشان، پیشنهاد نوشتن سؤالات را بدون نام و فقط با یک شماره یا علامت بدهید، تا خجالت، مانع پرسش ایشان نشود. در پایان شب پرسشهای کتبی را جواب داده و در جلسات بعد جواب ها را عودت فرمایید.

\*توجه مهم:

در صورت نیاز به تغییر در اجرای برنامه مذکور، موضوع را با سرگروه محترم مطرح

فرمایید.

## توصیه های عالم ربانی مرحوم ملکی تبریزی به اهل علم در مورد تبلیغ

از مهمترین اعمال این ماه برای اهل علم، مسئله امامت جماعت و وعظ مردم است. اگر عالم از مجاهدینی است که مدت زیادی است با نفس خود مجاهده کرده و راههای مخفی ورود شیطان به نفس را شناخته و فریب های هوای نفس را فهمیده است، مجاز است امامت جماعت و موعظه مردم را بر عهده گیرد. زیرا هیچ عمل خیری فایده اش به اندازه وعظ نیست. بلکه همه اعمال خیر از نتایج آن است. لکن عالم باید نهایت کوشش خود را در خالص کردن نیت مصروف سازد، چرا که آفات امامت و وعظ کمتر از فضیلت و فوائد آن نیست.

اگر پس از مراقبت کامل از نفسش دید که انگیزه او خالص در امر دین است، وارد عمل شود و اگر دید انگیزه اش دنیاست یا مخلوط به آن است یا مسئله اخلاص و ریاضت محرز نشده، تبلیغ را ترک کند و مشغول تحصیل اخلاص و صدق شود. اگر صادقانه به دنبال آنها باشد خداوند هدایتش میکند چرا که خود فرموده: "والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا" برای اینکه بفهمیم در امامت اخلاص داریم یا نه راههایی هست.

مثلاً اینکه به خود و انگیزه اش برای امامت نگاه کند و ببیند به خاطر حب جاه و عزت امامت است یا برای دستور خدا و رضایت او. اگر دید در صورت قلت مامومین میلش برای امامت کمتر است یا دید رغبتش برای امامت اعیان و بزرگان بیشتر از دیگران است بداند که قصدش یا کاملاً برای جاه است یا مخلوط به آن.

اگر نفس و شیطان به انسان گفتند: تمایل تو برای زیادتر بودن مامومین و از بزرگان و اشراف بودن آنها، بیشتر شدن ثواب و ترویج دین و تعظیم شعائر الله و ترویج امر جماعت است، بلافاصله گول نخورد و دقت کند که آیا واقعا انگیزه اش ثواب بیشتر و تعظیم شعائر است یا خیر؟

محک دیگر اینکه اگر فرض شود که امامت تو برای یک یا دو نفر از جهات متعددی اولویت داشته و ثواب آن نسبت به امامت گروهی از مردم بیشتر باشد، آیا میل ت برای امامت این جمع اندک بیشتر هست یا خیر؟ محک این که آیا قصد تو ترویج دین و تعظیم شعائر است یا خیر، این است که بینی اگر این ترویج و تعظیم توسط دیگری بیشتر از تو حاصل میشود، آیا حاضر به امامت او و اقتدای خودت به وی هستی؟

اگر وسوسه گردرونی به تو گفت: علاقه ات برای امامت برای این است که تو به فوز ترویج دین و تعظیم شعائر برسی، باز هم زود مطمئن نشو و ببین اگر در جایی اقتدا کردن تو به دیگری باعث ترویج و تعظیم است ولی امامت تو چنین نیست، باز هم میل به اقتدا داری یا خیر؟

خلاصه اینکه مسئله اخلاص و صداقت در آن از مو باریکتر است. چه بسیار بوده اند کسانی که مدت زیادی توهم اخلاص داشته اند و حادثه ای خلاف آن را ثابت کرده. یکی از علما سادات سی سال در صف اول جماعت، ماموم بوده. مانعی برایش حادث شد که دیگر نمی توانست در صف اول بایستد، پس در صف دوم ایستاد. از اینکه او را در صف دوم می دیدند احساس خجالت و شرم میکرد، فهمید که مراقبت سی ساله اش برای اقتدا در صف اول به جهت ریا بوده. لذا تمام نمازهای این مدت راقضا کرد. می بینی این عالم مجاهد را، رتبه مجاهدتش را نگاه کن، سی سال به جماعت اهتمام داشته و امامت را ترک کرده سپس به قضای تمام نماز هایش پرداخته ولی باز هم مسئله اخلاص برای چنین کسی مخفی و پنهان بوده است.

از این توضیحات حکم و وعظ و موعظه هم فهمیده میشود. در وعظ همه آفات زبان ممکن است راه پیدا کند. آفاتی که بزرگان از آن نتوانستند احراز کنند لذا سکوت را پیشه کردند با آنکه سخن گفتن از سکوت اشرف است و همه خیرات از کلام بر می خیزد.

خلاصه کلام اینکه باید مجاهد اولاً هر آنچه که درباره مراتب اخلاص درامامت گفتیم در وعظ هم رعایت کند. مضافاً به اینکه مراقب آفات کلام باشد تا در مهلکه هایی چون کذب بر خدا، قول بدون علم، تعریف از خود و اشارات کنایی به فضائل اخلاقی خویش، اغراء به جهل، برانگیختن فتنه‌ها و سائر ضررها بر مسلمین، نیافتد.

نباید باعث گمراهی عقیدتی مردم شود ولو به اینکه شبهه و جواب آن را در جایی مطرح کند که مستمع نمی‌تواند جواب را درک کند. در بیم و امید دادن زیاده روی نکند تا مستمع دچار یاس یا امیدواری بیجا گردد.

چیزی نگوید که مستمع دچار غلو شود؛ عقیده او را نسبت به انبیا و ائمه بد نکند، هتک اعراض به ویژه از خواص ننماید، دچار غیبت گذشتگان و افترا بر انبیا و اوصیا و علما نگردد، با سختگیری و تحمیل آنچه که مردم طاقتش را ندارند آنان را نسبت به شرع، عبادات، علما و انبیا و خدای متعال بدبین نکند. بانقل افعال فساق و اشرار موجب تحریک مردم به افعال شر نگردد، با تعلیم حیل شرعیه مرجوحه اثاره‌ی شر نکند و با لطافت و ناز خصوصاً در جایی که بانوان حضور دارند صحبت ننماید و فعلاً یا قولاً تصریح به قبایح نکند. پس از تکمیل مراتب اخلاص در وعظ باید مراقب آیه شریفه "اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم" درباره خود بود.

خلاصه اینکه باید اول خودش را وعظ نماید سپس دیگران را با دلسوزی و مدارا و حکمت وعظ کند. خطیب باید اندارش بیشتر از تبشیر باشد. مگر اینکه مستمعین خاص باشند. باید مراقب حال کسانی که انداز برایشان مضر است باشد. نقل شده که حضرت زکریا وقتی حضرت یحیی در مجلس وعظش حاضر بوده ذکر عذاب آتش نمی‌کرده. گاهی اوقات هم مستمعین از فرورفتگان در معصیت خدا هستند که ذکر برخی اخبار از رجاء و حلم کثیر الهی برای آنها مضر است و موجب هلاکتشان می‌گردد.

باید حال واعظ نسبت به مستمعین حال پدر حکیم در تربیت فرزندانش باشد، که آنچه به صلاح ایشان است در تربیت آنها بکار گیرد نه آنچه مضر بر ایشان می باشد. باید دانست که وعظ مفید و مؤثر آن است که همراه با فعل و عمل باشد و صرف گفتار نباشد گاهی ممکن است شدت منافات قول واعظ با عملش باعث جرات مستمع بر معاصی گردد و موجب سلب اعتقاد آنها از علما و حتی انبیا گردد بگونه ای که آنها را از دین خارج نماید.

واعظ اگر روایتی را نقل میکند که ثواب زیادی را برای عمل قلیلی بازگو میکند در کنارش قدرت خدا و دلیل چنین ثوابی برای چنین عملی را بازگو کند تا انکار عقلی مستمع از بین برود و نتیجه وعظش انکار روایات یا انکار ثواب و عقاب نشود. خصوصا در زمان ما که شبهه پراکنی برای رهزنی دین مردم زیاد شده. نمی گویم اصلا چنین مسائلی را نگوید بلکه میگویم توضیحی دهد تا استبعاد عقلی دور شود. مثلا وقتی نقل میکند که خدا به عدد حروف یک نماز دو رکعتی قصری در بهشت از لؤلؤ و زبرجد عطا میکند، برای رفع استبعاد بگوید:

به عالم خیال نگاه کنید که خداوند به هر کسی داده است، همان طور که خداوند قادر بر خلق عالم خیال است میتواند آنچه را که در عالم خیال ماست در خارج محقق کند. در روایات مربوط به اهل بهشت داریم آنها هر چه را بخواهند ایجاد میکنند. این قدرت را خداوند در آخرت به مؤمنین عطا مینماید، کما اینکه در دنیا به انبیا و اولیا عنایت فرموده. امر حضرت رضا به شیر پرده و تبدیل آن به شیر خارجی و دریدن آن ملعون از همین باب است.

خلاصه اینکه باید با چنین مقدمات و توضیحاتی کاری کرد که وعظ باعث ضرر به دین مردم نشود. مبلغ باید بیش از آنچه یک پزشک در تجویز دارو برای بیمار احتیاط میکند احتیاط به خرج دهد، چرا که مساله ارواح مهمتر و دقیقتر از ابدان است.

باید قبل از سخنرانی و تبلیغ امر خود را به خدا واگذار نماید و از شیطان و نفس به خدا پناه برد. اگر صادقانه چنین کند خداوند یقیناً او را حفظ مینماید و کلام او را مفید و مؤثر می نماید و نور و حکمت می بخشد.

هدف مبلغ باید این باشد که دین را برای مستمع ارزشمند و بزرگ نمایاند و محبت خدای متعال و انبیا و اولیائش را در قلب او وارد کند. نعمات الهی را برای مردم یادآوری کند، سختی خشم و عذاب الهی را باز گو نماید و مردم را از دنیا و زینت های آن بر حذر دارد.

ذکر حالات بزرگان و خوف و عبادت و شوق و مراقبات آنها و لطف خداوند به آنان را زیاد بگوید و لابلای سخنانش معارف و عقاید را با نرمی و سهولت و الفاظ و اصطلاحات ساده و روان مطرح نماید.

# بخش سخنرانی

در بخش سخنرانی که محتوای اصلی مجالس می باشد، شامل دو محور است، که در هر جلسه یا هر روز لازم است حتی الامکان تمام مطالب ارائه شود. این محورها شامل:

الف- احکام: که محور بحث در این دهه «احکام خودکشی و حیا و حجاب» است.

ب- اعتقادات و سیره اهل بیت (علیهم السلام): در این بخش به موضوع «خودکشی،

حیا، غیرت و عفت و تهاجم فرهنگی»، پرداخته شده است.

## بخش سخنرانی و احکام

### مجلس اول

#### احکام

خودکشی، حرام و از گناهان کبیره است.<sup>۱</sup> اما مسلمانی که خودکشی کرده همچون دیگر مسلمانان، تجهیز و بر او نماز خوانده می شود.<sup>۲</sup> کسی که به قصد خودکشی جراحتی بر خود وارد و پس از آن، وصیت کرده است، بنابر مشهور، وصیت وی در مالش صحیح نیست.<sup>۳</sup>

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمره‌ی اولیاء محشور شویم

گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

#### دین و خودکشی

شیطان امروزه جهان بشریت و انسان‌ها را به دو شیوه، دارد به تباهی می کشاند: ۱- به وسیله فساد، لذت‌جویی و هرزگی و به عبارتی کامل تر به وسیله بی دینی.<sup>۴</sup> یعنی می

۱ جواهر الکلام ج ۱۳، ص ۳۱۱.

۲ العروة الوثقی ج ۲، ص ۸۸.

۳ جواهر الکلام ج ۲۸، ص ۲۷۴-۲۷۵.

۴ تکه ای از سخنرانی استاد پناهیان در تاریخ ۱۳۹۲/۹/۹ در بقعه شیخ طرشتی.

خواهد کاری کنند که جوان ما معتقد به هیچ چیزی نباشد. ممکن است کسی بگوید خب! اگر این کار را کرد و جوان ما بی دین شد چه می شود؟ چند رکعت نماز است دیگر. نمی خواند. نخواند. این که مهم نیست.

پاسخ من به این شخص این است که وقتی کسی بی دین شود یعنی می گوید خدایی وجود ندارد پس قیامتی هم نیست و اگر قیامت هم نباشد هر کاری دلش بخواهد انجام می دهد. یعنی هر جرم و جنایتی که خواست می تواند انجام دهد. البته یکهو به این مرتبه نمی رسد ولی کم کم و آهسته آهسته به کارهای خلاف بزرگی دست می زند. وقتی انسان بی دین شد دلیلی نمی بیند که به پدر و مادر خودش احترام بگذارد. دلیلی نمی بیند کار و تلاش کند. دلیلی نمی بیند گناه نکند و روابط جنسی مختلف را امتحان نکند. الان در جوامع بی دین غربی اگر نگاه کنید می بینید که در این قضیه به کجاها رفته اند از روابط با محارم و همجنس گرفته تا ازدواج با حیوانات. این ها حد و مرزی برای هیچ چیز نمی شناسند.

به این شعر دقت کنید:

لَعِبَ الْهَاشِمُ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبَرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ

این همان شعر است که یزید لعنت الله علیه وقتی سر مبارک امام حسین علیه السلام را برایش آوردند خواند. معنی این شعر چیست؟ معنی اش به صورت خودمونی این است که پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله دینی نیاورده و به تعبیری اصلا دینی وجود ندارد. این حرف یک بی دین است که برایش فرقی ندارد در مقابلش چه کسی باشد.

این کارها نتیجه بی دینی است. و به خوبی نشان می دهد انسان بی دین چه کارهایی را انجام می دهد. این حرفایی که زده شد به این دلیل بود که به اینجای مطلب برسم و این نکته مهم را بگویم. پس خوب گوش کنید. انسان بی دین وقتی با مشکلات مواجه شد و دچار کمبود شد سریعاً به خودکشی روی می آورد. چرا؟ چون با خودش می گوید چرا زنده باشم و سختی بکشم؟ در حقیقت مرگ را تنها راه نجات خودش می داند و می گوید اگر بمیرم برای من بهتر است.

البته این نکته را هم باید بگویم که با این ابزارهای جدید مثل موبایل و اینترنت و ماهواره وقتی انسان را بی دین کردند به او پیشنهاد می دهند که خودت را بکش و راحت کن. اگر امروزه درباره خودکشی هایی که اخیراً انجام می شود تحقیق کنید می بینید درصد بالایی از کسانی که اقدام به خودکشی کردند در گروه ها و کانال های خودکشی مختلفی عضو بوده اند و مرتباً از آنها خواسته می شد که خود را بکشند. مثلاً همین چند وقت پیش اعلام شد همه روسیه ایهایی که عضو یک کانال بودند خودکشی کردند. روش های مختلف را بیان می کردند و حرف های ناامید کننده و....

در اروپا و امریکا الان یکی از معضلاتشان خودکشی است. چون می بیند برای چه باید این همه سال زندگی کنند و سختی بکشند و آخرش مرگ. یکی از مهندسان اروپایی که مهندس شیمی بود و در دانشگاه هم رتبه برتر داشت می گوید در یک شرکت معتبر استخدام شده بودم و در آمد خوبی داشتم. ماشین، خانه، همسر و تفریح و.... اما نشستم و با خودم فکر کردم خب این همه کار کنم و بعدش پیر بشم و بمیرم چه فایده ای دارد. مگه

قرار نیست بمیرم. پس همین الان خودم را بکشم. اقدام به خودکشی کرده بود ولی زنده مانده بود و سخنانش را در یک مقاله نوشته بود. این هست نهایت زندگی بی دینی.

اما طبق احادیث ما شیعیان که شما قوم بختیاری تنها قومی هستید که همگی شیعه هستید، و این واقعا باعث افتخار است، وقتی کسی خودکشی می کند مستقیم وارد آتش می شود و در روایات تعبیر خلود در آتش را دارد.<sup>۵</sup> یعنی برای همیشه در آتش باقی می ماند. آتشی که در آن دیگر مرگ وجود ندارد و این طور هم نیست انسان به آن عادت کند. پوست که می سوزد باز پوستی می روید و باز هم می سوزد و.... توصیف های بیشماری در مورد آتش جهنم وجود دارد که چون محل بحث ما نیست زیاد به آن نمی پردازیم ولی فقط برای ملموس شدن و حس کردن یک ذره از آتش جهنم برایتان بگویم که وقتی به خانه می روید شعله کوچک گاز را روشن کنید و در کمترین مقدار بگذارید. دست خود را به آن آتش به مدت یکساعت بگذارید. نمی شود؟! ده دقیقه؟! یک دقیقه؟! ده ثانیه؟! ما که تحمل این مقدار از آتش را نداریم چطور می توانیم آتش جهنمی را تحمل کنیم که میلیونها برابر بیشتر است.

---

۵ ابن بابویه، محمد بن علی، پاداش نیکبها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش.

موضوع مهمی که در روایات آمده است اینکه انسان مومن ممکن است به هر شیوه ای بمیرد ولی خودکشی نمی کند.<sup>۶</sup> یعنی چه؟ یعنی اینکه شخصی که خودکشی می کند ایمان ندارد. دین ندارد. بگذارید برایتان یک اتفاق تاریخی را نقل کنم. پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله یک یاری داشتند به نام قزمان. قزمان در یکی از جنگ ها کشته شد و خبرش را برای پیامبر آوردند. تا خبر کشته شدن را گفتند پیامبر فرمودند او اهل آتش است. اصحاب پیامبر همه شوکه شدند و جا خوردند. گفتند پیامبر او در جنگ خیلی از افراد دشمن را کشت. چطور اهل جهنم و آتش است؟ پیامبر فرمودند او در میدان جنگ بعد از اینکه مجروح شد خودش را کشت تا زجر نکشد. به دلیل خودکشی او اهل آتش است.<sup>۷</sup> تحقیق های زیادی در کشورهای غربی انجام شده که نشون می ده آمار خودکشی در افراد متدین و معتقد خیلی کمتر است و این خودش تایید بر روایت است که فرد مومن خودکشی نمی کند.<sup>۸</sup>

---

۶ کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده کافی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۳ ش. ج ۱ ص ۲۲۷؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول / ترجمه جنتی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ش. ص ۲۳۷.

۷ طبرسی، فضل بن حسن، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام / ترجمه إعلام الوری - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۰ ق.

۸ ممکن است برخی بگویند یعنی هرکسی خودکشی کرد بی دین است؟ خیر اینگونه نیست بلکه شاید وقتی در معرض سختی های زندگی قرار گرفت بدون توجه به عواقب کار خود یا نفهمیدن معنی مرگ دست به خودکشی بزند.

خوب دقت کنید. طبق این سخن پیامبر، یار پیامبر هم باشیم ولی خوکشی کنیم باز هم وارد جهنم می شویم.

نتیجه بحث ما این شد که شیطان به روش های گوناگون به دنبال این است که انسان را بی دین کند و در نهایت او را به خودکشی وادار کند و همراه خودش وارد جهنممان کند. این یک مورد از کارهای شیطان بود. ادامه بحث باشد برای فردا انشاءالله.

## مجلس دوم

احکام

سؤال: نسبت به شخصی که به گونه ای می خواهد اقدام به خودکشی نماید بفرمایید:<sup>۹</sup>

الف) آیا جلوگیری از خودکشی وی بر دیگران واجب است؟

ب) اگر ممانعت از خودکشی آن شخص، مستلزم مخارجی باشد آن مخارج را چه

کسی و تا چه مقداری باید پرداخت نماید؟

ج) اگر بازداری شخص فوق از خودکشی، مستلزم استقبال از خطر جانی یا به خطر

افتادن سلامت شخص نجات دهنده باشد تا چه اندازه باید از این خطر استقبال نماید؟

پاسخ: الف تا ج) جلوگیری از خودکشی بر هر مسلمانی واجب است و اگر هزینه

کمی داشته باشد باید شخص بازدارنده پردازد اما اگر هزینه آن سنگین باشد یا مستلزم خطر

جانی باشد بر آن شخص لازم نیست ولی چنانچه بیت المال توانایی داشته باشد باید آن را

پردازد.

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمره‌ی اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

### تفاوت دین دار و بی دین

در جلسه قبل توضیح دادیم که یکی از ابزار شیطان برای گمراه کردن انسان‌ها، بی دین کردن انسان است. این موضوع در سال‌های اخیر با شدت بیشتری اتفاق افتاده آن هم به دلیل وجود ابزارهای جدید. شاید بعضی بگویند همونطور که ما بزرگ شدیم و آدم خوبی شدیم بچه‌های ما یک شیطنت‌هایی ممکن است بکنند ولی بالاخره آدم می‌شوند و می‌روند سر زندگیشان. یه چند روزی جوان هستند و هر کاری خواستند بگذارید بکنند بالاخره سر عقل می‌آیند.

در جواب می‌گویم قدیم (یعنی حدود ۱۰ سال قبل) ما اگر می‌خواستیم گناه کنیم (اگر در کوچ نبودیم و در محلی ساکن بودیم) خیلی سخت بود. یک عکس یا تصویر به زور در دسترس بود. اما امروز اگر خوب حواسمان باشد می‌بینیم با این موبایل‌ها و اینترنت و ماهواره، جوان ما هرچه بخواهد در دسترس دارد.

آقای قرائتی حرف قشنگی می‌زد: میگفتند اگر بچه‌ای ده ساله پای اینترنت بنشیند و درخواست فیلم‌های ناجور بدهد تا می‌تواند برایش می‌فرستند ولی اگر یک جوان درخواست مثلا فرمول فلان قطعه هواپیما را بدهند محال است. این یعنی اینکه این ابزار را درست کرده‌اند که زمینه گناه را برای جوانان ما فراهم کنند. آن وقت اگر جوان به این

کارها عادت کرد دیگر سخت می شود که از این عادت دست بردارد. باید این ابزارها را مدیریت کرد.

امشب می خواهم بگویم که تفاوت شما که دین دار هستید با یک انسان بی دین چیست؟ شهید مطهری در کتاب انسان و ایمان تفاوتهایی را ذکر می کند:

۱. خوشبینی: انسان با ایمان همیشه نسبت به زندگی و دنیای اطرافش خوش بین است و می داند این عالم خدایی دارد که همه کارهایش حکمتی دارد. خدای حکیم به هرکسی یک چیزی داده است، فقط ما باید بدانیم خدا حکیم است. ببینید بالای پلک ابرو گذاشته که این ابروی سیاه جلوی فشار نور را بگیرد. نور مستقیم چشم را اذیت نکند. موارد متعددی در وجود انسان هست که اگر توجه کنیم حکیم بودن خدا را می فهمیم.

آقای قرائتی می گفتند: یک طنزی هست، طنز قشنگی است. می گویند: یک کسی به خدا تلگراف کرد. ای خدا! یک کامیون اسکناس برای من بفرست، راحت خوش خوش باشیم. جواب آمد یک کامیون اسکناس به تو می دهم ولی با دو تا پسر هروئینی. گفت: نمی خواهم. خدایا یک گونی اسکناس بده ما خوش باشیم. جواب آمد: یک گونی اسکناس به تو می دهم با یک دختر کچل. گفت: خدایا، تلگراف سوم: یک ساک اسکناس به ما بده خوش باشیم. گفت: یک ساک اسکناس می دهم با تنگی سینه. گفت: خدایا نمی خواهم. همان روزی خودمان را بده بیاید. گفت: تدریجاً می رسد فوضولی موقوف!

اما کسی که دین ندارد قرآن می فرماید: وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا.<sup>۱۰</sup> هر کس از توجه و یاد من رو برگرداند، زندگی ای تنگ و پر از فشار خواهد داشت. زندگی پر از سختی و فشار.

۲. امیدواری: حضرت علی علیه السلام بر جمعی وارد شده و از آنها سؤال فرمودند: آیا می دانید امیدبخش ترین آیه ی قرآن کدام است؟! هر کس به فراخور حال خویش آیه ای را عنوان کرد. بعد از اینکه حضرت نظرات آنان را شنید، فرمودند: از حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: امیدبخش ترین آیه در قرآن این آیه است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه دادند: یا علی! سوگند به خداوندی که مرا بشیر و نذیر به سوی مردم مبعوث کرد، وقتی که انسان برای نماز وضو بگیرد، گناهانش ریخته می شود، و زمانی که رو به قبله کند، پاک می شود. یا علی! مثال اقامه کننده ی نمازهای روزانه، مثل کسی است که هر روز پنج مرتبه در نهر آبی که جلوی منزل اوست خود را شستشو کند.<sup>۱۱</sup>

انسان امیدوار هرگز تن به خودکشی نمی دهد اما انسان نا امید خیر.

۳. آرامش: امروزه در غرب به جای اینکه آرامش را در دین پیدا کنند به هر طرفی می روند غیر از دین. در نهایت هم که چیزی پیدا نمی کنند به دنبال آرامش ابدی می روند و

خودکشی می کنند. اما وقتی به سراغ انسان های دیندار می رویم آرامشی در وجود آنها احساس می کنیم که روی ما هم تاثیر می گذارد. آقای قرائتی نقل می کنند: در رژیم طاغوت، شهید محراب حضرت آیت الله مدنی در نورآباد کازرون تبعید بود. من به دیدنش رفتم، دیدم این عالم ربّانی در تنهایی به سر می برد.

گفتم: از تنهایی ناراحت نیستید؟ فرمود: من تنها نیستم، در محضر خدا هستم. هر شبی که می خوابم، یک قدم به خدا نزدیک تر می شوم و هر قدمی که دشمنم (شاه) برمی دارد، یک قدم از خدا دورتر می شود.<sup>۱۲</sup> چنین آرامشی در تبعید واقعا از یک دین دار بر می آید. همان آرامشی که امام حسین علیه السلام در زمان شهادت داشتند. وقتی تک تک یاران و خویشانشان در جلوی چشمشان پرپر می شدند چهره ایشان بشاش تر می شد.

---

۱۲ خاطرات آقای قرائتی، ج ۱ ص ۶۴

## مجلس سوم

### احکام

پرسش: می دانیم خودکشی در اسلام حرام است؛ لکن اگر رزمنده ای در حال جنگ و در معرض اسارت دشمن باشد و اطلاعاتی داشته باشد که اگر لو رود، باعث مرگ عدّه ای از رزمندگان شده، بعلاوه ضایعات دیگری نیز به دنبال خواهد داشت، و این رزمنده می داند دشمن او را شکنجه های بسیار خواهد نمود تا به آن اطلاعات برسد و این شخص تحمل آن شکنجه ها را ندارد؛ آیا می تواند قبل از اسارت خودکشی کند؟

جواب: چنانچه مسلم باشد طاقت شکنجه ها را ندارد و اطلاعاتی می دهد که ضایعات بزرگی به بار می آورد و موجب مرگ گروهی می شود، این عمل نوعی ایثار و فداکاری محسوب می شود.<sup>۱۳</sup>

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمره‌ی اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

### خودکشی

گفتیم بی دینی یکی از اهداف شیطان است که در نهایت منجر به خودکشی می شود. امشب طرف صحبت من سه گروه هستند. یکی کسانی که می خواهند که نهایت زندگی آنها با توجه به فضای آلوده امروز به خودکشی ختم نشود. دوم کسانی که به مرز خودکشی رسیده اند و سوم کسانی که افرادی را می شناسند که به مرز خودکشی رسیده اند.

عزیزان من، بختیاری های غیور و مبارز، شیعیان امام حسین، یکی از کارهای مهم برای ایمنی از فکر خودکشی ارتباط بیشتر با خدا و با اهل بیت است. قرآن رو روزی یک صفحه بخوانیم. نماز اول وقت و حضور در مسجد اینها عوامل خیلی مهمی هستند که روح انسان را پاک میکند. همین نماز اول وقت بود که امام حسین علیه السلام وسط میدان جنگ حاضر نشدند از اون دست بردارند و حتی به جماعت خوندند و این خیلی مهمه. دنبال گناه و تصایر نامربوط نروید که اگر رفتید برگشتش خیلی سخته. اگه احساس می کنید توان مقاومت در برابر گناه رو ندارید و موبایل شما رو به گناه می اندازه اون رو عوض کنید. راهکارهای دیگری هم وجود دارد که هرکسی خواست بعد از صحبتهای من بیاد تا راهکار بهش بدم.

به کسانی که به مرز خودکشی رسیده اند چندتا نکته عرض می کنم.

ترسها، ناکامی ها و نگرانی های خود را با والدین، دوست، همسر، استاد، مشاور یا یک روحانی در میان بگذارید. اگر شما راه حلی برای مشکلات ندارید به این معنی نیست که برای آن مشکلات دیگر هیچ راه حلی وجود ندارد.

آنچه را که موجب ناراحتی شما می شود، بطور مشخص بنویسید. راه حل هایی هم که به ذهن شما می رسد را بنویسید. افکار مثبت را جایگزین افکار منفی کنید. بعضی اوقات جهت ایجاد احساس بهتر با خودتان حرف بزنید.

کسانی را که در صورت کشتن خودتان، زندگی آنها آسیب خواهد دید، مشخص کنید. مادر، پدر و دوستان و حتی ممکن است دوستان موجود در شبکه های اجتماعی ممکن است از نبود شما ضربه بخورند. در نظر داشته باشید که شما به حساب می آید و برای دیگران مهم هستید، ارزشمندید و استحقاق این را دارید که چیزها را بهتر سازید. زندگی در دوره هایی از زمان سخت می گردد، همه فراز و نشیب دارند. یک بخش از خوبی زندگی در این است که شما امیدوارید فردا بهتر از دیروز خواهد بود. مطمئن باشید با مرگ راحت نمی شوید و سختی ها و عذاب شدیدتری در انتظار شما خواهد بود.

حالا می خواهیم به شما سه چهار چیز بگویم که اندکی در مورد آنها فکر کنید:

۱. تا به حال انسانهای بسیار زیادی بودند که توانسته اند با این احساس خود بجنگند و از شر آن خلاص شوند. پس اینطور نیست که زندگی به نقطه نهایی رسیده باشد.
۲. به خودتان زمان بدهید. به عنوان مثال به خودتان بگویید (قبل از اینکه دست به انجام هر کاری بزنم ۲۴ ساعت صبر می کنم) این زمان را حتی می توانید به مدت یک هفته نیز افزایش دهید. به خاطر داشته باشید که احساسات و رفتار دو چیز کاملاً متفاوت هستند.

اگر احساس می کنید که باید خودتان را بکشید به این معنا نیست که باید همین الان این کار را عملی کنید. اندکی زمان بین احساس خودکشی و انجام آن به طور واقعی بگذارید، حتی اگر این زمان تنها ۲۴ ساعت باشد.

۳. حیف نیست جوانی که می تواند یکی از یاران امام حسین علیه السلام باشد خود را تلف کند و وارد جهنم کند. چقدر الان جوان هایی هستند که به عشق شهادت در سوریه و کشورهای دیگر در حال جنگ هستند و وقتی هم شهید می شوند اینقدر از جنازه آن ها استقبال می کنند. تا به حال دیده اید مرده یک کشوری را در کشور دیگری تشییع جنازه کنند و هزاران نفر به تشییع آنها بروند؟. شهدای مدافع حرم تپ فاطمیون افغانی های شیعه ای هستند که بعد از شهادت به قم یا مشهد می برند و آنجا خیلی از ایرانی ها در مراسم تشییعشان شرکت می کنند. جوانی که می تواند به این حد برسد چرا خود را نابود کند.

۴. انسان تا سختی نکشه به مراتب بالا نمی رسه. نمونه اش همین ورزشکاران المپیک که ماهها تلاش می کنند تا بتوانند مثلاً به وزنه فلان مقدار رو بالای سر بزن. تا سختی نکشیم و تا تلاش نکنیم به هیچ جایی نمی رسیم.

میگن به روز یکی تصمیم میگیره از یک ساختمون ۵ یا ۶ طبقه خودشو پرت کنه پایین به خاطره چک برگشتی در حال سقوط: خانواده ی هر طبقه رو میبینه. اولی به بیماری بوده که در تخت نمیتونسه تکون بخوره؛ طبقه بعد مادریو میبینه ک گریه میکرده برای فرزند معتادش؛ طبقه بعدی پدری رو میبینه که با وجود ۵ بچه از کار بیکار شده و حتی نانی هم برا خوردن ندارن؛ خلاصه می بینه تا طبقه ی اخر هر کسی چقدر مشکل داشته و خودش بین اینا چقدر خوشبخت بوده!!! پشیمون میشه اما دیگه پشیمانی سودی نداره.

میگن اگه مشکلات همه رو توی یک میدان جمع کنند هرکسی میره مشکل خودش رو بر می داره چون می فهمه که نسبت به بقیه این مشکل آسونترین مشکله (هرکسی استعداد خاصی رو داره مثلا یکی مدیریتش خوبه و یکی طراح خوبیه)

اما در پایان با اطرفیان شخصی که می خواهد خودکشی کند سخنی دارم. حداقل ۷۰ درصد کسانی که اقدام به خودکشی می کنند، قبل از اقدام، به گونه ای قصد خودشان را نشان می دهند. آگاهی از این نشانه ها و حاد بودن مشکلات فرد می تواند در پیشگیری از چنین تراژدی هایی کمک کننده باشد.

یک کسی نقل می کرد حدودای ساعت ۱۰ صبح بود داشتم تو چند تا کوچه بالاتر از خونمون قدم میزدم؛ از سر بی حوصلگی هر چیزی توجه منو به خودش جلب میکرد! یهو چشم به حجله عزایی که کنار در یکی از خونه ها برپا شده بود افتاد! اصولا از این لحظه ها خوشم نمیومد و همش با عجله صحنه رو ترک میکردم ... اما اینبار با بقیه دفعات یه فرقایی داشت!

روی حجله عکس یه جوون ۱۶ / ۱۷ ساله چسبیده بود! دوروبر حجله چهار پنج نفر از رفیق هاش که اونام کم سن و سال بودن زانو غم گرفته بودن! دلم نیومد ساده بگذرمو برم!

رفتم نزدیک تر باهاشون دست دادمو تسلیت گفتم ... بعد از خوندن فاتحه برای شادی روحش، یکی از رفیقاش رو کشیدم کنارو پرسیدم چطور فوت کرده؟ تصادف کرده؟!

اونم با یه نگاه به حلقه ی توی دستم ازم پرسید متاهلی داداش؟ گفتم آره، چطور؟  
گفت ایشالا خوش بخت بشی؛ گفتم: ممنون ... بعد از چند ثانیه سکوت بهم نزدیک تر شد  
و گفت: خودکشی کرد و مارو تنها گذاشت!

کمی خودمو عقب کشیدمو پرسیدم آخه چرا؟!!

گفت: یکسالی می شد به یه دختر علاقه شدیدی پیدا کرده بود جوروی که حاضر بود  
براش جونشم فدا کنه ... چند باری بخاطر دختره با خونوادش بحثش شده بود، یکی دو بار  
هم با پدر دختره دهن به دهن شده بود ... خلاصه نه خونواده خودش راضی بودن که این  
دو تا عاشق به هم برسن و نه خونواده دختره ...

من سرمو به نشانه ناراحتی تکون دادمو سکوت کردم تا ادامه حرفاشو بزنه، رفیقش  
آهی کشید و ادامه داد: چند هفته پیش که با رفقا از سر الافی تو پارک جمع شده بودیم  
میگفت که اگه بهم نندش خودمو میکشم (اما همه ما از کنار حرفش با چند تا نصیحت  
کوچیک و چند تا خنده ساده گذشتیم)!

بچه بدی نبود، همه ازش کم و بیش راضی بودن، اما حالا بخاطر کاری که کرده نظر  
مردم نسبت بهش عوض شده! حالا بگذریم که چه بلاهایی رو سر دختره اومده و میخواد  
بیاد!

بسیاری از افراد غالبا با ابراز جملاتی همچون، دلم می خواهد خودم را بکشم، یا،  
نمی دانم چه مدت دیگر می توانم این فشارها و مشکلات را تحمل کنم دیگران را مستقیما  
از برنامه خود کشی خود مطلع می گردانند. بطور کلی وجود احساس افسردگی، ابراز  
درماندگی، تنهایی و ناامیدی شدید، می تواند بیانگر افکار منجر به خودکشی در فرد باشد.

گوش دادن به صحبت‌های فرد که نشانه درخواست کمک از طرف اوست، حائز اهمیت بسیاری است. چرا که معمولاً این گونه صحبت‌ها تلاش ناامیدانه فرد جهت برقراری ارتباط، دریافت کمک و درک مشکلاتش توسط دیگران می باشد.

بیشتر اوقات در رفتار بیرونی افرادی که به فکر خودکشی می افتند تغییراتی دیده می شود آنها ممکن است با بخشیدن اموال قیمتی خود و مرتب کردن کارهایشان خود را برای مرگ آماده کنند. آنها همچنین ممکن است از اطرافیان خود کناره گیری نموده الگوی خواب و خوراک خود را تغییر دهند و یا علاقه شان را نسبت به فعالیتها یا ارتباطات گذشته شان از دست بدهند. چنین تغییرات ناگهانی و شدید می تواند به عنوان زنگ خطر تلقی گردد. چرا که با این تغییرات فرد خود را در موقعیتی می بیند که بزودی مشکلاتش تمام خواهد شد و به آرامش دست خواهد یافت.

اگر فردی را که قصد خودکشی دارد می شناسید، لازم است اقدامات زیر را انجام دهید و بدانیم که مقابله با خودکشی او و جلوگیری از خودکشی او بر هر کسی که اطلاع دارد از خودکشی او واجب است و اگر جلوگیری نکند او در قتل انسان مومن شریک است.

خونسرد باشید. در بیشتر موارد عجله ای در کار نیست. بنشینید و واقعا به صحبت های فرد گوش فرا دهید و ضمن درک، حمایت های عاطفی خود را در مورد وی اعمال نمائید.

بطور مستقیم راجع به خودکشی بحث نمائید. بیشتر افراد راجع به مرگ و مردن احساسات مبهمی داشته و آماده دریافت هر نوع کمکی هستند. از صحبت یا سوال مستقیم راجع به خودکشی، ترس و وحشتی بخود راه ندهید. فرد را به استفاده از روش های حل مسئله و اقدامات مثبت تشویق و ترغیب نمایید. بخاطر داشته باشید فردی که در موقعیت بحران عاطفی قرار دارد، نمی تواند منطقی و دقیق فکر کند. او را از هر گونه اقدام جدی و تصمیمات غیر قابل برگشت در موقعیت بحران باز دارید و راجع به تغییرات مثبتی که امید به زندگی را در وی افزایش می دهد بحث و گفتگو نمائید.

از دیگر افراد کمک بگیرید. علیرغم اینکه شما قصد کمک را دارید، سعی نکنید با ایفای نقش مشاور تمام مسئولیت را خود برعهده بگیرید. در جستجوی افرادی که بتوانند در زمینه های تخصصی به شما کمک کنند برآیید، حتی اگر به قیمت از بین رفتن اعتماد او به شما شود. اجازه دهید فرد مشکل دار بفهمد که شما برای وی اهمیت قائلید و نسبت به او چنان علاقمندید که قصد گرفتن کمک از دیگران جهت رفع مشکلات وی را دارید.

## مجلس چهارم

### احکام

امام خمینی (ره) می فرماید: زن باید تمام بدن را به استثناء دست ها، تا میچ و صورت از مرد نامحرم بپوشاند، و در حجاب لباس خاصی معتبر نیست، اگر چه پوشیدن چادر بهتر است و از لباس هایی که جلب توجه نامحرم کند اجتناب شود.

پرسش: چگونه حکومت و مردم می تواند از بد حجاب ی یا بی حجاب ی بعضی از خانم هایی که در این امر مهم کوتاهی می کنند جلوگیری کنند؟

جواب: مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کنند، و از هر گونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می تواند وارد این مرحله نیز بشود.<sup>۱۴</sup>

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمره‌ی اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

### حجاب

گفتیم شیطان برای فریب انسان‌ها و همراه کردن اونها با خودش به سمت جهنم دو تا کار می‌کنه. یکیش بی دین کردنه و دومیش که امشب می‌خوام خدمتتون عرض کنم دینداری منحرفانه است که نمونه بارزش رو در داعش و القاعده و تکفیری‌ها می‌بینیم. پس از مرگ هر پیامبری شیطان سعی کرده در دین او انحراف ایجاد کنه.

در روایت داریم که دین حضرت موسی ۷۱ فرقه شدند و دین حضرت عیسی علیه السلام به ۷۲ فرقه شدند و دین حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله ۷۳ فرقه می‌شود که فقط یکی از آنها حق است. از سنی و شیعه بگیرید تا زیدی و اسماعیلی و علوی و قادری. سنی‌ها چندین فرقه شدند و شیعیان هم چندین فرقه.

خب حاج آقا ما که شیعه هستیم و انشاءالله وارد بهشت می‌شویم و کاری هم به بقیه نداریم. اینها رو برای چی گفتی؟

می‌خوام بگم شیطون دست از سر هیچکسی بر نمی‌داره. هرکسی رو یه جور مشغول خودش می‌کنه. دست از سر من و شمایی که برای امام حسین سینه می‌زنیم و شیعه هستیم هم بر نمیداره.

چطوری حاج آقا؟ آخه ما که نمازمون رو می‌خونیم و امام حسن علیه السلام رو هم

قبول داریم و براش عزاداری می‌کنیم. چطوری ممکنه شیطون ما رو گول بزنه؟

جواب من به این سوال اینه که این کارها خوبه شما انجام میدین هم نماز و هم عزاداری و این ها واقعا لازمه ولی شیطون هم منظور که گفتم دنبال انحراف در دین داری من و شماست. خیلی وقتها ممکنه شما نگاه کنید ببینید یکی خیلی آدم مقید و مذهبی هست ولی پای درد دل خانواده اش که می نشینید می بینید خانواده اش خیلی از دستش شاکی هستن و به قول خودمون جونشون به لبشون رسیده.

نقل میکنن سعد ابن معاذ از اصحاب حضرت محمد مصطفی (ص) اهل مدینه و از حاضرین در جنگهایی مانند بدر، احد، خندق و... بود. وی در یکی از جنگها مجروح شد و پیامبر (ص) پس از این حادثه مکرر به عیادتش می آمد و از او تجلیل و احترام کرد. در لحظات آخر عمر او، پیامبر (ص) در کنار بسترش می آمد و از او پرستاری می نمود و این دعا را در حق او می کرد: خدایا! سعد در راه تو جهاد کرد و پیامبرش را تصدیق نمود، روح او را به خوبی بپذیر.

صبح آن روزی که سعد از دنیا رفت، جبرئیل بر حضرت محمد مصطفی (ص) نازل شد و عرض کرد: ای رسول خدا! چه کسی از امتهای شما از دنیا رفته است، که فرشتگان آسمان، روح او را به یکدیگر مژده می دهند؟ پیامبر اکرم (ص) به مسجد آمد، و از وفات سعد اطلاع یافت. آن حضرت، پس از نماز صبح همراه مردم به سوی خانه سعد حرکت کردند، وقتی وارد خانه او شدند، دیدند بستگان او مشغول غسل دادن جنازه سعد هستند، حضرت محمد مصطفی (ص) در کناری نشست، ناگاه دیدند آن حضرت زانوهای خود را جمع کرد، علتش را پرسیدند، فرمود: فرشته ای فرود آمد، جا برای او نبود، به او جا دادم. هنگامی که او را برداشتند، رسول خدا (ص) شخصا جلوی تابوت را گرفته بود و فرمود:

سوگند به کسی که جانم در دست او است، هفتاد هزار فرشته: جنازه سعد را تشییع می‌کردند.

رسول گرامی خدا شخصا جنازه سعد را حنوط کرد و آن را تا قبرستان بقیع با سر و پای برهنه و بدون عبا حمل نمود، و شخصا داخل قبر شد و جنازه سعد را به کمک حاضران در میان قبر نهاد و روی قبر را با سنگ و خشت و خاک پوشانید.

وقتی کار دفن به پایان رسید، مادر سعد کنار قبر آمد و گفت: «هنیئاً لک الجنة یا سعد»: ای سعد! بهشت بر تو گوارا باد. حضرت محمد مصطفی (ص) به مادر سعد فرمود: ای مادر سعد! چیزی را به طور جزم بر خدا حکم نکن «فان سعدا قد اصابتة ضمه»: همانا اکنون فشار قبر، سعد را گرفت. در این میان، حاضران از آن حضرت پرسیدند: ای رسول خدا دیدیم که شما به گونه‌ای با سعد رفتار کردی که با احدی چنین نکردی، و با سر و پای برهنه، جنازه او را حمل نمودی، و بدون عبا و رداء او را تشییع نمودی، گاهی طرف راست تابوت و گاهی طرف چپ آن را گرفتی، دستور غسل دادن جنازه‌اش را دادی، و نماز بر آن خواندی او را خود به خاک سپردی، در عین حال فرمودی: قبر، او را فشار می‌دهد، چرا؟ پیامبر در پاسخ فرمود: نعم انه كان في خلقه مع اهله سواً: آری، فشار قبر به خاطر کج خلقی سعد، با خانواده‌اش بود.

آیا این انحراف در دینداری نیست. آدمی با این شخصیت و این ارج و قرب پیش خداوند با خانواده اش به درستی رفتار نمی‌کرد. نمونه‌هایی از این قبیل در تاریخ زیادند. این اثر اخروی و قیامتی کار است اما این کار اثر دنیوی هم دارد و در همین دنیا تاثیر می‌گذارد. وقتی کسی با همسر و فرزندان‌ش درست برخورد نمی‌کند نباید انتظار داشته باشد

آنها مثل او مقید و متعهد باشند. تصور کنید پدری را که هر وقت از مسجد به خانه برمیگردد با تندی و غضب و خشم با فرزند و همسر برخورد می کند. آیا همسر و فرزندان این مرد با خودشان نمی گویند کاش هیچ وقت به مسجد نمی رفت؟ آیا ناخودآگاه از نماز و مسجد بدشان نمی آید؟

چند تا موضوع را می خواهم در این چند جلسه خدمتتان عرض کنم در رابطه با رفتار با خانواده و امشب یکی از آنها را خدمتتان عرض می کنم. یکی از خصلت های زنان این هست که دوست دارند زیبایی های آنها دیده شود. شما این موضوع را در دختر بچه ها به خوبی مشاهده می کنید. دخترها برعکس پسرها یک گل سر یا یک کیف یا کفش جدید که برایشان می خرید دوست دارند به عالم و آدم نشان دهند. این خصلت خوبی است تا همسر و مرد خانواده به آرامش برسد ولی مشکل اساسی این است که غالباً از طرف مرد خانواده این زیبایی ها دیده نمی شود. ((لَوْ لَا أَنَّ الْمَرْأَةَ تَصْنَعُ لِزَوْجِهَا لَصَلَفَتْ عِنْدَهُ. اگر زن، خود را برای شوهرش نمی آراست بی گمان در دل او جا نمی گرفت.))<sup>۱۵</sup>

زن طوری آفریده شده که وابسته به یک مرد باشد و فقط برای او طنازی و عشوه گری کند به همین دلیل اگر تکیه گاهش را نیابد و به تجمل و جلوه گری خود ادامه دهد دام نخواهد داشت و نابود می شود.<sup>۱۶</sup>

۱۵ دوستی در قرآن و حدیث: ص ۳۱۲ ح ۵۰۸.

۱۶ جنیا امبروز، روح زن، ترجمه حسام شهرئیس، ص ۲۴.

بگذارید واضح تر بیان کنم. زن اوایل ازدواج خودش را برای مردش آرایش می کند. اما مرد توجهی نمی کند و این حس زن برآورده نمی شود. خب اینجا چه می شود؟ یا کم کم از آرایش و زیبایی خودش کم می کند و در خانه می نشیند یا زیبایی خودش را به غیر شوهرش عرضه می کند. به جامعه عرضه می کند. یعنی آرایش می کند و بجای شوهرش به دیگران خود را نشان می دهد.

اینکه می بینید در برخی نقاط کشور متأسفانه اینطور به بیرون از خانه می روند یکی از دلایلش این است و این دلیل مهمی است. البته نباید این موضوع دست آویزی برای توجیه این عمل زشت باشد اما به هر حال موضوعی است که در خانواده ها وجود دارد. چکار کنیم. زیبایی های زنان و دخترانتان را ببینید تا نیازی نداشته باشند این دیده شدن را به غیر از محارم خودشان ارائه بدهند.

### مجلس پنجم

احکام

سوال: اگر مردی همسرش را به حجاب شرعی ملتزم نکند، آیا فاسق محسوب می

شود؟

جواب: اگر نهی از منکر را ترک کند فاسق<sup>۱۷</sup> است<sup>۱۸</sup>.

سوال: آیا هنگام قرائت قران باید حجاب کامل داشت؟

جواب: در فرض سوال، حجاب لازم نیست.

---

۱۷ معنی فاسق توضیح داده شود.

۱۸ آیت الله العظمی مکارم شیرازی

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمره‌ی اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

### حجاب

در رابطه با راهکارهای فریب شیطان دو راه را گفتیم که یکی از آنها بی دینی و دیگری دینداری منحرفانه بود. گفتیم ممکن است کسی شیعه باشد در رکاب پیامبر هم شهید شود هفتاد هزار فرشته در مراسم تشییع جنازه اش شرکت کنند ولی بخاطر بدرفتاری با خانواده اش در قبر عذاب بکشد.

گفتیم رفتار غلط با خانواده هم در این دنیا اثر دارد و هم در آخرت. در آخرت با عذاب و عقوبته و در دنیا با انحراف خانواده از دین است. اینها مطالبی بود که تا الان مطرح کردیم. این جلسه می خواهیم بگوییم چه می شود دختر من یا پسر من عاشق یک دختر یا پسر دیگر می شود و این عشق و عاشقی به جایی می رسد که حاضرند در صورتی که به هم نرسند به خودشان صدمه وارد کنند یا احیانا به اطرافیانشان بی ادبی و جسارت کنند.

این چیزی که می خواهیم بگوییم به عنوان یک قاعده عمومی است هرچند ممکن است در برخی موارد عوامل دیگری باشند که باعث به وجود آمدن چنین اتفاقی شوند ولی علت اصلی قضیه این است و اگر این موضوع به خوبی حل شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند دل‌های بندگانش را چنین سرشته است که هرکس به آنها نیکی کند به او مهرورزند و هرکه را به آنها بدی کند دشمن بدارند.<sup>۱۹</sup> یک جمله ای امروزه رواج پیدا کرده است که انسان‌ها بنده محبت هستند. یا ضرب المثلی وجود دارد که با زبان نرم میشه مار رو از لانه اش بیرون کشید.

متأسفانه این موضوع در بین خانواده‌های ما کم رنگ است به خصوص در بین خانواده‌های به ظاهر مذهبی. چرا چون بیشتر مورد هجوم شیطان قرار دارند. وقتی انسان با خانواده اش نا مهربانی می‌کند و عصبانیت خود را بروز می‌دهد و به قولی عصبانیت خود را بر سر خانواده اش خالی می‌کند، خواه ناخواه خانواده از او ناراحت می‌شوند و حداقل می‌خواهند مثل او نباشند. اینجا شیطان وارد می‌شود و نقطه ضعف پدر یا مادر را در دین دار بودن نشان می‌دهد. می‌گوید بین فلانی که نماز نمی‌خواند چقدر خوش اخلاق است و فلانی که نماز می‌خواند چقدر بد اخلاق.

در حالی که در روایت داریم به صورت متعدد که أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ.<sup>۲۰</sup> یعنی برترین اعمال بعد از ایمان به خدا مهربانی با مردم است و به طریق اولی با خانواده خود.

---

۱۹ تحف العقول، ص ۸۸

۲۰ نهج الفصاحه، ص ۷۴، ح ۳۸۷

شخصی که نماز می خواند و خوش اخلاق نیست باید حواسش باشد که شیطان از این روش دارد او را فریب می دهد. در روایتهای متعدد داریم که بداخلاقی مثل سرکه است و اعمال انسان را نابود می کند.

ممکن است کسی بگوید من بداخلاقم که هستم. بقیه خوب باشند. در جواب می گویم هر کاری اثری دارد. به این داستان توجه کنید: پسر بچه ای بود که اخلاق خوبی نداشت. پدرش جعبه ای میخ به او داد و گفت هر بار که عصبانی می شوی باید یک میخ به دیوار بکوبی.

روز اول پسر بچه ۳۷ میخ به دیوار کوبید. طی چند هفته، همانطور که یاد می گرفت چگونه عصبانیتش را کنترل کند، تعداد میخهای کوبیده شده به دیوار کمتر می شد. او فهمید که کنترل عصبانیتش آسان تر از کوبیدن میخها بر دیوار است...

بالاخره روزی رسید که پسر بچه دیگر عصبانی نمی شد. او این مسئله را به پدرش گفت و پدر نیز پیشنهاد داد هر بار که می تواند عصبانیتش را کنترل کند، یکی از میخها را از دیوار درآورد.

روزها گذشت و پسر بچه بالاخره توانست به پدرش بگوید که تمام میخها را از دیوار بیرون آورده است. پدر دست پسر بچه را گرفت و به کنار دیوار برد و گفت: «پسرم! تو کار خوبی انجام دادی و توانستی بر خشم پیروز شوی. اما به سوراخهای دیوار نگاه کن. دیوار دیگر مثل گذشته اش نمی شود. وقتی تو در هنگام عصبانیت حرفهایی می زنی، آن حرفها هم چنین آثاری به جای می گذارد. تو می توانی چاقویی در دل انسانی فرو کنی و

آن را بیرون آوری. اما هزاران بار عذرخواهی هم فایده ندارد؛ زخم سر جایش است. زخم زبان هم به اندازه زخم چاقو دردناک است.

وقتی کسی با خانواده اش با بداخلاقی رفتار می کند مخصوصا با دختر خانواده، اعضای خانواده وقتی محبت را از طریق دیگری دیدند دارد تامین می شود، می خواهد مدسه باشد، همجنس باشد یا غیر همجنس، متاهل باشد یا مجرد، به دنبال آن خواهد رفت و این آغاز نابودی زندگی اوست که مقصر آن هم ما هستیم. تازه شما نگاه کنید به فضای آلوده دنیای امروز که با اینترنت و شبکه های اجتماعی به راحتی جوان و نوجوان ما تحت تاثیر محبت و رفتار دیگران قرار می گیرد و به راحتی از خانواده جدا شود.

در مقابل این رفتار نا مناسب رفتار ائمه قرار دارد که باید برای ما الگو باشد. تصور کنید زنی را که شوهر خود را از دست داده است و شوهر او بد اخلاق بوده، هرچند ممکن است به دلیل بی شوهری ناراحت باشد ولی به دلیل راحت شدن از دست وی خوشحال خواهد بود. اما در مورد همسر امام حسین علیه السلام به رباب نقل می کنند بعد از شهادت امام حسین علیه السلام هرگز در زیر سایه نرفت. وقتی از او علت را پرسیدند گفت بدن همسرم سه روز و سه شب بی غسل و کفن زیر آفتاب قرار داشت. من چطور راضی بشوم در سایه زندگی کنم. این نشانه علاقه و عشق به همسر به خاطر ابراز محبت های امام است و گرنه تحمل سختی سایه نرفتن ساده نیست.

حالا ممکن است کسی بگوید من زیاد عصبانی می شوم چکار کنم؟

چند راهکار می دهم: یکی اینکه باید از آن محلی که در آن عصبانی شدید یا ممکن است برخورد نامناسبی بکنید خارج شوید و مدتی دور باشید تا آرام شوید.

دوم اینکه وضو بگیری یعنی بعد از عصبانیت و قبل از هرکاری وضو بگیری. چون روایت داریم عصبانیت از آتش است و بهترین چیز برای خاموش کردن آتش، آب است. سوم صلوات فرستادن است و ذکر گفتن. چهارم جریمه کردن خود است نقل می کنند مرحوم آیه الله آقای بروجردی مرجع وقت جهان تشیع (ره) در آن زمانی که در شهرستان بروجرد بودند نذر کردند که اگر خشم و عصبانیت خود را کنترل نکنند و به افراد تندی نمایند یکسال روزه بگیرند.

یک روز هنگام مباحثه علمی با یکی از شاگردان خود به خاطر این که آن شاگرد مطالب غیرمنطقی و بی ارتباط با موضوع بحث می گفت طاقت نیاوردند و نسبت به او تندی نمودند. و در این جا بود که نذر آقای بروجردی شکسته شد. بعد یک سال روزه گرفتند تا نذر خود را اداء کنند.

در پایان سه کار بگویم که اگر انجام بدهیم باعث جلب محبت افراد می شود: امیرالمؤمنین علی (ع) در کلام زیبایشان فرمودند:

«ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةَ: الْإِنصَافُ فِي الْمُعَاشَرَةِ وَالْمُؤَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ وَالْإِنطِوَاعِ وَالرُّجُوعُ إِلَى قَلْبِ سَلِيمٍ.»<sup>۲۱</sup>

با سه صفت محبت و دوستی بدست می آوری: ۱- انصاف در معاشرت ۲- همدردی با دیگران در خوشی و ناخوشی ۳- برخورد با قلب پاک و سالم»

### مجلس ششم

#### احکام

سوال: آیا در مورد انتخاب نوع حجاب زن خود او اختیار دارد که مثلا چادر یا مانتو را انتخاب کند یا باید آنچه را که شوهرش انتخاب کرده انجام دهد؟ (۲) با توجه به آیه ی لا اکراه فی الدین چرا باید در جامعه ی اسلامی ما حجاب اجباری باشد حتی برای غیر مسلمانان که واقعا غیر منطقی است؟؟؟

جواب: انتخاب نوع حجاب مشروط بر اینکه جنبه شرعی داشته باشد به دست زن است و اما رعایت حجاب از سوی غیر مسلمانان احترامی دست به مقدسات اکثریت جامعه ای که در آن زندگی می کنند.

سوال: آیا اجباری کردن حجاب از خصوصیات یک حکومت اسلامی است؟

جواب: حکومت اسلامی موظف است از گناهان علنی جلوگیری کند.

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمره‌ی اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

### حجاب

در رابطه با راهکارهای فریب شیطان دو راه را گفتیم که یکی از آنها بی دینی و دیگری دینداری منحرفانه بود. گفتیم ممکن است کسی شیعه باشد در رکاب پیامبر هم شهید شود هفتاد هزار فرشته در مراسم تشییع جنازه اش شرکت کنند ولی بخاطر بدرفتاری با خانواده اش در قبر عذاب بکشد.

پیغمبر از جبریل سوال کرد آیا فرشتگان هم میخندند؟

جبریل گفت: بله! وقتی زن بد حجابی میمیرد وبستگانش او را در قبر میگذارند و روی آن را با خشت و خاک میپوشانند تا بدنش دیده نشود، فرشتگان میخندند و میگویند تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هرکسی را فریب میداد، بستگانش غیرت بخرج ندادند، ولی اکنون که مرده او را میپوشانند.<sup>۲۲</sup>

مرد با زن فرق داره. فرقشون هم خیلی زیاده. مخصوصا در مسئله حیا و پوشش و عفت. دخترها در دوران بلوغ یعنی در سن ۹ سالگی متانت دارد و در نهایت رشد و وقار

زندگی می کند در حالی که پسرها باید سال های زیاد دیگری را بگذرانند تا عاقل شوند.<sup>۲۳</sup> زن و دختر فطرتا دوست دارد پوشیده باشد (نمی گویم حجاب اسلامی می گویم پوشیده بودن)

حالا این زن ممکنه روزه بگیره و نماز بخونه. اینها کارای خوبیه ولی اگه یادتون باشه هرکسی یه شیطانی داره که فریبش می ده. این خیلی مهمه مخصوصا درباره زنان مذهبی ما. ببینید این حجاب شما خانمها خیلی اهمیت داره. نقل میکنن یه عده از زنان یکی از شهرها رفته بودند دیدار یکی از مراجع تقلید،<sup>۲۴</sup> وقتی ایشون می خواستند صحبت کنند این صحبت رو کردند که خیلی برای من جالب بود و بنظرم برای شما خانم ها افتخاری بزرگتر از این پیدا نمیشه.

ایشون در اون جلسه گفتند که عده ای از خانم ها گفتند که دوست دارند عبای ایشون رو بپوشند. می دونید که عبای یک مرجع و نماینده امام زمان که شبیه به لباس پیامبر اکرم (ص) است چقدر ارزش داره. ایشون گفتند من به این خانم ها گفتم بروید چادرتان را بپوشید چون ارزش چادر شما از عبای من بسیار بالاتر است. چطور؟ شما با این چادر و با این پوششی که دارید، در حقیقت دارید ثواب می برید و این پوشش شما و حجاب شما برای شما لحظه به لحظه ثواب می نویسن.

این پوشش چیز کمی نیست. آیت الله بهاءالدینی می فرمایند:

۲۳ طبایع زنان، حسین نجفی

۲۴ آیت الله صافی گلپایگانی

اگر زنان چادری میخواستند، نشانشان میدادم که عرقی که در فصل گرما به خاطر حجاب میریزند، دانه دانه اش خورشید است. شما خورشید خدا هستید.

ایشان این روایت را از ثواب الاعمال نقل می کردند: عرقی که زیر چادر می ریزد سه جا برای او نور می شود:

در درون قبر

در برزخ

در قیامت.

روزهای اول جنگ، شهر اشغال شده هویزه... دختر جوانی را به همراه مادرش به مقر بعثی ها می آورند. یکی از مسئولین بعثی (ستوان عطوان) دستور می دهد دختر را به داخل سنگرش بیاورند مادر را بیرون سنگر نگه می دارند.... لحظه ای شیون مادر قطع نمی شود؛ دقایقی بعد بانوی جوان با حالتی مضطرب، دستان خونی و چادر و لباس پاره شده سراسیمه از داخل سنگر به بیرون فرار می کند. تعدادی از سربازان به داخل سنگر می روند و با جسد ستوان عطوان مواجه می شوند.

دختر جوان هویزه ای حاضر نشده عفتش را به بهای آزادی بفروشد و با سرنیزه، ستوان را به هلاکت رسانده و حتی اجازه نداده چادر از سرش برداشته شود....

خبر به گوش سرهنگ هاشم فرمانده مقر می رسد با دستور سرهنگ یک گالن بنزین روی دختر جوان خالی می کنند.... در چشم بهم زدنی آتش تمام چادر بانو را می گیرد و همانند شعله ای به این سو و آن سو می دود و لحظاتی بعد جز دودی که از خاکستر بلند

می شود چیزی باقی نمی ماند فریادهای دلخراش مادر برای بعثی ها قابل تحمل نیست و مادر را نیز به همان سبک به وصال جگرگوشه اش می رسانند...

خواهرم قدر بدان

چادرت ارثیه زهرا بود

یادگاری که سر زینب بود

و

پدر و هر دو برادر

همه حساس به آن چادر خاکی بودند.

تا علی ضربت خورد

گفت زینب گل بابا

علی و آل علی

به فدای تو و این چادر تو

نگذاری که بیفتد به زمین

تا حسن شد جگرش پاره به جامی از زهر

گفت خواهر

به همان لحظه مادر

که زمین خورد قسم

چادر از دست نده

و گمانم که حسین

وسط معرکه کرب و بلا

یک نگاهش به سوی لشکر دشمن

و نگاهی دگرش سمت همین چادر زینب بوده

هر نگاهی که به خواهر می کرد

چادرش را می دید  
فکر و ذکرش و خیالش  
همه می شد راحت  
به گمانم وسط آن گودال  
نگران حرم و چادر زینب بوده  
همه خون‌ها به فدای تو و آن چادر تو  
زینبم تو خواست باشد.  
اینک اما امروز  
خواهرم  
از همان روز نخست  
سنبل غیرت ما چادر مشکین تو بود  
این همه خون جگرها  
این همه نیزه و سرها  
همه رفتند که تو  
بشوی چادری و زهرایی  
وارث چادر زینب نکند خون به دل مهدی زهرا بکنی؟؟؟

## مجلس هفتم

### احکام

سوال: اگر یکی از محارم مردی ملتزم به حجاب شرعی نباشد، آیا مرد حق دارد به خاطر این کار او را بزند، البتّه بعد از این که راههای مختلف زیادی را برای قانع ساختن او پیموده و نتیجه ای نگرفته است؟

جواب: زدن به منظور امر به معروف و نهی از منکر بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست.

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمهری اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

### جواب

میگن یه چند نفری با هم سوار بر کشتی داشتند به سفر می رفتند. کشتی های قدیم هم همونطوری که می دونید چوبی بود. یه روز همه روی عرشه کشتی نشسته بودند دیدند یه نفر یه گوشه ای نشسته و یه میخ و چکش برداشته و داره کشتی رو سوراخ می کنه. شما باشی چکار می کنی؟ همه یهو از جاشون پریدند و هجوم آوردن سمت اون شخص و هلش دادن کنار تا کشتی رو سوراخ نکنه. مرد شاکی شد و عصبانی. پرسید چرا این کار رو کردید؟ گفتند آخه داشتی کشتی رو سوراخ می کردی! پرسید خب به شما چه ربطی داره؟ منم مثل شما وقتی می خواستم سوار کشتی بشم پول دادم و برای خودم حق و حقوقی دارم. الان هم دارم جای خودم رو توی کشتی سوراخ می کنم. به شما چه ربطی داره؟

حرف این مرد از بس خنده داره شما هم میگردید حاج آقا شاید دیوونه بوده که اینطوری حرف زده. خیلی از اتفاقاتی که توی جامعه ما اتفاق می افتد هم همینطوره. نمونه های زیادی داره. مثلا بعضیا صدای موسیقیشون اونقدر بلنده که بقیه اذیت میشن. آسایش بقیه مردم گرفته میشه. توی بعضی از این کشورهای غربی که میگن مهد آزادین و کلی ازشون تعریف میکنن مثل آمریکا، برای کسی که صدای ضبط ماشینش از یه حدی بالاتر بره جریمه گذاشتن. حالا اگه کسی که صدای ضبطشو زیاد کرده به شما بگه ضبط خودمه و میخوام صداشو زیاد کنم شما یاد چه کسی می افتی؟ اون شخص حق داره صدای ضبطشو بلند کنه ولی نه تا حدی که به شما ضرر برسونه.

یکی دیگه از این موارد که خیلی به جامعه ضرر می رسونه اینه که کسی بگه من هرطور که می خوام لباس می پوشم. لباس و پوشش خیلی مهمه. مخصوصا در مورد شما بختیاری های عزیز بگم که پوششی که شما داشتید نشون میده که به این مسئله خیلی اهمیت میدید. امروز می خوام بگم همین پوشش شما رو می خوان از شما بگیرن. همین حجب و حیاتون رو میخوان از شما بگیرن. اون هم با همین فلسفه که من دوست دارم این طور بگردم. به شما چه ربطی داره؟

حاج آقا شما خودتون گفتید زن طوری آفریده شده که دوست دارد توسط مرد خودش دیده شود و دوست دارد خودش را نشان دهد. بله! من این رو گفتم اما حواستون باشه این نشان دادن خود می تواند به دو صورت باشه یکی اینکه فقط به شوهرش خودش را نشان دهد و دیگری اینکه به غیر شوهرش هم خودش را نشان دهد.

اگه کاری کرد که توسط غیر شوهر و غیر از پدر و مادر دیگران هم او رو ببینند ضررهایی دارد که به مثل اون قضیه کشتی به کل جامعه ضرر میزنه. حالا می خواهم ضررهاش رو بگم. یه سوالی از شما دارم. شما برای خانمی که حجاب کامل داره و حجب و حیای بیشتری داره ارزش بیشتری قائل هستید یا برای یه خانمی که بی حیاست و هر جور دلش خواست از خونه میاد بیرون و حد و مرزی برای خودش قائل نیست و هرچی خواست می گه. ممکنه کسی بگه دومی ولی اون کسی که میگه دومی در حقیقت میگه دوست دارم به عنوان یه وسیله ای که خودش رو اومده عرضه کرده ازش استفاده کنم. یعنی فقط برای لذت بردن جنسی برای اون ارزش قائله.

اما کسی که حجاب کامل داره رو شاید بعضیا مسخرش کنن ولی اکثر مردم توی دلشون یه ارزش و جایگاه خاصی براش قائلند. گفتیم زن فطرتا پوشیده بودن رو دوست داره. برای اثبات این قضیه شما بروید و یک نگاه به تخت جمشید و نقاشی های روی دیواره های آن ببیند. زنانی که تصویرشون روی دیواره ها هست با حجاب کامل هست. حتی صورتشان هم پوشیده دارد. داشتم درباره نوع پوشش زنان در طول تاریخ مطالعه می کردم دیدم همه کتاب ها این نکته رو نوشتند که زنان پادشاهان و کسانی که خیلی جایگاه بالایی داشتن همه با پوشش کامل بودند. این یعنی فهمیده بودند پوشش برای اونها یک نوع وقار و ارزش هست.

پس اولین نکته ای که در حفظ حجاب وجود داره حفظ ارزش خود زن هست. دومین نکته این هست که زنی که پوشیده تر هست آرامشش هم بیشتره. یک کسی رفته بود

با جوانانی که به دلیل مزاحمت و اذیت خانم ها وارد زندان شده بودند مصاحبه کرده بودند.  
این متن صاحبه است:

شما چرا به زندان افتادید؟

اذیت و آزار زنان.

اون خانمی که اذیتش کرده بودید خودش به شما پیغام داده بود که بری سراغش؟  
نه.

باهاش قبلا دوست بودی؟

نه.

پس چی شد که رفتی و اذیتش کردی؟

زنی که با این نوع بی حجابی میاد توی خیابان، عملا خودش میگه من دلم میخواد.  
معنی این حرف این است که کسی که بدون پوشش مناسب وارد جامعه می شود در  
حقیقت آرامش خودش رو سلب کرده. موضوع اذیت و آزار رو توی جامعه خودتون هم  
نگاه کنید می بینید کسانی که محجبه هستند کمتر اذیت و آزار می شوند. پس اثر و نکته  
دوم هم شد آرامش. نکته ها و آثار دیگری هم وجود دارد که چون نیست فقط عنوان  
آنها رو بیان می کنم. حفظ استواری خانواده؛ پایبندی اجتماع به اخلاق انسانی؛ کم شدن  
عشق و عاشقی های الکی که در اکثر موارد اگر ازدواج کنند به طلاق منجر می شود و  
آخرین نکته آرامش اجتماعی.

حالا چکار کنیم که بتوانیم حجاب مناسب رو در جامعه ایجاد کنیم. اینجا صحبت من با دو گروه است. یکی خانم های محترم و دیگری مردان بختیاری غیور. خانم های محترم این نکات رو رعایت کنند:

اول اینکه ممکن است کسانی باشند که شما را مسخره کنند. حواستان باشد اگر شما را مسخره می کنند به خاطر حجابی که قرآن گفته، پیامبر ما و پیامبران قبل از او را نیز مسخره می کردند ولی پیامبران و افراد مومن توجهی به تمسخر آنها نکردند. چرا؟ چون می دانستند راه آنها درست است. شما فرض کنید دارید در مسیر صحیح برای کوچ حرکت می کنید. اگر کسی شما را مسخره کند چکار می کنید؟ چون مطمئن هستید مسیر شما درست است به مسیرتان ادامه می دهید.

دوم اینکه دیگران را هم با خوشرویی و ملایمت به حجاب تشویق کنید و مزایای حجاب را با استدلال های قوی قانع کنید. چرا؟ چون فرزند و خانواده شما ممکن است فریب چنین پوششی را بخورند. منظور من این است که این نوع پوشش آنها در حقیقت دارد حقوق مردان خانواده شما را ضایع می کند. شما با ملایمت و بدون دعوا و... آنها را به حجاب دعوت کنید. تاکید می کنم بدون دعوا و درگیری.

اما مردان بختیاری غیور و عزیز، شما هرگز نباید حاضر شوید ناموس شما با حجاب نا مناسب وارد جامعه شود. جدای از این که برای مردی که اجازه می دهد همسرش و خانواده اش بدون حجاب مناسب وارد جامعه شود عذاب هایی وجود دارد، شما به هیچ قیمتی نباید حاضر شوید زیبایی های زنان شما رو دیگران ببینند. حتی حاج آقا. حالا ممکن

است زنی قبول نکند. اولاً نباید با زدن یا دعوا حرف خودتان را به او تحمیل کنید. حرف حق با ملایمت بیان می شود. ثانیاً با استدلال های محکم او را قانع کنید.

حالا ممکن است کسانی از خارج روستا بیایند و حجاب مناسب نداشته باشند. همسرانتان به آنها تذکر دهند. نگذارید این آرامشی که بر اثر حجاب در جامعه شما هست از بین برود. با دعوا و زدن کاری درست نمی شود.

به گونه ای باشید که اجدادتان روز قیامت به شما افتخار کنند. بگویند اینها کسانی هستند رگ غیرت ما در بدنشان وجود دارد. حضرت عباس روز قیامت به شما افتخار کند بگوید اینها هم مثل ما غیور بودند و نگذاشتند ناموسشان به حراج رود.

## مجلس هشتم

احکام:

س ۱۲۱۶: استفاده از آنتن ماهواره‌ای برای آگاهی از برنامه‌های علمی یا قرآنی و مانند آن که از طریق ماهواره توسط دولتهای غربی یا کشورهای مجاور خلیج فارس و غیر آنها پخش می‌شوند چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از این دستگاه برای دیدن و شنیدن برنامه‌های علمی یا قرآنی و مانند آن، هرچند فی‌نفسه مانعی ندارد، ولی به دلیل این که برنامه‌هایی که از طریق ماهواره توسط دولتهای غربی و بیشتر کشورهای همسایه پخش می‌شوند، غالباً در بردارنده آموزش افکار گمراه‌کننده و تحریف حقایق و همچنین برنامه‌های لهو و فساد هستند و حتی مشاهده برنامه‌های علمی یا قرآن از طریق آنها موجب وقوع در فساد و ارتکاب حرام می‌گردد، بنا بر این شرعاً استفاده از آنتن‌های مذکور برای دیدن آن برنامه‌ها حرام است مگر آنکه برنامه‌های مفید علمی یا قرآنی محض باشند و مشاهده آنها مستلزم هیچ فساد یا ابتلا به عمل حرامی نباشد، البته اگر قانونی باشد باید مراعات شود.<sup>۲۵</sup>

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمره‌ی اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

قدیم ترها گاهی در مهمانی‌هایی که در خانه‌ها برپا می‌شد به جای بشقاب‌های کوچک یک نفره طبقی در مقابل چند نفر می‌گذاشتند و با مهر و محبت، دسته‌جمعی غذا می‌خوردند. امروز هم در سفره‌خانه‌ها مان یک بشقاب بزرگ پیدا شده. غذاهای این بشقاب از جهنم می‌آید؛ اما از راه این بشقاب‌ها به داخل خانه‌ها مان سرازیر می‌شود. همه با هم می‌نشینند و با حرص و ولع، غذای این بشقاب را می‌خورند. قدیم ترها غذا خوردن مان چیزی طول نمی‌کشید؛ اما چرا غذای این بشقاب تمامی ندارد؟ صبح تا شب، شب تا صبح. پس کی سیر می‌شویم؟

چرا دنیای غرب برای ما اینقدر هزینه می‌کند؟

راه اندازی یک شبکه ماهواره‌ای برای پخش فیلم و سریال هزینه بالایی دارد. هزینه خرید امتیاز، خرید تجهیزات، اداره یک مجموعه نیروی انسانی و...  
چرا دنیای غرب برای ما فارسی‌زبانان این قدر هزینه می‌کند؟ آیا ما را دوست دارد و برای ما دل سوزانده؟ مگر چند کشور فارسی‌زبان در دنیا داریم؟ سود اقتصادی این شبکه‌ها برای غرب چقدر است؟ آیا ما را دوست دارد و برای ما دل می‌سوزاند، چرا ما را تحریم کرده؟ چرا با پیش رفت ما مشکل دارد؟ چرا به هر دری می‌زند که ما به انرژی هسته‌ای دست پیدا نکنیم؟

اصلا می توان پذیرفت که غرب با اسلام و مسلمانی سر سازش دارد؟ فکر می کنم نگاهی به گذشته های نه چندان دور بتواند کسانی که خود را به خواب نروده اند بیدار کند. مگر همین چند سال پیش نبود که فاجعه ای انسانی را در دل اروپای شرقی؛ یعنی بوسنی و هرزگوین به راه انداختند؛ فاجعه ای که انسان از یاد آوری آن دل آزرده می شود؟

این ها اگر برای مسلمان ها دل می سوزاندند، در بوسنی هرزگوین برسر جنسیت جنینی که در دل زن مسلمان بود، شرط نمی بستند و زنده زنده شکم زن را نمی دریدند و با جنین انسان فوتبال بازی نمی کردند. اگر مسلمانان را دوست داشتند، مادر و دختر را در مقابل هم نمی کشتند. این ها اگر به مسلمانان علاقه داشتند، هشت هزار نفر را در صربنیتسا در عرض چند روز نمی کشتند و یک نسل کشی به راه نمی انداختند. این ها اگر علاقه ای به مسلمانان داشتند، اجازه نمی دادند به پشتیبانی آنها در میانمار این فجایع به بار بیاید و سربچه و بزرگ را از تن جدا کنند و انسان ها را زنده زنده در آتش بسوزانند.

ما سه کشور داریم که زبانشان فارسی است. افغانستان با حدود سی میلیون نفر، تاجیکستان با حدود هفت میلیون نفر و ایران با حدود ۷۵ میلیون نفر جمعیت که جمعاً حدود صد و دوازده نفر جمعیت می شود. چرا برای این اندازه از جمعیت، این همه برنامه و شبکه در حال راه اندازی است؟

در سال ۷۳ تنها سه شبکه تلویزیونی فارسی زبان شامل شبکه تلویزیونی منافقین و دو شبکه لس آنجلسی مشغول فعالیت علیه امنیت و فرهنگ مردم کشورمان بودند. در سال

۹۱ این تعداد به ۱۲۵ شبکه فارسی زبان رسید که از این تعداد ۱۳ شبکه فقط مخصوص پخش سریال و فیلم های سینمایی می باشد.<sup>۲۶</sup>

این ها اگر برای ایران و مردم آن دل می سوزانند، در زمان جنگ خانه هایشان را روی سرشان هوار نمی کردند. اگر مردم ایران برایشان عزیز بودند، حدود سیصد هزار نفر از جوانان و مردان و زنان این مرز و بوم را به خاک و خون نمی کشیدند. باور کنید اگر همین حالا هم احتمال می دادند که می توانند به ایران حمله نظامی کنند، لحظه ای در این تصمیم تردید نمی کردند. از آنجایی که یقین دارند نمی توانند در جنگ نظامی پیروز شوند، این گزینه را انتخاب نمی کنند.

چندی پیش مدیر عامل شبکه فارسی زبان فارسی وان مهمان برنامه صدای آمریکا بود. وقتی مجری برنامه از او پرسید: برنامه آینده شما چیست؟ او گفت تا سال ۲۰۲۰ کاری می کنیم که مردهای ایرانی خودشان زن هایشان را برای نمایش دادن از خانه بیرون بفرستند.

---

۲۶ طبق گفته ی پایگاه اطلاع رسانی بی بی سی فارسی، سالانه پانزده میلیون دلار برای راه اندازی و اداره ی بی بی سی فارسی بودجه تخصیص داده شده است. در مورد شبکه من و تو (اسم نبریم بهتر است) قیمت اجاره فضا در ماهواره "هات برد" بابت هر مگابیت حدود ۱۳ هزار یورو در ماه است. شبکه من و تو با پهنای باند ۴ مگابیت فقط ماهانه ۵۲۰۰۰ یورو که حدودا مساوی است با ۲۶۰ میلیون تومان، فقط و فقط هزینه روی ایر بودن بر روی هاتبرد را می پردازد! علاوه بر آن از دو ماهواره عرب ست و یوتلست هم پخش می شود که سر جمع حدود ۱۴۰ میلیون تومان هزینه خواهد داشت! یعنی این شبکه ماهیانه چیزی حدود ۴۰۰ میلیون تومان فقط و فقط برای اجاره کانال خود روی ماهواره ها می پردازد؛ و البته حدود ۵ میلیارد تومان، سالیانه. این مبلغ حتی جدای از دستمزد کارکنان، برنامه های خریداری شده، دوبله، دکور، مصاحبه ها و تهیه برنامه های تلویزیونی می باشد.

مجری برنامه گفت: مگر می‌شود مردهای ایرانی با آن همه غیرت این کار را بکنند؟ در جواب این سوال مهمان برنامه گفت: وقتی در آب صد درجه یک قورباغه را بیندازی یک دفعه بیرون می‌پرد، چون خیلی داغ است، اما وقتی یک قورباغه را در آب خنک بیندازی، برایش خیلی خوب است و وقتی آرام آرام آب جوش بیاید، قورباغه با اینکه گرمش است و می‌خواهد بیرون بپرد اما دیگه توانی برای بیرون پریدن ندارد. ما کاری می‌کنیم که زن‌های ایرانی آرام آرام تا جایی پیش بروند که دیگر خودشان بدانند که راهی برای برگشت ندارند.

جالب است نوجوانان و جوانان بدانند که در کشورهای غربی نیز برنامه‌های خاص ماهواره‌ها به پس از نیمه شب یعنی زمانی که بیشتر مردم در حال استراحت و آمادگی برای فعالیت‌های روز بعد هستند پخش می‌شود تا از هدر روی توان نیروهای انسانی جلوگیری شود، در حالی که این تحفه غربی در کشورهای جهان سوم بدون هیچ محدودیت زمانی و گاهی حتی در زمانی که نیروی فعالی مانند جوان و نوجوان باید به تلاش‌های علمی برای ساختن آینده‌ای روشن اقدام کند، پخش می‌شود و مخاطبان خود را به آینده‌ای خیالی و وهمی سوق می‌دهد.

### اصلی‌ترین اهداف شبکه‌های ماهواره‌ای

۱- ترویج خیانت زن و شوهر: یکی از دلایل اصلی خیانت زن و شوهر، مانوس

شدن با فیلم‌ها و سریال‌های خانوادگی شبکه‌های ماهواره‌ای است

۲- از بین بردن قبح ارتباط دختر و پسر؛ حتی تا حد باردار شدن: غرب تنها به قبح زدایی از ارتباط دختر و پسر بسنده نکرده و هدف اصلی او در این زمینه، ارزشی کردن این ارتباط و ضدارزشی کردن عدم ارتباط است.

۳- ارزش زدایی از مفهوم غیرت: یکی از اصلی ترین اهداف شبکه های ماهواره ای مبارزه با محافظ عفت؛ یعنی غیرت است. اگر این ها بتوانند به این هدف دست پیدا کنند، سرباز دشمن را به سرباز خودی تبدیل کرده اند.

۴- ایجاد حس رقابت در میان زنان و دختران برای جلب توجه مردان: جوامع مورد نظر غرب، جامعه ای است که فضای آن صحنه ای برای رقابت های هوس آلود است. گردانندگان اصلی این رقابت نیز زنان هستند. ابزار اصلی این رقابت هم خودآرایی است.

۵- ایجاد روحیه تنوع طلبی جنسی: یکی از اصلی ترین وظایف صحنه های محرک در این برنامه ها، سیری ناپذیر کردن مخاطب نسبت به مسائل غریزی است. فردی که مشتری این صحنه ها شده، از همسر خود همان توقعی را دارد که در این فیلم ها دیده؛ در حالی که همسر او به هیچ وجه نمی تواند پاسخگوی این توقعات باشد. به همین دلیل هم بین این دو اختلاف می افتد.

۶- خارج کردن خانواده از قید مذهب و تغییر سبک زندگی: شاید بتوان تمام اهدافی را که شبکه های ماهواره ای در پی آن هستند، در یک کلام خلاصه کرد: ((از بین بردن مذهب و تغییر سبک زندگی)) وقتی افراد خانواده از قید مذهب خارج شوند، تمام اهداف دیگر محقق خواهد شد. خداوند در قرآن می فرماید:

وَدَّوْا لَو تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءًا (نساء/۸۹)

آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شدند شما هم کافر شوید تا با یکدیگر برابر و مساوی شوید.

عزیزان ممکن است بگویند ماهواره نبینیم چکار کنیم. به ایشان می گویم اول از همه باید بدانید هیچ چیز جای مطالعه کردن را نمی گیرد اما چون مطالعه حوصله می خواهد توصیه بنده این است که در ابتدا برنامه های دوره‌می خانوادگی را زیاد کنید و اگر دیگر خیلی مجبور شدید به سراغ تلویزیون ایران بروید و برنامه های متنوع و جذابی را که پخش می کند نگاه کنید مثل خندوانه یا دوره‌می یا....

## مجلس نهم

### احکام

س ۱۲۱۳: آیا خرید و نگهداری و استفاده از دستگاه گیرنده برنامه‌های تلویزیونی از ماهواره جایز است؟ و اگر دستگاه گیرنده مجانی به دست انسان برسد چه حکمی دارد؟

ج: دستگاه آنتن ماهواره‌ای از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های تلویزیونی است که هم برنامه‌های حلال دارد و هم برنامه‌های حرام، حکم آلات مشترک را دارد. لذا خرید و فروش و نگهداری آن برای استفاده در امور حرام، حرام است و برای استفاده‌های حلال جایز است. ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد زمینه دریافت برنامه‌های حرام را کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفسد دیگری را نیز در بر دارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام از آن نمی‌کند و بر تهیه و نگهداری آن در خانه‌اش مفسده‌ای هم مترتب نمی‌شود. لکن اگر قانونی در این مورد وجود داشته باشد باید مراعات گردد.<sup>۲۷</sup>

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمهری اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

### تأثیر ماهواره بر کودکان

در عصر جاهلیت در بین اعراب داشتن فرزند دختر به حدی زشت بود که قرآن در رابطه با آن می فرماید اگر به کسی خبر می دادند که فرزند دختر به دنیا آورده رویش سیاه می شد و می خواست سر بیابان بگذارد و فرار کند از شدت شرم. من یک سوال از شما دارم بچه های ما ثمره زندگی ما هستند و هیچ کس حاضر نیست با دست خودش فرزندش را بکشد پس چطور می شود که گروهی بچه های خودشان آن هم دختر خدشان را زنده به گور می کردند و هیچ به قول امروزی ها ککشان هم نمی گزید؟ بگذارید دلیلی که به نظرم می رسد برای شما بیان کنم. جو فکری جامعه به گونه ای شده بود همه این کار را صحیح می دانستند و به راحتی این کار را انجام می دادند.

این موضوع در جامعه امروز هم وجود دارد. عده ای به بهانه اینکه بچه های ما باید خیلی از چیزها را بدانند به راحتی می گذارند فرزندشان پای ماهواره یا اینترنت بنشیند. من یک سوال دیگر دارم: والدین تا زمانی که فرزندانشان از عهده رانندگی بر نمی آیند اتومبیل در اختیارشان قرار نمی دهند؛ چرا؟! چون از بروز حوادث خطرناک می ترسند.

خود ماهواره بدون اینکه تصاویر مبتذل را نگاه کنند تأثیرات منفی بر کودکان دارد. کودکانی که در منزل و محیط خانواده به بازی های کامپیوتری، اینترنت و تماشای ماهواره علاقه مند شدند، به مرور زمان نوعی انزوا طلبی در آنها ایجاد می شود که در نتیجه این

انزوا طلبی باعث دور شدن آنها از اجتماع می گردد، در حالی که این کودکان در این سنین نیاز دارند با هم سن و سالان خود بازی های گروهی انجام دهند تا سطح مهارت های اجتماعی شان تقویت شود. کودکانی که به طور مداوم تصاویر و صحنه های خشونت آمیز فیلم های ماهواره را می بینند. این تصاویر در ذهن آنها ثبت می شود. و گاهی اوقات کودک خود را به جای قهرمان فیلم جایگزین می کند و به مرور تأثیرات منفی از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، روحی و روانی در آنها پدیدار می شود و این مسئله باعث افزایش پرخاشگری در کودکان و نوجوانان می گردد.

حالا تصور کنید کودک ما تصاویری را ببیند که مناسب سن او نباشد. روح لطیف کودک خیلی زود اثر می گیرد به نحوی که در روایات داریم زن و شوهر اگر می خواهند ارتباطی با هم داشته باشند نباید در آن اتاق کودک (نوزاد) حضور داشته باشد و صدای نفس های آنها را بشنود که اگر بشنود قطعاً زناکار خواهد شد.

این موضوع تا این حد در مورد روح کودک جدی است حالا تصور کنید بیاییم خودمان با دست خودمان تصاویری را به کودک نشان دهیم که مناسبتی با سن او ندارد. چه می شود؟ بلوغ زودرس، پرخاشگری و از بین رفتن آینده او را بنده همینجا برای شما تضمین میکنم.

ممکن است کسی بگوید برای کانال های مختلف قفل و رمز میگذاریم. پاسخ من این است که اولاً کودک را حساس تر می کند و ثانياً یک مستندی هست از یک مدرسه مقطع راهنمایی (متوسطه اول) که با بچه ها که مصاحبه میکنن می بینن بچه ها تقریباً همه رمزها رو بلدند. دزدکی یا... تونستند رمزها رو به دست بیارند. می خوام تصور کنید بچه

شما نشسته و داره یکی از این کانال های غیر اخلاقی رو نگاه می کنه و شما می رسید و می بینید. هرچقدر هم بزیدش دیگه فایده ای نداره. چیزهایی که نباید می دونست رو الان فهمیده. دیگه ذهنش آرومش نمی گذاره.

بچه هامون رو زنده به گور نکنیم. با دست خودمون بچه هامون رو از جامعه دور نکنیم. کاری نکنیم بچه هامون آرزو کنند کاش هیچوقت به دنیا نمیومدند. غریزه و شهوت جنسی چیزی نیست که حد و مرزی داشته باشه. مخصوصا برای بچه ها که عقلشون هنوز به اندازه کافی کامل نشده.

در تمام دنیا این پذیرفته شده است که اگر ارتباط دختر و پسر در سنین نوجوانی افسار گسیخته شد، آن جامعه هم از نظر عملی و هم از فرهنگی پسرفت می کند. در غرب هم در محیط های علمی مثل مدرسه و دانشگاه معتقد هستند که اگر این ارتباط افسار گسیخته شد، نتیجه اش پایین آمدن سطح بازدهی علمی و امنیتی اخلاقی می شود که در آنجا هم یکسری آموزش ها وجود دارد. یکی از نتایج تماشای مستمر برنامه های ماهواره ای و سریال ها در شبکه های فارسی زبان این است که آرام آرام قبح این ارتباط ریخته می شود. در جوامع سنتی دو تا مانع برای ارتباط بین دختر و پسر وجود دارد که اجازه نمی دهد این قدر افسار گسیخته بشود.

مانع اول نگرانی از عصمت دخترانه و مانع دوم نگرانی از بارداری است. در بسیاری از فیلم ها و سریال های ماهواره بصورت مستقیم و غیرمستقیم بشدت روی این دو مسئله جوری کار می کنند که نه تنها نگرانی از ذهن دختر و پسر برطرف بشود بلکه برای این کار جسور بشوند. وقتی ما می بینیم در بعضی از آنها با ظرافت خاصی به دختر امروز می گویند

که اصلا نگرانی از عصمت دخترانه نداشته باش زیرا تفکر عصر حجری است که انسان های عقب مانده نگران آن هستند. وقتی این تفکر را جا انداختند نتیجه اش می شود زیاد شدن ارتباطات نامشروع و بارداری های نامشروع و سقط جنین. در بعضی از کشورها سالیانه پانصد هزار کودک نامشروع بدنیا می آید. این یک فاجعه است. بعضی از آنها واقعا از پدرشان بی خبر هستند.

خیلی از این کشورها که برای ما برنامه می سازند خودشان دنبال راه کاری هستند که با این فاجعه چکار کنند. وجود کودک نامشروع یعنی از هم گسیختگی خانواده. الان صدای افراد مقدس جامعه های غربی هم درآمده است. نتیجه ی این خواهد شد که دیگر خانواده ای وجود نخواهد داشت. در این چند سال اخیر سن ارتباط دختر و پسر پایین آمده است. تعداد این ارتباطات چقدر شده است؟ آیا خویشتن داری که قبلا در این ارتباطات وجود داشت الان وجود دارد؟

ممکن است کسی پرسد ماهواره هم برنامه های خوب دارد و هم برنامه های بد و ما فقط برنامه های خوب آن را نگاه می کنیم؟

در اینکه ماهواره برنامه های بد و برنامه های خوب دارد تردیدی نیست. یعنی ما برنامه های خوب ماهواره را انکار نمی کنیم. در این هم تردیدی نیست که بعضی از خانواده ها هستند که در نهایت وقار، شخصیت و احترام به خانواده برنامه های خوب ماهواره را تماشا می کنند تردیدی نیست. ما باید با دید احترام به این خانواده ها نگاه می کنیم. پس ما این خانواده ها را انکار نمی کنیم.

دیگر اینکه مسلم است که برنامه های منفی ماهواره بیشتر از برنامه های مثبت است. هیچ کس این نکته را انکار نمی کند حتی اگر با ما مخالف باشد. برنامه هایی که با فرهنگ دینی ما سازگار نیست در ماهواره خیلی بیشتر از برنامه های مثبت است. نباید تردید کرد که الان در جامعه ی ما استفاده منفی از ماهواره بیشتر از استفاده ی مثبت از ماهواره است. یعنی خیلی از خانواده استفاده ی مثبتی از ماهواره ندارند. البته اینها خانواده های بدی نیستند ولی به برنامه های ماهواره اعتماد کاذب کرده اند.

همه ی خانواده ها فرزند و همسرشان را دوست دارند و وقتی از اثرات منفی ماهواره روی فرزندان شان آگاه می شوند، آنها کنار می گذارند. خطر ماهواره چیزی نیست که بتوانیم براحتی از کنار آن بگذریم، زیرا دارد بنیان خانواده را متزلزل می کند. و ریشه ی خانواده را مورد هدف قرار داده است. چاقو دست را می برد و نهایت آن چند بخیه است. بعضی از مردم ماهواره را با چاقو، موبایل و اینترنت مقایسه کرده اند. آیا ضرورت ماهواره در خانه به اندازه ی ضرورت چاقو، موبایل و اینترنت است. اگر ماهواره در خانه نباشد چه اتفاقی می افتد؟ اگر در خانه موبایل یا اینترنت نباشد بسیاری از کارهای اداری مختل می شود. در آیه ۲۱۹ سوره بقره داریم: پیامبر از تو در مورد شراب و قمار می پرسند، بگو که در این شراب و قمار خطا و گناه بزرگی است اما منفعت هایی هم دارد ولی ضرر آن بیشتر از منفعت آن است. پس آنها کنار بگذارید. ضررهای ماهواره بیشتر است یا منفعت های آن؟ آیا می توان از منفعت های آن چشم پوشید؟

شما چقدر اطمینان دارید که همه ی خانواده ها از ماهواره استفاده ی خوب می کنند؟ شما چقدر اطمینان دارید که همه ی اعضای خانواده ی شما مثل شما از ماهواره

خوب استفاده می کنند؟ شما چقدر اطمینان دارید که باز هم در آینده از ماهواره استفاده ی خوب می کنید؟ منفعت هایی که شما از ماهواره می گیرید چه اندازه ضرورت دارد که این ریسک بزرگ که خانواده را به خطر می اندازد را انجام می دهید؟ چه مقدار منفعت هایی که شما از راه ماهواره بدست می آورید از راه های دیگر قابل دسترسی نیست و تنها راهش ماهواره است؟

ممکن است کسی بگوید مهمترین دلیل استفاده از ماهواره بی کیفیت بودن برنامه

صداوسیماست. آیا این مطلب درست است؟

پاسخ- ما نسبت به برنامه های صدا و سیما تعصبی نداریم. مهم این است که چرا خانواده های ما این قدر تلویزیونی شده اند؟ چرا باید وقت ما فقط با تلویزیون پر بشود؟ در قدیم ما هفته ای یک سریال می دیدیم و تکرار هم نداشت. در آن موقع ما از وقت مان خوب استفاده می کردیم و در کنار هم زندگی می کردیم. الان ساعت خواب را تلویزیون مشخص می کند. الان دیر همه می خوابند و صبح نمی توانند سرحال از خواب بیدار بشوند. خواب با آرامش در ارتباط است. در قرآن داریم: شب را برای آرامش شما قرار دادیم.

در خانواده های کنونی، وقتی اعضای خانواده به منزل می آیند تلویزیون را روشن می کنند و تا آخر شب حواس شان به تلویزیون است. پدر و مادر با فرزندان صحبت نمی کنند و زن و شوهرها با هم حرف نمی زنند. ما نیاز به ابرازعاطفه و درد و دل داریم. اگر تلویزیون این همه برنامه دارد یعنی ما باید همه آنها را ببینیم یا باید یکی را انتخاب کنیم؟ در بعضی از خانواده ها میهمانی رفتن یعنی دیدن یک سریال دسته جمعی. در قدیم میهمانی

ها بیشتر مزه می داد. پس تلویزیونی شدن خانواده ها اشتباه است حتی اگر تمام برنامه های تلویزیون دینی بشود.

## مجلسی دهم

### احکام

سوال: اینجانب با رضایت همسرم یکبار در سال ۷۲ مرتکب عمل سقط جنین شده ایم جنین مذکور حدود دو ماه بود و یکبار هم به علت مشکلات در سال ۸۲ مرتکب این عمل خلاف شرع شدیم این بار جنین ۴۵ روزه بود. لطف فرموده و بفرمایید هر کدام چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که عامل سقط شما بوده اید، نه همسرتان، هر چند ایشان راضی به این کار بوده اند دیه جنین را شما باید به ایشان بپردازید. و اگر ایشان به شما ببخشد بری الذمه می شوید ولی چنانچه عامل هر دو با هم بوده اید دیه آن به برادران و خواهران و پدر بزرگ و مادر بزرگ آن جنین می رسد.

ضمناً دیه آن دو جنین شصت مثقال معمولی طلا است.<sup>۲۸</sup>

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمره‌ی اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

بر سر هر دانه بنوشته عیان

کان بود رزق فلان بی فلان

غم مخور برهم مزن اوراق دفتر را که پیش از طفل

ایزد پر کند پستان مادر را

رو توکل کن مشو بی پا دست

رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است

بر سر هر لقمه بنوشته خدا

این نصیب است بر فلان شه یا گدا

من همین اول جلسه یک سوال از شما دارم. به نظر شما هر کسی پولدارتره

خوشبخت تره؟ بگذارید این طوری سوال را برای شما مطرح کنم آیا پول است که

خوشبختی می آورد؟

خیلی ها ممکن است جواب مثبت بدهند و بگویند حاج آقا این هم سوال داره؟ بله

ما اگر پول بیشتری داشته باشیم زندگی راحت تری هم داریم و اگر زندگی راحت تری

داشته باشیم خوشبخت تر هستیم.

یک سوال دیگه می پرسم. پولدار ترین آدمهای ایران کجا زندگی می کنند؟

-شمال تهران.

به نظر شما آدمایی که خوشبخت هستند به سراغ طلاق می روند؟ نگاه کنید اگر دو نفر خیلی با هم خوشبخت باشند نباید حتی فکر جدایی یک لحظه به ذهنشون برسه چه برسه به طلاق. حالا می می خوام یک آماری بدهم. خوب دقت کنید. در شمال تهران از هر دو ازدواج یکی به طلاق منجر می شود. این آمار رسمیه. توی کل کشور از هر هفت ازدواج دو طلاق. این یعنی چی؟ مگه اینها با هم خوشبخت نیستند؟ چرا به سراغ طلاق می روند؟ چرا از هم جدا می شوند؟

در هندوستان ملاقاتی داشتیم با وزیر آموزش و پرورش. ایشان می گفت: ما در هند هفتاد هزار مدرسه داریم که نیمکت و حصیر ندارد. یعنی بچه‌های هندی روی خاک می‌نشینند و درس می‌خوانند و دکتر به دنیا صادر می‌کنند. قدر امکانات خود را بدانیم و درست درس بخوانیم.<sup>۲۹</sup>

این مطلب رو چند جلسه قبل گفتیم. آقای قرائتی می گفتند: یک طنزی هست، طنز قشنگی است. می‌گویند: یک کسی به خدا تلگراف کرد. ای خدا! یک کامیون اسکناس برای من بفرست، راحت خوش خوش باشیم. جواب آمد یک کامیون اسکناس به تو می‌دهم ولی با دو تا پسر هروئینی. گفت: نمی‌خواهم. خدایا یک گونی اسکناس بده ما خوش باشیم. جواب آمد: یک گونی اسکناس به تو می‌دهم با یک دختر کچل. گفت: خدایا، تلگراف سوم: یک ساک اسکناس به ما بده خوش باشیم. گفت: یک ساک اسکناس می‌دهم با تنگی

سینه. گفت: خدایا نمی‌خواهم. همان روزی خودمان را بده بیاید. گفت: تدریجاً می‌رسد  
فوضولی موقوف!

قال الله تبارک و تعالی لموسی علیه السلام: یا موسی، أنا أفعل بک ثلاثه أفعال أنت  
أیضا افعل ثلاثه، فقال موسی علیه السلام: ما هذه الثلاثه؟ قال الله تعالی: ... و الثالث: لم  
اکلفک عمل غد، فلا تکلفنی رزق غد. خداوند به حضرت موسی خطاب فرمود: موسی من  
سه کار نسبت به تو می‌کنم تو نیز در مقابل، سه عمل انجام ده. عرضه داشت: آنها چیست؟  
فرمود: ... سوم: من عمل فردا را امروز نخواهم، تو هم امروز روزی فردا را نخواه.<sup>۳۰</sup> انسان،  
حریص است و به خاطر حرص، روزی فردا را می‌خواهد، خداوند در قرآن می‌فرماید: إِنَّ  
الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً به یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است<sup>۳۱</sup>

این حرص اونقدر زیاده که نقل می‌کنند روزی هارون الرشید گفت: آیا کسی از  
زمان پیغمبر زنده مانده است؟ گفتند: باید جستجو کنیم. گشتند و گفتند: پیرمردی است که  
او را در گهواره می‌گذارند، او هست. گفت: او را بیاورید. سبدی برداشتند و پیرمرد را در  
سبد نشانند و آوردند. هارون به او گفت: تو رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیده‌ای؟  
گفت: بله. گفت: چیزی از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ای؟ گفت: بله. گفت: چه  
شنیده‌ای؟ گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یشیب ابن آدم و یشبّ فیه  
خصلتان الحرص و طول الأمل» فرزند آدم پیر می‌شود، ولی دو چیز در او جوان می‌شود؛

۳۰ تحریر المواعظ العددیه، صفحه ۲۲۷

۳۱ سوره معارج آیه ۱۹

یکی حرص، یکی آرزوهای دراز. گفت: هزار دینار طلا به او بدهید. پیرمرد که در کل عمرش صد دینار طلا ندیده بود، تشکر کرد و دوباره درون سبد نشست و او را بردند بیرون، گفت: مرا برگردانید، با هارون کار دارم. او را برگرداندند. گفتند: قربان! او با شما کار دارد، هارون گفت: او را بیاورید، پیرمرد گفت: این هزار دینار طلای امسال است، یا هر سال به من هزار دینار می‌دهی؟ هارون گفت: «صدق رسول الله» جان او دارد در می‌رود، ولی حرص پول و آرزوی زنده ماندن سال‌های دیگر را دارد. گفت: نه، سال‌های دیگر نیز هست. تا او را بیرون بردند، مُرد.<sup>۳۲</sup>

نداشتن حرص دنیا یکی از عوامل آرامش است. قضیه گروه ۹۹ رو شنیدید؟ روزی پادشاهی بود در یک کشور ثروتمند و بزرگ اما پادشاه خوشحال نبود. روزی که از آشپزخانه دربار می‌گذشت دید که آشپز خوشحال و خندان است از او در مورد علت شادیش پرسید او گفت: چرا خوشحال نباشم خانه دارم زنی خوب دارم و از فرزندانم هم راضی‌ام چرا خوشحال نباشم.

پادشاه موضوع را به وزیر گفت و علت را از او جویا شد. وزیر گفت چون او وارد گروه ۹۹ نشده است.

پادشاه به وزیر گفت گروه ۹۹ چیست؟ گفت گروه ۹۹ سکه. پس قرار شد که ۹۹ سکه در کیسه‌ای در کنار خانه آشپز بگذارند. آشپز کیسه را برداشت و با دیدن سکه‌ها

خوشحال شده آنرا شمرد ۹۹ تا بود دوباره شمرد باز هم ۹۹ سکه خیلی ناراحت شد سروصدا براه انداخت تا آن سکه دیگر را پیدا کند ولی خبری نبود.

از فردا تصمیم گرفت تا بیشتر کار کند تا آن سکه باقیمانده را بدست آورد شب ها تا دیر وقت کار می کرد و خسته به خانه می آمد و صبح بخاطر اینکه دیر از خواب بیدار شده بود با همه دعوا می کرد.

وزیر به پادشاه گفت: آری حال او هم وارد گروه ۹۹ شده. افرادی که پول به اندازه کافی دارند اما بخاطر حرص و طمع به خود و زندگیشان سخت می گیرند.

به هر حال این نکته بسیار مهمی است که قناعت در زندگی داشته باشیم و حرص فردا را نخوریم که الحق و الانصاف بارها دیده ایم که خداوند رزق ما رسانده است. استاد پناهیان می فرمودند: تمام پسرها در داستان مصر سر بریده شدند، یک مادر زایمان کرد ، آنهم انداخت در دریا!

آنهم شد موسی ع !

آنهم رفت در خانه ی فرعون!! خداوند اینچنین است دیگر!!

به مو میرساند اما نمی برد!!

میخواهد بگوید همه کارها را خودم کردم

یکی از جاهایی که خدا دارد به مو میرساند چیست ؟

موضوع جمعیت است!

خداوند میخواهد با چه نجات بدهد؟؟

با شیعیانی که محض رضای خدا ازدواج بکنند ، محض رضای خدا بچه دار بشنوند ،

خدا خواسته نسل آخری که ان شالله میخواهد به ظهور حضرت برسد، حضرت به چهره ی آن جوانها که نگاه میکند می بیند به به ! اینها پدر و مادرشان بخاطر امام زمانشان ازدواج کردند ، بخاطر قدرت اسلام بچه دار شدند ، اصلا نور در چهره شان میبارد انگار میخواهد یک چنین نسلی درست بشود!

گویند:

روزی دهقانی مقداری گندم در دامن لباس پیرمرد فقیری ریخت پیرمرد خوشحال شد و گوشه های دامن را گره زد و رفت درراه با پروردگار سخن می گفت:

(ای گشاینده گره های ناگشوده، عنایتی فرما و گره ای از گره های زندگی ما بگشای)

در همین حال ناگهان گره ای از گره هایش باز شد و گندمها به زمین ریخت!

او با ناراحتی گفت:

من تو را کی گفتم ای یار عزیز  
کاین گره بگشای و گندم را بریز!  
آن گره را چون نیارستی گشود  
این گره بگشودنت دیگر چه بود؟

نشست تا گندمها را از زمین جمع کند، درکمال ناباوری دید دانه ها روی ظرفی از

طلا ریخته اند!!!

ندا آمد که:

تو مبین اندر درختی یا به چاه

تو مرا بین که منم مفتاح راه<sup>۳۳</sup>

خداوند است روزی می دهد و مشکلات ما را حل می کند. این حرص و طمع است که آسایش انسان را میگیرد. ممکن است سختی هایی در زندگی وجود داشته باشد ولی تا سختی نباشد رشد معنی ندارد. فرزند برای انسان فقر نمی آورد. تازه خداوند در قرآن رزق و روزی را تضمین کرده است.

## مجلس یازدهم

احکام

سؤال: اگر در موقع وضو آب شیر را نبندیم، آیا اسراف محسوب شده، و جایز نمی باشد؟

پاسخ: مسلماً اسراف است، و جایز نیست.

سؤال: با عنایت به محدودیت منابع آب قابل شرب و شیرین در سرزمین ما، مصرف بی رویه و غیرضروری آن چه صورتی دارد؟

پاسخ: مصرف بی رویه آب قابل شرب یا آبهای زراعتی، در هیچ زمانی مجاز نیست باید در این نعمت گرانبهای الهی، همه مردم صرفه جویی کنند و جلو هر گونه اسراف را بگیرند.<sup>۳۴</sup>

با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمهری اولیاء محشور شویم  
گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

محل استقرار بهداری و درمانگاه لشکر، نزدیک چادر فرماندهی بود. داخل چادر نشسته بودم که از بیرون کسی مرا به اسم صدا کرد. بیرون که آمدم آقا مهدی را جلوی چادر تدارکات بهداری دیدم. کیسه‌ای را با یک دست گرفته بود و با دست دیگرش لای نان خورده‌ها را می‌گشت.

سلام کردم، جواب سلامم را داد و تکه نانی را از کیسه بیرون آورد و به من نشان داد و گفت:

- برادر رحمان! این نان را می‌شود، خورد؟

- بله، آقا مهدی می‌شود.

دوباره دست در کیسه کرد و تکه نان دیگری را از داخل گونی بیرون آورد.

- این را چطور؟ آیا این را هم می‌توان استفاده کرد؟

سرم را پایین انداختم. چه جوابی می‌توانستم بدهم؟ آقا مهدی باکری ادامه داد.

- بنده خدا!!! پس چرا کفران نعمت می‌کنید؟... آیا هیچ می‌دانید که این نان‌ها با چه

مصیبتی از پشت جبهه به اینجا می‌رسد؟... هیچ می‌دانید که هزینه رسیدن هر نان از پشت

جبهه به اینجا، حداقل ده تومان است؟ چه جوابی به خدا خواهید داد؟

سپس بدون آنکه چیز دیگری بگوید، سرش را به زیر انداخت و از چادر تدارکات

دور شد و مرا با وجدان بیدار شده‌ام، تنها گذاشت و رفت.

عزیزان من شاید با خودتان بگویید یک تکه نان مگر چه ارزشی دارد که دور انداختنش تویخ داشته باشد. این مطلبی را که می خواهم بگویم خیلی از شماها که زمین کشاورزی دارید به خوبی می فهمید. یک زمین اگر خوب گندم بدهد چند تن گندم می شود؟ پس معنی تن را می دانید.

حالا با همدیگر یک حساب سر انگشتی می کنیم. ایران چقدر جمعیت دارد؟ حدود هشتاد میلیون. حالا تصور کنید هر ایرانی در هر روز فقط یک وعده غذای پلویی (برنج دار) مصرف کنند. اگر هر فرد ایرانی روزی تنها یک دانه برنج دور بریزد، می شود حداقل هشتاد میلیون دانه برنج و از آنجا که به طور متوسط هر کیلو برنج حدود شش هزار دانه است؛<sup>۳۵</sup> بنابراین اگر این عدد را بر ۶۰۰۰ دانه (متوسط تعداد دانه های یک کیلو برنج) تقسیم کنیم، می شود، چیزی حدود ۴۸۰ کیلوگرم، و اگر این را ضرب در سی روز کنیم، در ماه حدود ۱۴۵ تن برنج دور ریخته می شود؛ البته این حداقل اسراف و در واقعیت بسیار بیش از این اتفاق می افتد.

در مراسم های عروسی و جشن و غذاهایی که میهمانی ها توزیع می شود، داخل هر بشقاب یا ظرف یکبار مصرف، چند عدد برنج دور ریخته می شود؟ والله اعلم! دیده می شود متاسفانه و صد متاسفانه در جاهایی عده ای به نام رسم و رسومات مقدار خیلی زیادی غذا اسراف می کنند. وقتی از آنها می پرسی می گویند زشت است. مردم چی میگویند. بگذارید داستانی برایتان نقل کنم.

---

<sup>۳۵</sup> شش دانه برنج را وزن می کنیم می شود حدود یک گرم و ضربدر هزار می کنیم

می گویند: لقمان حکیم به فرزندش فرمود: فرزندم مردم را نمی توانی راضی کنی برو خدا را راضی کن گفت بیا از باب مثال یه چیز عادی برایت نشان بدهم یک الاغ گرفتند با پسرش صبح از میان جمعیت رد می شدند دوتایی سوار شدن پدر جلو پسر پشت سرش گفتند عجب زمانه ای شده است دونفر سوار الاغ شدند. پدر جلو نشسته پسر هم پشت سرش نشسته. گفتند: بر عکس کنیم شما جلو بشیند و من عقب می نشینم. بازم حرف زدند. پدر سوار شد پسر هم پیاده می رفتند. گفتند: عجب پدر بی رحمی خودش سوار شده پسرش پیاده است بر عکس کردن گفتن عجب پسر بی ادبی سوار بر الاغ و پیرمرد پیاده هر دو پیاده شدند. چه کار می شود کرد یعنی شما هر طور که به این الاغ سوار بشوید حرف می زنند.

به قول قدیمی ها در دروازه را می شود بست ولی در دهن مردم را نمیشود بست. هر کاری کنی یک چیزی می گویند. روایت داریم که کسی که از همه بیشتر ضرر می کند کسی است که دین خود را به دنیای دیگری بفروشد. یعنی چی؟ یعنی دین اسلام می گوید اسراف نکن. او با خودش می گوید اگر اسراف نکنم مردم پشت سرم خیلی حرف می زنم. خب بززند. پشت سر چه کسی حرف نزده اند که شست سر ما نزنند. یک چیزی بگویم تا راحت تر با قضیه کنار بیایید. اگر کسی پشت سر شما حرفی زد روز قیامت شما از او طلبکار می شوید. هرکس که می خواهد باشد. من آخوند باشم پشت سرتان پیزی بگویم یا مردم دیگر.

به یکی از علما عرض کردند: که آقا فلانی پشت سر شما غیبت کرده است. یک مقداری پول در آورد؛ تو پاکت گذاشت؛ گفت زحمت بکش این را برایش بدهید. گفتیم

شاید گوش های آقا سنگین شده است. گفتیم: آقا عرض کردیم که غیبت شما را کرده است. فرمود: شنیدم گفتیم پس چرا پول برایش میدهید. گفت تو روایت داریم کسی که غیبت کسی را بکند ثواب هایش را تو پاکت می گذارد تو نامه اعمال او می گذارد. خدا خیرش بدهد. گفتیم کسی که غیبت شما را می کند؛ ثواب ندارد فرمود: ما که گناه داریم گناهان ما را تو حسابش می گذارند.

یک قضیه ای را نقل می کنند جالب است. می خواستم به دنیا بیایم ، در یک زایشگاه عمومی . پدربزرگم به مادرم گفت فقط بیمارستان خصوصی ! مادرم گفت : چرا ؟ پدربزرگم گفت :مردم چه می گویند !؟

می خواستم به مدرسه بروم همان مدرسه ی سرکوچه ی مان ،مادرم گفت : فقط مدرسه ی غیرانتفاعی ! پدرم گفت چرا ؟ مادرم گفت مردم چه می گویند ؟ به رشته ی انسانی علاقه داشتم . پدرم گفت : فقط ریاضی .گفتم : چرا ..... پدرم گفت : مردم چه می گویند ؟

می خواستم پول مراسم عروسی را سرمایه ی زندگی ام کنم . پدر و مادرم گفتند مگر از روی نعلش ما رد شوی .گفتم : چرا؟!...آنها گفتند : مردم چه می گویند ؟ می خواستم به اندازه ی جیم خانه ای درپایین ده بخرم .مادرم گفت : وای برمن . گفتم چرا؟!... مادرم گفت مردم چه می گویند !؟!...

اولین مهمانی بعداز عروسیمان بود .می خواستم ساده باشد و صمیمی . همسرم گفت : شکست ، به همین زودی !؟! .... گفتم : چرا؟ همسرم گفت : مردم چه می گویند !؟!....

می خواستم یک ماشین مدل پایین بخرم ، درحد وسعم ، تا عصای دستم باشد .  
همسرم گفت : خدا مرگم دهد . گفتم چرا ؟ ...همسرم گفت : مردم چه می گویند ؟ ...  
بچه ام می خواست به دنیا بیاید ، دریک زایشگاه عمومی . پدرم گفت : فقط  
بیمارستان خصوصی ! گفتم چرا ؟ ... پدرم گفت : مردم چه می گویند ؟ ...  
بچه ام می خواست به مدرسه برود ، رشته ی تحصیلی اش را برگزیند ، ازدواج کند  
... می خواستم بمیرم . برسر قبرم بحث شد . پسرم گفت : پایین قبرستان . زنم جیغ کشید  
دخترم گفت : چه شده ؟ ...زنم گفت : مردم چه می گویند ؟ !  
مُردَم ، برادرم برای مراسم ترحیم مسجد ساده ای را درنظر گرفت ، خواهرم  
اشک ریخت و گفت : مردم چه می گویند ؟ ! ...  
ازطرف قبرستان سنگ قبرساده ای برسر مزارم گذاشتند . اما برادرم گفت : مردم چه می  
گویند ؟ !  
خودش سنگ قبری برایم سفارش داد که عکسم را رویش حک کردند .  
حالا من در اینجا در حفره ای تنگ خانه دارم و تمام سرمایه ام برای ادامه ی زندگی  
جمله ای بیش نبود : مردم چه می گویند ؟ ! ... مردمی که عمری نگران حرف هایشان بودم  
، حالا حتی لحظه ای هم نگران من نیستند .<sup>۳۶</sup>

---

۳۶ می شود وصل کرد به اسراف و نبود آب در خیمه ها

## مجلس دوازدهم

### احکام

سؤال: حضرت عالی بارها بر ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی تأکید نموده اید؛ ولی حتی تجمل گرها نیز خود را تجمل گرا نمی دانند. وقتی از ایشان علت را جویا می شویم، بحث عرف و شأن را پیش می کشند. لطفاً بفرمایید: ملاک اصلی و مشهود اسراف و تجمل گرایی چیست؟

پاسخ: هر گونه هزینه ای که زاید بر نیازهای مشروع انسان باشد، نوعی اسراف و تجمل گرایی است؛ البته شئون افراد، مختلف است و برای تشخیص مصداق، باید به عرف متعهد و آگاه مراجعه کرد.

سؤال: آیا درختی که دارای جان و حیات است، سوزاندن و قطع آن موجب ضمان و گناه است؟

پاسخ: در صورتی که متعلق به یگران باشد ضمان دارد در غیر این صورت نوعی انحراف و کار حرامی است.<sup>۳۷</sup>

## با لطف حسین (علیه السلام) وارد نور شویم در زمهری اولیاء محشور شویم گر دشمن دین، به دین من کرده طمع با راه حسین (علیه السلام)، از فتن دور شویم

بسم الله الرحمن الرحيم

گویند: روزی بهلول کنار یکی از قصرهای مجلل هارون الرشید رفت و تکه زغالی برداشته و روی دیوار قصر نوشت: «رفع الطین علی الطین و وضع الدین؛ گل بر روی هم انباشته شده، ولی دین خوار و پست گردیده.»

گچ‌ها بر هم مالیده شده؛ اما دستور صریح دین از بین رفته است. هارون در آن حال بهلول را دید و از او خواست تا جمله‌اش را تفسیر کند، بهلول گفت: اگر این کاخ را از پول و ثروت حلال خود ساخته‌ای، اسراف و زیاده‌روی نموده‌ای، «والله لا یحب المسرفین»؛ اما چنانچه از مال مردم باشد، به آنها ستم کرده‌ای «والله لا یحب الظالمین» خداوند ستمکاران را دوست ندارد.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ افراط‌گران همدمان آتش‌اند.»

ممکن است کسی بگوید دوست دارم در زندگی بهترین چیزها را داشته باشم. بهترین ماشین، بهترین خانه، بهترین موبایل و... ما می‌گوییم این برای کسی افتخار نمی‌آورد. داستان قارون را همه شنیده‌اید. قارون در میان قوم خود روزگار را به عیاشی و خوشگذرانی سپری می‌کرد و لباس‌های فاخر می‌پوشید و با تجمل و آرایش از خانه بیرون می‌آمد.

قصرها برای خود ساخته و در آن جا خدمتگزاران مخصوص به کار گرفته بود و همیشه در تلاش زیاد کردن غلامان و حشم خویش وقت سپری می کرد و در پی این بود که از هر لذتی خود را برخوردار و سیر سازد و حرص و عطش خود را فرو نشاند، او می خواست به آخر حد تنعم رسیده چشم و دلش سیر شود.

مال دنیا از آغاز، اساس زینت و بهجت دنیا بوده و وسیله زندگی و قوام آن است، ولی این مرد شیطان زده آن را وسیله طغیان و مایه تکبر ساخته و با داشتن آن، غرور و نخوت می فروخت.

بیچاره گمان می کرد او تافته جدا بافته است و کسی نه حق دارد و نه می تواند همدوش او باشد، تا چه رسد به این که او را مقهور خود سازد.

او چنین می پنداشت که همه مردم مسخر و زیردست اویند و لذا وقتی صحبت می کرد باید همه سرها را به زیر افکنند و هر وقت اشاره می کند باید به خدمتش حاضر باشند. غلامانش همین معانی را معمول می داشتند، هر وقت صدا می زد:

پسر بیا؟ در شتافتن به سویش از یکدیگر سبقت می جستند.

او توقع داشت این انسانهای زیردستش بندهای خالص باشند و آن بیچارگان هم این معنا را بر خود واجب دانسته، وای بر آن خدمتگزاری که خیال نافرمانی وی را به دل بگذراند و محرومیت نصیب آن غلامی که در اطاعتش دیر بجنبند.

مردم فقیر که او را دیدند با چه لباسهای فاخر و چه اسبهای قیمتی بیرون آمده و خدم و حشم وی از عقبش روانند، چشمهایشان خیره گشته و همه به تماشایش نزدیک

آمده، دل‌هایشان چاک شد از این که او را در آن ناز و نعمت و خود را در این فقر و نکبت ببینند، به یکدیگر می‌گفتند:

يَا كَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا اوتَى قَارُونَ اِنَّهُ لَدُو حَظِّ عَظِيمٍ

ای کاش مانند آنچه به قارون داده‌اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره بزرگی است.

خدا زمین را فرمود تا او و خانه او را در خود فرو برد. آن روز از اموال و خدم و حشم کسی که او را یاری کند نبود، تنها خدا بود که می‌توانست به فریادش برسد و لکن او از خدا کمک نخواست.

فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُتَنَصِّرِينَ

پس او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم، و هیچ گروهی غیر از خدا برای او نبود که وی را [برای رهایی از عذاب] یاری دهد، و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند.

زمین قارون و اموالش را بلعید و داستانش مایه عبرت قوم موسی و پیروان فقیرش گردید و چون مردم سرانجام وی را دیدند از آن آرزوهایی که کرده بودند پشیمان گشته و حضرت حق را شکر کردند که مثل قارون نشدند.

عزیزان اسراف در زندگی و تجملاتی شدن علاوه بر ضرر به جامعه به خود انسان هم ضرر می‌زند. بزرگترین ضربه هم این است که خداند انسان اسراف کار را دوست ندارد. چقدر می‌دونید آگه خدا بنده اش را دوست نداشته باشد چه می‌کند؟ شما اگر فرزندی از فرزندانتان را دوست نداشته باشید چکار می‌کنید. یا اصلاً محلی به او نمی‌دهید

یا اینکه هر چه خواست به او می دهید ولی می گید سر موقعش حسابشو می رسم. یجورایی خدا هم همینکار رو میکنه. خدا نکنه خدا یکی از ماها رو دوست نداشته باشه.

میگن زمانی مسلمة بن عبدالملک یکی از فرماندهان عمر بن عبدالعزیز بود. روزی به خلیفه گزارش رسید که مسلمة در زندگی خود به زیاده روی و اسراف گراییده است و برای تهیه غذاهای گوناگون، روزانه هزار درهم خرج سفره می پردازد. عمر بن عبدالعزیز از این خبر به شدت ناراحت شد و شبی از مسلمة دعوت کرد تا شام را به طور خصوصی با خلیفه تناول کند. این دعوت برای او مایه سربلندی و افتخار بود و با کمال میل آن را پذیرفت. عمر بن عبدالعزیز به مسئول آشپزخانه خود دستور داد که در آن شب، انواع طعامها را تهیه کند و آشی از عدس، پیاز و زیتون نیز آماده نماید و هنگامی که دستور آوردن شام داده می شود، در ابتدا آش را بر سر سفره آورد و سپس با مقداری فاصله، سایر غذاها را حاضر کند.

شب موعود فرا رسید و مسلمة شرفیاب شد. مجلس بسیار خصوصی بود و جز میزبان و مهمان کسی حضور نداشت. عمر بن عبدالعزیز پیرامون اوضاع مردم و جنگهای آن منطقه از مسلمة پرسشهایی کرد و او پاسخ داد. مجلس به درازا کشید و از هنگام خوردن شام دو ساعتی گذشته بود که خلیفه دستور داد غذا را آورند. سفره گسترده شد و بر طبق قرار قبلی در ابتدا آش را حاضر کردند. مسلمة که سخت گرسنه شده بود به انتظار غذاهای دیگر نماند و خود را به آش سیر کرد. وقتی طعامهای رنگارنگ را آوردند، اشتها نداشت و از آنها چیزی نخورد. عمر بن عبدالعزیز سؤال کرد چرا نمی خوری؟ جواب داد سیر شده ام. خلیفه گفت: سبحان الله! تو از این آشی که یک درهم خرج آن شده، سیر

می شوی؛ اما برای رنگین کردن سفره خود، روزی هزار درهم خرج می کنی! از خدا بترس، اسراف نکن و این پول گزافی را که برای تجمل صرف می نمایی به مستمندان بده که رضای خدا در آن است. موعظه خصوصی و تذکر خیرخواهانه عمر بن عبدالعزیز در مسلمة اثر گذارد، به عیب خود متوجه شد، از خلیفه سپاسگزاری کرد و با تحوّل فکری و روحی به منزل خویش بازگشت.

یه زمانی توی این مملکت جنگ بود. جنگی که همه با تمام توان کمک کردند تا تونستیم از شر جنگ راحت شویم. پیر و جوون به هم کمک کردند که این معضل حل بشه. حالا یه معضل بزرگ دیگه ای ایجاد شده که بی صداس. بمب نداره. ولی کل مملکت رو یهو نابود می کند. مشکل اقتصادی. حالا ممکنه کسی بگه برو حاج آقا به کسی بگو که میلیاردی می دزده. جواب من اینه. روز قیامت هرکس باید جواب اعمال خودش رو بدهد. فردای قیامت همین شهدای انقلاب جلوی ما رو میگیرند و میگن چرا شما که می تونستید حداقل اسراف نکنید. قوم بختیاری قومیه که توی مشکلات تا الان پا پس نکشیده. الان هم کمک بدین و خودتونو بیشتر از قبل پیش امام حسین و شهدا سرافراز کنید.

**بخش**

**خانواده و بانوان**

با توجه به نقشی که اسلام برای خانواده در رشد و تعالی مسائل دینی و اخلاقی قائل است، در این بخش، با «معنویت در خانواده و ارزش خانواده»، مباحث زیر آورده شده است.

مطالب مذکور از مباحث مطرح شده توسط حجه الاسلام و المسلمین فرح زاد (دام عزه)، می باشد.

### برکات ذکر صلوات

ذکر صلوات باعث خوش اخلاقی و تقرب به پیامبر خدا می شود، گناهان انسان را ذوب می کند. امام رضا علیه السلام فرمودند: «فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِيهِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا» ( شیخ صدوق / أمالی الصدوق / ص: ۷۳). کسی که گناه زیاد دارد و وسیله ای برای پاک کردن گناهانش ندارد اگر به ذکر صلوات مداومت کند ذکر صلوات گناهانش را منهدم می کند. برای بخشش گناهان، برای نورانیت دل، برای وسعت رزق، برای شفاعت پیامبر، برای باز شدن آسمان ذکر صلوات بسیار مؤثر است.

روایت داریم که دعا بدون صلوات مستجاب نمی شود. هم شیعه ها و هم اهل سنت نقل کردند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: دعاهایی که می کنید اجابت نمی شود مگر این که در ضمن دعا صلوات بفرستید.

### زوجیت در عالم هستی و نیاز انسان به مونس و همدم

خدای متعال می فرماید: **وَ مِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً**. همه موجودات، حتی گیاهان را هم خدا نر و ماده آفرید. در درخت خرما گردی از درخت خرما نر می گیرند و به درخت ماده می پاشند تا بارور بشود والا بارور نمی شود. عالم، عالم زوجیت است عالم نر و ماده است عالم مثبت و منفی است. باید این ها در کنار هم باشند تا رشد بکنند انسان هم که گل سر سبد عالم است همین طور است. اگر مرد تنها بود عالم رشد پیدا نمی کرد تولید مثل نبود اگر زن هم تنها بود همین طور می شد اصلا نسل و نظام در هم پیچیده می شد. خدای متعال می فرماید: که از نشانه های قدرت من این است که شبیه انسان، انسانی دیگر آفریدیم که جفت او باشد همسرهایی را برای شما خلق کردیم که وسیله آرامش شما باشند. خلقت خیلی گسترده است این خلقت نه اولش پیداست نه آخرش پیداست. نمی توانیم درک کنیم و باید اظهار عجز و کوچکی در محضر خدای متعال کنیم و به سجده بیفتیم و از این همه عظمت تسبیح خدا کنیم.

خدای متعال می فرماید: یکی از آیات من این است که برای شما همسر آفریدیم. روایت داریم حضرت آدم که پدر و مادر نداشت فرشته ها از گل مجسمه ای ساختند خدای متعال می فرماید من در این مجسمه از نفس الهی خودم دمیدم **نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي**. و این مجسمه حضرت آدم ابوالبشر شد. خیلی عجیب است تنهایی برای انسان خیلی سخت است چون انسان از انس است. حضرت آدم در اول خلقتش تنها بود انسان بدون انیس نمی تواند زندگی کند. خدای متعال در کنار حضرت آدم، مادر بزرگمان حضرت حوا را درست کرد و گفت: این هم انیس و مونس و همسر شماست. حضرت آدم

می خواست به طرف حضرت حوا برود که خدا فرمود: شما هنوز نا محرمید به قول خودمان ما صیغه اش را که هنوز نخواندیم. خدای متعال عزتی در خانم ها قرار داده که آقایان باید سراغشان بروند این سنت خوبی است. شنیدم که در هندوستان در بعضی از مناطق زن ها به خواستگاری می روند. خدا را شکر که ما در هندوستان متولد نشدیم اگر آن جا به دنیا می آمدیم همه ما بی زن می ماندیم و می ترشیدیم.

خدا این زوجیت و این کشش را در خلقت قرار داده است. حضرت آدم می خواست پهلوی حضرت حوا برود که گفتند: که دست نگه دار باید خواستگاری کنی عقد کنی مهریه می خواهد. حضرت آدم گفت: مهریه چه بدهم؟ گفتند: که اگر می خواهی حضرت حوا برایت حلال بشود مهریه اش ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد است. حضرت آدم چه قدر راحت زن گرفت.

### سفارش روایات به ازدواج بر محور اخلاق

یکی از رفقاء در همین اصفهان می گفت که ما چهل جا برای برادرم خواستگاری رفتیم این داغ به دلمان ماند یک جا نگفتند که این داماد نماز می خواند اخلاقش خوب است؟ ایمان دارد؟ تقوا دارد؟ هر جا که خواستگاری رفتیم گفتند که شغلش چه است؟ ماشین دارد؟ خانه دارد؟ مدرکش چیست؟ از دینش سؤال نمی کردند خیلی زشت است. ما شخصیت افراد را نمی خواهیم زیباییشان را می خواهیم پولشان را می خواهیم. در روایت داریم که اگر با کسی به خاطر پولش یا زیباییش ازدواج کردی آن ازدواج پایدار نیست چون ممکن است آن مال تلف بشود یا آن زیبایی از بین برود.

آقایی در تهران می گفت: می رویم با یک ثروتمندی ازدواج می کنیم انشاءالله پدر زن زودتر می میرد ثروتش به ما می رسد. تا عقد تمام شد فردا پدر زن چند میلیون

ورشکست شد این بنده خدا هم آدم آبرومندی بود خرج این پدر زن و مادر زن و برادر زن به گردن این افتاد. می خواست ارثش را ببرد خرجش هم به گردنش افتاد.

دو چیز در روایت خیلی سفارش شده است یکی دین و یکی هم اخلاق است. یعنی باید پرسید آقا این عروس خانم و یا آقا داماد با اخلاق است؟ متدین است؟ سازگار است؟ می توان با او زندگی کرد؟ اما این عروس و داماد همه چیز دارند ماشین و خانه و حقوق بالا دارند اما دین ندارند حقوق هم را مراعات نمی کنند اخلاق ندارند دائم دعوا و قهر دارند. دامادی که دین و اخلاق ندارد بعد از مدتی دختر می گوید که من نه مهر می خواهم و نه جهیزیه ای را که دادم می خواهم، و نه بچه ای که به دنیا آوردم را می خواهم. همه چیز را می بخشم فقط می خواهم از خانه این داماد بیرون بروم. اگر دین نباشد اخلاق نباشد زندگی اساس ندارد.

اگر دیدید که دامادی واقعا دینش و اخلاقش خوب است دیگر سخت گیری نکنید، دختری که اخلاق و دینش خوب است سخت گیری نکنید. کی گفته این قدر تشریفات و تجملات باشد؟ شما هر کاری کنید مردم حرف می زنند گلایه می کنند. اگر شما صد هزار نفر هم دعوت کنید، پنج رقم غذای شما را هم می خورند آروق می زنند غیبت شما را هم می کنند می گویند این فلان فلان شده از کجا آورده این همه خرج کرده است. آن هایی که سنگین برگزار می کنند مردم بیشتر به آن ها فحش می دهند. مردم را کسی می تواند راضی کند؟ خدا همچین کاری نکرده، آیا همه از خدا راضیند؟ گاهی دیدی پشت ماشین نوشته امان از حرف مردم، معلوم می شود که حرف مردم جگرش را تکه تکه کرده است. ای کاش خدایی که زود راضی می شود به فکر این بودیم که خدا را از خودمان راضی کنیم محال است که بتوانیم مردم را راضی کنیم. «إِنَّ رِضَا النَّاسِ لَأَ يُمْلِكُ وَ أَلْسِنَتَهُمْ لَأَ تُضْبَطُ» (

شیخ صدوق / أمالی الصدوق / ص: ۱۰۳). یعنی خوشنودی مردم را کسی نمی تواند به دست بیاورد و هم کسی نمی تواند جلوی دهانشان را ببندد.

### **مذمت تهمت زدن و شایعه پراکنی**

حضرت موسی به خدا عرض کرد که پروردگارا کاری کن که مردم پشت سر من حرف نزنند. چون بنی اسرائیل خیلی شایعه پشت سر حضرت موسی درست کرده بودند. خدا در قرآن می فرماید: که مثل قوم حضرت موسی نباشید که این قدر موسی را اذیت کردند که گفتند با زن فاحشه رابطه برقرار کرده است، برادرش هارون را برده پشت کوه سرش را بریده است. حضرت موسی از حرف این ها ناراحت شد گفت: خدایا کاری کن که مردم پشت سر من حرف نزنند. خداوند فرمود: موسی این دعا را من خدا برای خودم استجابت نکردم، مردم این قدر پشت سر من خدا حرف می زنند. خدا این قدر شاکی دارد این قدر هستند کسانی که برای خدا خط و نشان می کشند منتهی الحمد لله دستشان به خدا نمی رسد.

### **توصیه اسلام به ازدواج ساده و اسلامی**

دونفر با هم همسفر شده بودند یکی از آنها چند نوع غذا داشت یکی هم نان خشک می خورد. آن یکی غذایش را هم به این تعارف نمی کرد. این با زحمت نان خشکش را می شکست می خورد سرش را یک ور می کرد می گفت: الهی شکر، این آقا گفت: من دوسه رقم غذا می خورم این قدر الهی شکر نمی گویم. او هم گفت: تو نمی فهمی که این الهی شکر از صدتا فحش برای خدا بدتر است. از این الهی شکرها نگوئیم. با این خدا جز آشتی کردن هیچ راه دیگری نداریم. او زورمند و قوی است و ما ضعیف و بی زوریم. باید بگویی خدایا من نوکرتم. اگر بگویی که خدایا من نوکرتم کارت را درست می کند. بگو خدایا من زمین خورد تم. روایت داریم که از دنیا بگذری به طرفت می آید و اگر به طرفش بروی از

تو فرار می کند. یک مقدار سهل بگیریم. آقا ما نمی خواهیم پز بدهیم راحت باش هر کسی به اندازه گلیم خودش پا دراز بکند. به خاطر چشم هم چشمی از قدرت خودمان فراتر برنامه ریزی می کنیم، خودمان را به فشار می اندازیم.

یک کسی گفت: حاج آقا از هر بانکی الا از بانک خون وام گرفتم. بانک خون هم چون خون از آدم می گیرد پول نمی دهد. مثل این که دستمان را لای گیره آهنی گذاشتیم هی دستگیره اش را می چرخانیم هر بار که می تابانیم دستمان دردش می آید آخ می گوئیم و دوباره می تابانیم، دستمان دارد خورد می شود استخوان ها و گوشت هایش له می شود اما باز هم می تابانیم، نتابانش ول کن بگذار مردم هر چه می خواهند بگویند. خیالت راحت باشد هر کاری که کنی مردم می گویند چرا خودت را اذیت می کنی اگر آدم راست حسینی باشد همه عالم برایش نقشه بکشند زمین می خورند.

### **زمان و سن مناسب ازدواج**

روایت داریم جبرئیل خدمت پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم شرفیاب شد و عرض کرد: یا رسول الله می دانید که چه وقت برای امت تو ازدواج و زندگی مشترک خوب است؟ عرض کرد یا رسول الله دختر و پسر مثل میوه درخت می مانند میوه درخت وقتی هنوز نرسیده و کال است سفت به درخت چسبیده است اگر این میوه را از درخت جدا کنی در حق میوه و درخت ظلم کردی افرادی که هنوز نمی توانند زندگی را اداره کنند و خام هستند مشکلات دارند. به سن و سال هم نیست البته نسبت به موقعیت و شرائط و جاها و شهرها فرق می کند. اگر این دختر و پسر هنوز خامند این را از پدر و مادرش نباید جدا کنی اما این میوه که رسید دیگر وقتش است باد بهشت می خورد خرابش می کند خورشید می تابد خرابش می کند محیط و زمان خرابش می کند.

اگر نچینی این میوه می شود ترشیده و خراب می شود. در وقت رسیدن میوه را باید از دخت جدایش کنی و نسبت این دختر و پسرها که دانشگاه می روند یک کاری برایشان بکنید خیلی محیط، محیط خرابی است. شما خودتان بهتر می دانید همین دوست ما می گفت: بعد از این که برای پسر زنی گرفتم دخترهای دانشجو باز هم پسر ما را ول نمی کردند پسر دست خانمش را گرفت برد دانشگاه سر کلاس، گفت: خدا وکیلی این خانم من است این هم حلقه نامزدیش است دست از سر ما بردارید. انسان خوب است که یک لقمه ای به اندازه دهانش یا کوچکتر بگیرد. کی گفته که من بروم با یک خانواده ثروتمندی وصلت کنم که در خرج کردنش بمانم، اصلا نوکر آن خانواده بشوم می روم با یک خانواده ای مثل خودم یا پایین تر اما با اخلاق و دیانت وصلت می کنم که بتوانم توان زندگی و پا به پای رفتن با آن ها را داشته باشم. دختری که در یک خانواده مرفهی زندگی کرده حالا بیاید در خانه مستاجری زندگی کند، ای کاش در زندگیمان یک بار خدا پرست می شدیم حرف خدا را گوش می دادیم.

ازدواج خیلی سفارش شده اما ازدواج درست و اسلامی بکنیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم چه طور ازدواج کردند؟ امیرالمومنین علیه السلام چه طور ازدواج کردند؟ چه زندگی ساده ای، اما صلح و صفا و محبت و یگانگی داشتند. امام صادق علیه السلام فرمود: جوانی خدمت پدرم امام باقر علیه السلام آمد. حضرت فرمودند: ای جوان ازدواج کردی؟ جوان گفت: نه، حضرت فرمودند: که من دوست ندارم همه دنیا مال من باشد ولی ازدواج نکرده باشم. چرا دو رکعت نمازی که آدم همسر دار می خواند افضل است از هفتاد رکعتی که آدم بی همسر می خواند چون آن آرامشی که در آدم همسر دار است در آدم بی همسر نیست. فرمود: کسی که ازدواج می کند نصف دینش را کامل می کند، از خدا بخواهد که آن نصف دیگرش را هم کامل کند. بعد امام باقر یک پولی به این جوان داد و فرمود: برو

همسر انتخاب کن. این قدر خانواده ها هستند که از نظر مالی شاید کمی ضعیف باشند اما دین و اخلاق دارند بسازند، یک مقدار از این قیده‌های قیافه و پز نباشیم بیاید یک مقدار از این قیده‌ها بیرون بزید چه قدر راحت می شوید.

نماز و عطر و زنان سه چیز محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثُ الطَّيِّبِ وَ النَّسَاءِ وَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (ابوالفتح کراجکی / معدن الجواهر/ص: ۳۱). از دنیای شما سه چیز محبوب من شده است از دنیای شما نماز و عطر و زنان را انتخاب کردم. پیامبر ما عقل کل است در عظمت پیامبر ما همین یک روایت کافی است که امام صادق می فرماید: خدای متعال صد جز قسمت عقل خلق کرده که از این صد قسم عقل نود و نه جزءش را به پیامبر مرحمت کرده و یک جزئش را بین تمام خلق، میلیاردها انسانی که خلق کرده تقسیم کرده است. اگر این روایت برعکس هم می شد یعنی نود و نه تایش را به خلق می داد و یک جز آن را به پیامبر می داد باز هم پیامبر میلیاردها برابر بر همه بالاتر بود. ولی این روایت می گوید که خداوند نود و نه تایش را به پیامبر دادند. آیه الله سیبویه می فرمودند: که خانم من علویه بود فوت کرد بیست و هفت سال آخر عمرش کور شده بود چون خدا به من می گوید که احترام خانم واجب است بیست و هفت سال کمر بستم و کارهای خانه را کردم. تمام ذکر من این بود که خدایا ثواب هایم را با بد اخلاقی از بین نبرم. ولی آدم های بد اخلاق تمام ثواب هایشان را آتش می زنند تمام احسان و محبتشان را از بین می برند. گفت: ما را به خیر تو امیدی نیست لطف کن و شر مرسا. می گفت: من از خدا خواستم که ای خدا کمکم کن که من دل این علویه را آتش نزنم جگرش را کباب نکنم منت سرش نگذارم. خدا در قرآن می فرماید: آن هایی که به خانواده یا زیر دستانشان خوبی می کنند بعد یک منت می گذارند همه اعمالشان را باطل می کنند. ثواب هایتان را با منت گذاشتن و

اذیت کردن باطل نکنید. «لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى» (البقره: ۲۶۴). گفت بیست وهفت سال محبت و خوش اخلاقی کردم تا این که این خانم از دنیا رفت الآن هم به یادش هستم خیرات می کنم.

### زن و شوهر مایه آرامش همدیگر

متوجهی پیامبری که عقل کل است می فرماید: ازدنیای شما نماز و عطر و زنان را انتخاب کردم. انشاءالله نماز را جدی بگیرید. اول وقت بخوانید ده دقیقه وقت می برد. ما با این خدا خیلی کار داریم. نماز ستون دین است اساس دین است یکی عطر و بوی خوش چه قدر آرامش می دهد ثواب دو رکعت نماز با عطر هفتاد برابر نماز بدون بوی خوش است. و سوم بانوان یعنی خانم ها را دوست دارم. ما روایت داریم که هیچ کسی ایمانش زیاد نمی شود مگر این که در محبتش به خانمش و محرم هایش اضافه می شود. کسی ولایت ما اهل بیت را بیشتر قبول نمی کند مگر این که محبتش به خانمش بیشتر می شود، چون روحش لطیفتر می شود. چرا پیامبر ما در میان حسنات دنیا این سه گزینه را انتخاب کردند این روایت را خیلی با دوستان و اساتید بالا و پایین کردیم این حرف را عقل کل می زند. البته حرفی که بیشتر به دل بنده چسبید این بود که این هر سه تای این ها آرامش می آوردند. «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (البقره: ۴۵). هر وقت گرفتاری و مشکلی پیش آمد برو وضو بگیر با حضور قلب نماز بخوان بین چه قدر آن هول ها و اضطراب ها از بین می رود. حتی روایت داریم که وقتی امیرالمومنین پیش آمدی برایش می شد به نماز پناه می برد. نماز سکونت و آرامش می آورد. در محضر خدا هستی همه کارها در دست خداست. در مورد این بوی خوش هم دیدید بوی بد چه قدر حال آدم را بد می کند اگر یک جایی باشد که همه اش بوی ناجور باشد به آدم افسردگی دست می دهد، برعکس آن بوی خوش آرامش می دهد. بوی همسر هم آرامش می دهد. «لَتَسْكُنُوا

إِيَّهَا» ( الروم: ۲۱). زن و شوهر وسیله آرامش همدیگر هستند قدر بدانیم. «ما أكرمهنَّ إِلَّا كريم و ما اهانهنَّ إِلَّا لئيم» ( بهاءالدین خرمشاهی- مسعودانصاری / پیام پیامبر/ متن عربی / ص: ۴۳۰). پیامبر خدا فرمودند: کسی خانم ها را اکرام نمی کند ادب نمی کند الا آدم بزرگوار و باشخصیت و کریم، آدم هایی که عاقلند ایمان دارند، دین دارند به مادر وهمسر وخواهر و مادرزن کسی دست بلند نمی کند، اهانت نمی کند اذیت و آزارشان نمی کند مگر این که آدم پست باشد. حتی اگر خانم بد باشد امامان ما یا از پیامبران ما بعضی هایشان بودند که خانم هایشان قاتلشان بودند اما شما یک نمونه بیاورید که این ها را اذیت کرده باشند تو گوششان زده باشند قهر کرده باشند همه اش محبتشان می کردند. این داده خداست عطیه خداست خدا با این وسیله می خواهد شما را امتحان کند صبر داشته باشید تحمل داشته باشید.

**بخش**

**کودکان و نوجوانان**

## نکاتی جهت کار تبلیغی مبلغ/مربی با کودکان و نوجوانان

در این قسمت به فراخور دانش آموزان، برای مقاطع دبستان و راهنمایی مطالبی چون شعر، جدول، مداحی و... آورده شده است

برای فعالیتهای کلاسی با نوجوانان و کودکان، دقت به نکات زیر شایسته است:

- ۱- در تبلیغ دانش آموزی، هرچه مخاطب جمعیت کمتری باشد، امکان تأثیرگذاری از ناحیه مبلغ بیشتر است. لذا حضور در کلاس نسبت به سخنرانی در جمع همه دانش آموزان مدرسه، مؤثرتر است و باتوجه به فصل سرما می توان از این فرصت برای برنامه های کلاسی به خوبی استفاده نمود.
- ۲- آموزشهای اصلی چون نحوه وضو و غسل، خواندن سوره های کوچک و نماز جزو برنامه های همیشگی در تمام کلاسها اجرا شود. و خواندن قرآن بصورت دسته جمعی نیز پیشنهاد می گردد.
- ۳- با توجه به شور این ایام، اشعار بر روی تخته نوشته شده و از دانش آموزان خواسته شود تا آنها را در دفتر خود بنویسند و همخوانی کنند. انجام مراسم سینه زنی در کلاس نیز توصیه می گردد. از سبکهای مداحی که در جزوه مداحی آمده می توان استفاده کرد بخصوص سبک (یا ابا عبدالله) سهولت بیشتری برای کار کلاسی دارد.
- ۴- برای داستانهای ذکر شده، در صورت امکان نقاشی مختصری روی تخته کشیده شود. و از دانش آموزان خواسته شود نقاشی داستانها را بعنوان تکلیف انجام دهند.
- ۵- برای بحث مسائل اعتقادی در کلاس می توان از دانش آموزان خواست تا سؤالات خود را مطرح کنند و آنها را پای تخته بنویسند و از خود دانش آموزان خواسته شود تا به آنها جواب دهند و نهایتا جواب صحیح ارائه شود.

۶- از شیوه های دیگر طرح سؤال جذاب توسط مبلغ و درخواست جواب از دانش آموزان بمنظور فعالیت ذهنی ایشان است. مثلا سؤال اینکه «چرا فقط ما آدم ها بایستی نماز و روزه بجا آوریم وبقیه موجودات چنین تکلیفی ندارند؟» برای بحث (تکلیف) مناسب است.

۷- برای تغییر فضای آموزشی و ایجاد تنوع در برنامه های کلاسی و باتوجه به سردی هوا، لازم است تا بازیهای گروهی با آنها انجام شود. برای نمونه می توانید از بازیهای زیر استفاده کنید:

الف- نوشتن جمله ای برروی تخته، بدون گذاشتن نقطه های حروف نقطه دار آن که البته این جمله بایستی با مضمون و حتی الامکان در رابطه با بحث کلاسی مبلغ باشد.

ب- خواندن شعر(ترجیحا با مضامین تربیتی و یا مداحی همراه سینه زنی)

ج- استفاده از جداول رمز، بنحوی که جداولی تنظیم و با پرش عدد خاصی، مضمون خاصی را در می آورید.

د- فعالیت برعکس: عکس آنچه که می گوئید را باید انجام دهند و الا می سوزند. اگر گفتید بشین باید بنشینند و اگر گفتید بخندند باید گریه کنند و غیره.

ه- یکی از بچه های کلاس انتخاب می شود. قبل از بیرون رفتن از کلاس به همه جای آن خوب نگاه می کند. حاضرین کلاس شیئی را جابجا می کنند یا تغییر می دهند. سوژه وارد کلاس می شود، با ضربات ممتد روی میز وی را راهنمایی می کنید. به این ترتیب که اگر به محل شیء مورد نظر نزدیک شود، متناوب تر و محکمتر و اگر دور شود آهسته تر ضربه می زنید. تا ۳ یا ۵ مورد فرصت حدس زدن دارند.

و- آموزش ارکان نماز: به اعمال نماز مثل تکبیره الاحرام عدد ۱، رکوع عدد ۲، قنوت عدد ۳، سجده عدد ۴، تشهد عدد ۵ را اختصاص وروی تابلو بنویسید و یک گروه دانش آموز را

فرصت حفظ دهید و پشت به تابلو اعداد را سریع بگویید تا افراد بسوزند و بعد آموزش نحوه صحیح سجده و تشهد و ارکان نماز را یاد دهید.

ز- گل یا پوچ دسته جمعی: دو گروه درست می کنید، گل را دست یکی از گروه ها می دهیم و آن گروه گل را در دست یکی از اعضاء پنهان می کنند و مانند گل یا پوچ معمولی انجام می شود.

ح- نمایش پانتومیم: قسمتی از یک داستان (ترجیحا دینی و معرفتی) مثل قسمتی از حوادث کربلا یا پیامبران را نقل می کنید و شخصی آنرا بازی می کند. نحوه دیگر اینکه شخصی با مشورت مربی، شغلی را یا موضوعی را بصورت بی صدا اجرا و دیگران باید آن را حدس بزنند

ط- قسمتی از یک حیوان یا جسم و... را می کشیم، بقیه باید حدس بزنند که چیست.

ی- فعالیتهای ورزشی و تحرکی مثل تشکیل دو گروه مساوی و گذاشتن توپ بین قوزک و حرکت در یک مسیر مشخص و تحویل به نفر بعدی که اگر آخرین نفر هر گروه زودتر برسند، برنده هستند.

ک- خواندن داستانها بصورت تصویری (کشیدن تصویر آنها روی تخته) و دادن تکلیف نقاشی از داستانهای ارائه شده در کلاس.

ل- چند نفر را انتخاب کرده و به ترتیب چشمشان را می بندیم و میزی را مشخص می کنیم تا بروند و برگردند هر کس راه را درست و در مدت زمان کمتر رفت برنده مسابقه است.

م- بستن چشم افراد و تشخیص اشیاء که با دست لمس می کند.

## مقطع ابتدایی و راهنمایی

### تعدادی از اشعار برای شروع کلاس

برای ما ز پاپا و ز مادر  
پس از آن سلام و سلام و سلام

در جمله خلایق عالم سرآمدیم  
چشم انتظار مهدی آل محمدیم

درمان درد پندگانش  
خدایا هر چه دارم از تو دارم

بنام خدا خالق این جهان  
بنام خدایی که هست مهریان

خدای من و تو خدای جهان  
خداوند بخشنده مهریان

به نام خدای شما بچه‌ها

ما را بود نگهدار از هر بلا پسّم الله

به نام آنکه پاشد مهرپانتتر  
به نام خداوند گوپییم کلام

تا در پناه مصحف و در دین احمدیم  
زیر لوای آل علی (ع) صف کشیده‌ایم

بنام آنکه نام دلربایش  
به لب ذکر شفا بخش تو دارم

بنام خدا خالق آسمان  
بنام خدا رازق آب و نان

بنام خداوند رنگین کمان  
خدای مکان و خدای زمان

به نام خدای گل و لاله‌ها

ورد زبان ما هست در هر زمان پسّم الله

تعدادی بازی و مسابقات کودکان

<p>۱- توپ شیطون</p>	<p>تعدادی از کودکان را به بالای سن می آوریم و پادکنکی را پاد کرده برایش نامی از گناهان و ردائل اخلاقی میگذاریم وقتی مسابقه شروع شد کودکان باید توپ را به بغل دستی خود بدهند و در حین مسابقه کودکان پایین سن شعری میخوانند پس از اتمام شعر توپ دست هر کس بود از بازی بیرون میرود شعر: این توپ، توپ شیطونه، پیا تو دستت نمونه هر کی تو دستش بمونه، از بازی بیرون میمونه</p>
<p>۲- توپ خوپپها</p>	<p>۲ عدد سطل نسبتاً بزرگ را با فاصله روی سن میگذاریم در یکی از سطلها مقدار زیادی توپ کوچک که روی هر توپ با ماژیک خوپپها و پدپها را نوشته ایم {مسواک زدن، بسم الله گفتن، دعوا کردن و...} در مدت زمان محدودی باید توپ خوپپها را داخل سطل خالی بیندازند</p>
<p>۳- پادکنک</p>	<p>پادکنکی در اختیار هر یک از افرادی که بالای سن آورده ایم قرار میدهیم آنها باید در مدت زمان محدودی بدون دست یا پا یک دست {بستگی به سن افراد دارد} پادکنک را فوت کنند تا پترکد</p>
<p>۴- تنه ره سعادت فقط قرآن و عترت</p>	<p>فردی را بالای سن می آوریم که روپروی وی صندلی قرار داده ایم {به فاصله ۵ یا ۶ قدم} که روی آن قرآنی وجود دارد. چشمان وی را میپندیم و از او میخواهیم ۳ ۴ دور، دور خود بچرخد و سپس پرود و به قرآن دست بزنند</p>

۵- نماز	به افرادی که بالای سن آورده ایم مثلا میگوییم: تکبیر، و آنها باید انجام دهند و خودمان مثلا رکوع انجام می‌دهیم تا آنها را به اشتباه بیندازیم
۶- اشکال مختلف قراردادی	
۷- پانتو میم	
۸- اتوپوس	
۹- گرفتن اعضاء بدن	
۱۰- ۳ بار تکرار	
۱۱- پله و خیر معکوس	
۱۲- پله و خیر نباید گفته شود	
۱۳- دانا و نادان	

جملات ۳ بار تکرار:

لیره رو لوله لوله رو لیره

کانال کولر تالار تونل

دایی چاقه چایی داغه

افسر ارشد ارتش اتریش

رالی لاری، لاری رالی (اگر سخت بود فقط یک قسمت این جمله بپشه مثلا: رالی لاری)

لر ملایر

چند مداحی کودکانه

ماه محرم که میاد	غصه هامون تازه میشن
نام حسین و کربلا	خیلی پر آوازه میشن
سرد خونه هامه	پارچه و پرچم منبرند
پیرن مشکلی روهمه	به عشق مولامی پوشن
سلام بر حسین میکن	وقتی که آبی می نوشن
چون که امام حسین ما	بالب تشنه شد شهید
به اونها آبی ندادن	لشکر بی دین یزید
تو کوجه و خیاونها	تو خونه ها و تکیه ها
تو مسجد و حسینیه	تو چادر او خیمه ها
به هر کجا پامیذاری	صدای یا حسین میاد
به گوش دل از آسمون	نوای یا حسین میاد
یه عده زیادوی با	سینه وز بجزیر زونا
عششون و نشون میدن	باشک و ناله زونا



شعار یا حسین میدان	مرد وزن و پیرو خون
شعار یا حسین میدان	با سوز دل اشک روون
حسین حسین حسین میکن	فقط نه اهل این جهان
حسین حسین حسین میک	فرشته های آسمان
از محله میکنن عبور	دسته های عذا که
محله مته غرق نور	کوچه ها رو صفا میدان

### حاجت

خیلی ما از امام حسین  
مسلمونا چون میدون  
امام حسین که سرور  
پیش خدای مهربون  
کنار عرش از آسمون  
تو حرم مقدسش  
براهمین اونایی که  
همیشه با امام حسین  
میکن حسین فاطمه  
زیارت آرزوی ماست  
مریضا از امام حسین  
یه زندگی سالم و  
میخوان تو مجلس عزا  
تو مسجد و حسینیه  
این روزا حاجت میگیرن  
که شهدا نمی میرن  
شهید هر زمانه است  
زنده و جاودانه است  
عزادار شومی مینه  
او زوار شومی مینه  
نیاز و آرزو دارن  
دعا و گفت و گو دارن  
به درود ما دو ابده  
برات کربلا بده  
به دردشون شفا میخوان  
وراحت و با صفا میخوان  
همیشه شرکت بکنن  
یه جوری خدمت بکنن



### قصه کربلا



سؤالی دارم از شما	ای بچه های نازنین
تو کربلا امام ما	برای چی کشته شده
تا همه مون خوب بدرنیم	جواب و من خودم میکم
براش عزاداری کنیم	شهادتش برای چی بود
رهبر اسلام می دونست	یزید کافر خودشو
تا اونجایی که می تونست	دین و ولی کنار منیزد
به اسم دین تموم می شد	همیشه کار زشت او
تو دست اون حروم می شد	ثروت و مال مسلمین
دین واسه او مهم نبود	مثل باباش معاویه
شروع به دشمنی نمود	خلاصه با دین خدا
دین خدا در خطر	امام حسین که دیده بود
به جنگ با یزید بره	وظیفه خود دیده بود
با پسر اش و دختر اش	امام حسین با یاور اش
برادر اش و خواهر اش	با همه عزیز اش

ترک مدینه کرده و  
بخاطر یاری دین  
برای راهبانی  
از اول هم به دعوت  
مردم شهر کوفه از  
عهد و سگستن شدن  
امام واسه نجات دین  
راه و ادامه داده و  
بین امام و دشمناش  
امام حسین و یاوراش  
امام حسین اگر نبود  
ازش به اسمی مونده بود

شونه بیرون اومند  
بادل و باجون اومند  
مسلمونا اومده بود  
خود اونا اومده بود  
ترس نریدیان ولی  
یار حسین ابن علی  
چاره دیکه ای نذید  
به دشت کربلا رسید  
یه روز که شد جنگ شدید  
تو کربلا شدن شهید  
رفته بود آبروی دین  
فقط همین فقط همین



شاعر: محمد رضا رمضانانی

چیستان

شانه	۱- آن چیست که هم انسان داره هم چاده هم تخم مرغ؟
بلال	۲- آن چیست که پوستش سبز موهایش سفید و خودش زرد است؟
زغال	۳- آن چیست که در بازار سیاه، موقع استغاده سرخ و بعد از استغاده خاکسری است؟
زاغ	۴- پرنده ای که اگر نامش را برعکس کنیم نام پرنده ای دیگر می شود؟
دستکش	۵- پنچ انگشت دارد ولی گوشت و استخوان ندارد؟
خواب	۶- همه میپینند جز خدا؟
قشم	۷- جزیره در ایران که برعکسش را محصلان مینویسید؟
چین	۸- کشوری که در پیشانی ماست؟
سرخ	۹- حیوانی که برعکسش نام گلی میشود؟
نور	۱۰- از میان آب میگذرد ولی خیس نمیشود؟
سیب	۱۱- میوه ای که ۲ حرف اولش یک عدد است؟
مار	۱۲- خیلی خطرناک است ولی اگر وارونه بشه رام میشه؟
دیوار	۱۳- هرچه قدر بچینی ارزش کم نمیشود و پهنش زیاد میشود؟
آفتابه	۱۴- همیشه په دستش په کمر و په دستش رو په آسمان است؟
کف	۱۵- اون چیه که هم صابون داره هم اتاق هم دست داره؟
رفسنجان	۱۶- شهری که اول نامش را پرداری نام خورشیدی خوشمنزه میشود؟

ماکارانی	۱۷- غذایی که رودی از ایران از آن میگذرد؟
تخم مرغ	۱۸- قیل از استغاده باید شکسته شود؟
چتر	۱۹- با پالا آمدن پاران پالا میروود؟
آرنج	۲۰- عضوی از بدن که اگه حرف نون اولش پذاری نام میوه ای میشود؟
چتر	۲۱- پسته همیشه عصا همیشه باز همیشه میوه رو هوا؟
توت	۲۲- میوه ای که از هر دو طرف پخوانی یکی میشود؟
دندان	۲۳- عضوی از بدن که پرای پار اول و دوم رایگان ولی پرای پار سوم باید پول پدی؟
شیر	۲۴- درنده ای که آدم سرش را میخورد؟

درس اول

سلام سلام ای بچه ها {جواب بچه ها: سلام سلام ای حاج آقا}

{جواب بچه ها در دو بیت زیر: بگو بگو بگو بگو}

میخوام پریم خونه خدا اونجا بخونم کتاب و دعا بسم الله بگم یا که نگم؟

میخوام قرآن بخونم سوره فرقان بخونم بسم الله بگم یا که نگم؟

.....۹

{جواب بچه ها در کلمات زیر: بسم الله}

اول هر کار مشکل کشا نام خدا قبل غذا قبل آب

قبل دعا (ما اهل دعوا نیستیم ما اهل قرآنیم)

بعد بسم الله الرحمن الرحیم نوشته میشود و از دانش آموزها پرسیده

میشود که در بسم الله چند نام خدا وجود دارد

پیان داستان<sup>۳۸</sup>:

روزی به رسول خدا خبر دادند که فردی از دنیا رفته، حضرت آماده شد تا به

تشییع جنازه آن شخص بروند، همه پا هم جمع شدند و رفتند به تشییع جنازه،

۳۸. (البته به نظر میرسد اگر مربی بتواند تمام داستانها را بصورت نمایش به بچه ها بیاموزد بسیار بهتر است

به این شکل که روز قبل از کلاس ۳ الی ۴ و یا بیشتر و کمتر از دانش آموزان را انتخاب کرده و به هر کدام نقشی از

داستان بدهد. لازم به تذکر است که شخصیت اصلی داستان خود مربی باشد نه دانش آموزان، این کار باعث

ماندگاری داستان در ذهن بچه ها و تاثیر گذاری بیشتر، اعتماد به نفس دانش آموزان قائل شدن شخصیت برای آنها و

از همه مهمتر جذابیت کلاس است که باعث می شود به راحتی دانش آموزان با مربی همراه شده و کنترل شود).

آن شخص مرده را در خاک گذاشتند و نماز خواندند و برگشتند به منزل خودشان، چند وقت بعد رسول خدا با چند تن از یاران و اصحاب می خواستند به بیرون از شهر بروند و کاری انجام دهند، آماده شدند و در حال رفتن بودند از شهر خارج شدند و از کنار قبرستان در حال عبور بودند، وقتی به آن قبر می رسیدند که چند وقت پیش دفن کرده بودند پیامبر به یارانشان گفتند پراکنده شوید، کنار بروید، اینجا نایستید، اصحاب به سرعت پراکنده شدند یکی سمت چپ رفت و یکی سمت راست و خلاصه تمام اصحاب سریع پراکنده شدند، گذشت و حضرت با اصحاب رفتند و کارشان را انجام دادند، موقع برگشتن نزدیک قبرستان شدند، اصحاب و یاران منتظر بودند که پیامبر باز هم به آنها بگوید که پراکنده شوید و یکجا نایستید، برای همین آماده این کار بودند ولی پیامبر چیزی نگفت و همه از کنار آن قبر عبور کردند یاران و اصحاب به فکر فرو رفتند که چرا موقع رفتن پیامبر با آن حالت به ما گفت پراکنده بشید و عجله کنید ولی موقع برگشت چیزی نگفت؛ نتوانستند طاقت بیاورند یکی از آنها از پیامبر علت این کار را پرسید پیامبر فرمود: موقع رفتن این شخص مورد عذاب الهی بود و داشت عذاب می شد ولی هنگام برگشتن دیگر عذاب نمی شد چون کودک و پسر او همین الان در مکتب (بسم اله الرحمن الرحیم) را یاد گرفت، و خدا به برکت یاد گرفتن این کلام از قرآن، آن پدر را بخشید. می بینید بچه ها که چقدر مهمه ما قرآن یاد بگیریم هم برای خودمان مهمه و هم برای پدر و مادرمان.

ان اردتم عیش السعداء و موت الشهداء و النجاة یوم الحسرة و الظل یوم  
الحرور و الهدی یوم الضلالة فادرسوا القرآن فانه کلام الرحمان و حرز من الشیطان و  
رجحان فی المیزان؛

اگر زندگی سعادت‌مندان، مرگ شهیدان، نجات روز حسرت (قیامت)، سایه روز  
سوزان و هدایت در روز گمراهی را می‌خواهید، قرآن را یاد بگیرید که آن سخن  
خدای مهربان است و سپری است در مقابل شیطان و سنگینی در ترازی اعمال.  
قال الامام علی - علیه السلام - : و اما حق الولد علی الوالد ان یحسّن اسمه و  
یحسّن ادبه و یعلمه القرآن.

امام علی - علیه السلام - فرمودند: حق فرزند بر پدر آن است که برای او  
اسم نیکو انتخاب کند و او را نیکو ادب کند و به او قرآن پیامورد.

رشته به رشته { جواب بچه ها: هی }

رو پال فرشته { هی }

بزرگ نوشته { هی }

هر کی که قرآن بخونه اهل بهشته { هی }

هر کی مامانو دوست داره اهل بهشته { هی }

هر کی پاپا رو دوست داره اهل بهشته { هی }

شمیم عطر رحمان است قرآن

پهاران در بهاران است قرآن

فروغ علم و ایمان است قرآن

رفیق نیک پیمان است قرآن

به جان خسته درمان است قرآن

بنائی سخت بنیان است قرآن

سیم کوی چنان است قرآن

خورشید فروزان است قرآن

شکوه باغ رضوان است قرآن

به جسم عارفان، چنان است قرآن

کلید گنج عرفان است قرآن

چراغ شام حرمان است قرآن

قرآن کتاب دینه	یه حرف دارم با شما	پیاید پیاید ، بچه ها
راهنمای شماهاست	قرآن کلام خداست	کتاب مسلمینه
از حفظ قرآن ما	خود را با ارزش کنید	قرآن را حفظش کنید
هست پهشت و رضوان	پاداش حفظ قرآن	خشنود می شه خدا

درس دوم

سلام سلام ای بچه ها {سلام سلام ای حاج آقا}  
میخواهم پریم خونه خدا اونجا بخونم کتاب و دعا بسم الله بگم یا که نگم؟  
میخواهم قرآن بخونم سوره فرقان بخونم بسم الله بگم یا که نگم؟  
.....

اول هر کار مشکل کشا نام خدا قبل غذا قبل آب  
قبل دعوا (ما اهل دعوا نیستیم ما اهل قرآنیم)

بیان داستان:

رسول خدا از طرف خداوند متعال دستور گرفت تا به سوی مردم رفته و به مردم بگوید که مردم خدا را پرستید، خداوند یکی است او را پرستید و این بتها را نپرستید و من پیامبر الهی در میان شما هستم، حضرت رسول راهی شد و رفت بین کوچه های مکه، از این کوچه به آن کوچه و شروع کرد با مردم صحبت کردن که خدا را پرستید و ...

چند روز که گذشت یکی از افراد شرور و بد نقشه ای کشید و با خود گفت وقتی پیامبر می خواهد از این کوچه عبور کند من چند نفری را روی پشت پام جمع می کنم و هنگام عبور او را با سنگ می زنیم تا دیگر اینقدر نگوید خدا یکی است و او را پرستید، پیامبر راهی شد و رفت در کوچه ها برای تبلیغ دین آن آدم پلید رفت و به تعدادی از بچه ها کمی خرما داد و به آنها گفت با من به پشت پام بیایید، بچه ها خرما ها را گرفتند و رفتند به پشت پام در آنجا به هر کدام از بچه های تعدادی سنگ داد و گفت وقتی حضرت محمد از اینجا رد شد همه با هم او را

با سنگ می زنیم ، پیامبر وارد کوچه شد و شروع کرد به بیان مطالب خودش، همینطور پیامبر نزدیک بچه ها می شد فقط چند متر مانده بود تا به آنها برسد، آن آدم بد جنس به بچه ها گفت آماده باشد و سنگ های خود را بردارند بچه ها سنگ های خود را برداشته و دستهای خود را بلند کردند و نشانه رفتند، وقتی پیامبر از کنار آنها عبور می کرد ایشان را با سنگ زدند یکی از سنگها به سر حضرت خورد و خون روی صورت حضرت جاری شد، یکی از سنگها به دهان پیامبر خورد و ... بعد از این قضیه پیامبر سر خود را پایین انداخت و رو به پیایان حرکت کرد مردم که این صحنه را دیده بودند خیلی ناراحت شدند و ترسیدند از اینکه الان می رود و ما را نفرین می کند و بر ما عذاب نازل می شود خلاصه خیلی ترسیدند و دنبال پیامبر حرکت کردند، دیدند پیامبر در چایی نشسته و گوشه لباسش را گرفته بر زمین می کشد تعجب کردند جلوتر رفتند و با ترس علت اینکار را پرسیدند، پیامبر گفت: وقتی اینجا نشستم تا با خدای خود صحبت کنم چند قطره خون از روی زخمهایم بر زمین ریخت. ترسیدم که مبادا زمین به خاطر حرمت خون من بر این مردم عذابناک شود و آنها را عذاب کند، برای همین آنها را پاک کردم، بچه ها تو این قضیه با اینکه اینهمه پیامبر اذیت شد ایشان خدا را شکر کردند بخاطر تمام نعمتهایی که به ما داده، بچه ها ما هم باید خدارا شکر کنیم از فردا بعد از غذا هم از مامان تشکر می کنیم و هم از خدا.

بعد از غذا میگوییم : خدایا شکرت مامان چون دستت درد نکنه

لان شکرتم لازیدنکم

این شعر را چندین بار در فواصل مختلف تکرار میکنیم:

بعد غذا همیشه شکر میکنم خدارو میگویم خدایا شکرت تا که نشم ناشکرت

درس سوم

سلام سلام ای بچه ها {سلام سلام ای حاج آقا}  
میخواهم پریم خونه خدا اونجا بخونم کتاب و دعا بسم الله بگم یا که نگم؟  
میخواهم قرآن بخونم سوره فرقان بخونم بسم الله بگم یا که نگم؟

.....۹

اول هر کار مشکل کشا نام خدا قبل غذا قبل آب  
قبل دعوا (ما اهل دعوا نیستیم ما اهل قرآنیم)

پیان داستان: روزی یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام هشام وارد یک کلاس درسی شد، این کلاس برای اهل تسنن بود و استاد آنها میگفت شاگردانم ما در این دنیا اصلا امامی نداریم چون خدا به عقل داده و همین برای ما پس است در این هنگام هشام که در آخر کلاس نشسته بود بلند شد و گفت:

دانشمند من مردم غریبم. اجازه می دهی که چیزی سؤال کنم؟  
«عمرو بن عبید»: پلی.

گفتم: آیا چشم داری؟

گفت: فرزند این چه پرسشی است که از من می کنی چیزی که می بینی چه پرسشی دارد؟!

گفتم: سؤال من این طور است.

گفت: گرچه سؤالت احمقانه است ولی چون میل داری اینطور مسائل را پرسسی سؤال کن.

گفتم: جواب مرا بگویند.

گفت: پلی چشمم دارم.

گفتم: با چشمانت چه میکنی؟

گفت: با چشمم رنگها و اشخاص را می بینم.

گفتم: آیا بینی داری؟

گفت: آری.

گفتم: با آن چه کار می کنی؟

گفت: با آن پوها را استشمام می کنم.

گفتم: آیا دهان داری؟

گفت: آری.

گفتم: با دهانت چه کار می کنی؟

گفت: با آن مزه ها را می چشمم.

گفتم: آیا گوش داری؟

گفت: آری.

گفتم: با گوشت چه میکنی؟

گفت: صداها را با آن می شنوم.

گفتم: آیا دلی داری؟

گفت: آری.

گفتم: با آن چه کار می کنی؟

گفت: با آن آنچه را که بر اعضا و جوارحم وارد شود تمیز می دهم.

گفتم: آیا این اعضا از دل پی نیاز نیستند؟

گفت: نه.

گفتم: چگونه پی نیاز نیستند با آنکه نیروی احساس دارند و صحیح و

سالمند؟

گفت: ای فرزند هرگاه مرا در آنچه پویدم یا دیدم یا چشیدم یا شنیدم  
شکی حاصل شود به دل خود رجوع می نمایم و با تشخیص دل یقین به هم می  
رسد و شک از بین می رود.

گفتم: پس خدای تعالی دل را برای تمیز شک چوارح آفریده است؟

گفت: پلی.

گفتم: پس برای رفع حیرت و تردید وجود دل لازم است؟

گفت: پلی چنین است.

گفتم: پس قائلید به اینکه خداوند این اعضا را بدون پیشوایی که هنگام  
تعییر و شک به او مراجعه نمایند نگذاشته، چگونه ممکن است که ایزد متعال  
پندگان را در وادی حیرت و شک گذاشته برای آنان پیشوایی که مرجع آنان باشد  
تعیین نفرماید و بدان وسیله اختلافات و حیرت و تردید آنان را رفع ننماید؟!  
پس از سکوت و لحظه پی تأمل سربرداشته به جانب من التفات کرد و گفت تو  
هشام بن الحکم هستی؟

گفتم: خیر.

گفت: آیا با او همنشین بوده ای؟

گفتم: خیر.

گفت: پس بگو از کجایی؟

گفتم: از اهل کوفه می باشم.

گفت: پس تو هشامی و برخاستی و مرا در پر گرفت و به جای خویش نشاند و دیگر سخن نگفت تا من برخاستم و پیرون آمدم.

امام: پس از شنیدن داستان خندید و فرمود این استدلال را از که آموختی؟ «هشام» - ای فرزند پیغمبر پروردگار آن را پر زبان من جاری ساخت.  
امام - به خدا سوگند که مضمون این استدلال در صحف ابراهیم و موسی ثبت است.

بچه‌های خوب اما مان عزیز به ما دستور دادند که هیچ وقت نماز مون رو ترک نکنیم.

#### وچوب نماز

نماز صبح چند بخشه: ۲ بخشه ۲ بخشه نماز ظهر چند بخشه ۴ بخشه ۴ بخشه  
نماز عصر همینه خدا نور زمینه عشاء میخونم ۳ تا مغرب میخونم ۴ تا

اتل مثل پروانه نشسته روی شانه صدا میاد چه نازه میگه وقت نمازه  
به این صدا چی میگن اذان و اقامه میگن شیطونه ناراحته دنبال یه فرصته  
میگه آهای مسلمون نماز رو بعدا بخون هر کسی که زرنگه با شیطونه می‌چنگه وقت  
نماز که می شه هر کاری تعطیل می شه نماز چقدر شیرینه اول وقت همینه

درس چهارم

سلام سلام ای بچه ها {سلام سلام ای حاج آقا}

میخواهم پریم خونه خدا اونجا بخونم کتاب و دعا بسم الله بگم یا که نگم؟

میخواهم قرآن بخونم سوره فرقان بخونم بسم الله بگم یا که نگم؟

.....

اول هر کار مشکل کشا نام خدا قبل غذا قبل آب  
قبل دعوا (ما اهل دعوا نیستیم ما اهل قرآنیم)

بیان داستان:

داستان امام صادق علیه السلام و منصور و آن طیب هندی و سوالات حضرت از وی:

ابو العباس طالقانی رضی الله عنه با اسنادش نقل نموده که حضرت امام صادق علیه السلام روزی به مجلس منصور وارد شدند و در آنجا مردی از اهل هند بود که کتابهای طیبی را میخواند، حضرت به خاطر خواندن وی سکوت کرده و چیزی نفرمودند، خواندن هندی که تمام شد به امام علیه السلام عرض کرد:

ای ابو عبد الله از آنچه با من هست طالب چیزی هستی (یعنی میخواهی از علم طب به شما تعلیم کنم)؟

حضرت فرمودند: خیر، زیرا با من چیزی هست بهتر از آنچه با تو می باشد.

عرضه داشت: آن چه می باشد؟

حضرت فرمودند: طبیعت حار و گرم را با مأكولات و مشروبات پارد و سرد و بالعکس طبیعت سرد را با حار و گرم مداوا نموده، و نیز مزاجهای مرطوبی را با مأكولات و مشروبات خشک و بالعکس امزجه خشک را با ادویه رطوبی معالجه کرده و

در عین حال شفا را از خدای عزّ و جلّ خواستار بوده و فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله را به کار گرفته که فرمودند:

معدده مرکز و جایگاه بیماری است و پرهیز و مراقبت دارو محسوب می‌شود. و بدن را با آنچه عادت کرده مراعات و مراقبت می‌کنم. هندی گفت: طبّ فقط همین است و چیز دیگری نیست.

امام علیه السلام فرمودند: آیا می‌پنداری این دستورات را از کتب طیبی برداشته و استفاده کرده‌ام؟

مرد هندی عرض کرد: بلی.

امام علیه السلام فرمودند: این طور نیست به خدا سوگند این دستورات را فقط از خداوند سبحان گرفته‌ام.

سپس حضرت به وی فرمودند: من به علم طبّ آگاه‌تر هستم یا تو؟ هندی عرض داشت: من.

امام علیه السلام فرمودند: سؤالی از تو می‌کنم. هندی عرض کرد: پرسید.

امام علیه السلام فرمودند: چرا در سر چند استخوان بوده و با هم پیوند خورده‌اند و علتش چیست که سر از یک استخوان تشکیل نشده است؟ هندی عرض داشت: نمی‌دانم.

امام علیه السلام فرمودند:

پرای چه مو بالای سر قرار داده شده است؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: چرا پیشانی از مو خالی است؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: برای چه ابروها بالای چشمان می‌باشند؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: چرا هیئت چشم‌ها همچون پادام و په شکل آن می‌باشند؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: برای چه پینی پین دو چشم واقع شده؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: برای چه منغذ پینی در قسمت پائین قرار داده شده؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: برای چه لب و شارب (سپیل) بالای دهان قرار داده شده؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: برای چه دندان‌های چلو تیز و دندان‌های عقب (دندان آسیا)

عریض و پهن و دندان نیش دراز می‌باشند؟ هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: برای چه مردان ریش دارند؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: برای چه در کف دست‌ها موی نیست؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: برای چه ناخن و موی روح ندارد؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: چرا قلب په شکل دانه صنوبر می‌باشد؟

هندی عرض کرد: نمی‌دانم.

حضرت فرمودند: چرا ریه و شش دو قطعه بوده و حرکتش سیری نبوده بلکه در جای خودش می باشد؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا کبد و جگر منحنی شکل است؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا کلیه به شکل دانه لوییا است؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا در وقت حرکت مفصل زانو به طرف عقب می رود؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: چرا وسط قدم پا به زمین نرسید و چلو و قسمت مؤخرش

تنها روی زمین گذارده می شود؟

هندی عرض کرد: نمی دانم.

حضرت فرمودند: من جواب این سوالات را می دانم.

هندی عرض کرد: جوابها را بیان فرمایید.

حضرت فرمودند: این که سر از یک استخوان درست نشده بلکه از چند تکه

استخوان که به هم پیوند شده اند تشکیل یافته جهتش آن است که چون سر

مچووف و تو محالی است لذا اگر از استخوان یک تکه درست می شد شکستن و

شکافته شدن به مراتب سهل تر و زودتر صورت می گرفت تا حالا که از چند تکه

تشکیل شده است.

و اما این که مو بالای سر قرار داده شده جهتش آن است که روغن وقتی به مو

می رسد به وسیله آن به مغز خواهد رسید و چون موها تو محالی و مچووف می باشند از

سر آنها بخار داخل مغز خارج می‌شوند و نیز حرارت و سرمایی که بر مغز وارد می‌شوند به وسیله همین موها پیرون می‌روند.

و اما جهت خالی بودن پیشانی از مو آن است که نور از طریق آن به چشم‌ها می‌رسد و لازمه آن این است که مصب نور مو نداشته باشد.

و حقّ تبارک و تعالی در پیشانی خطوط و شیارها را به خاطر این قرار داد که عرق‌های سرازیر از طرف سر به جانب چشم را حبس نموده و به مقداری که انسان آنها را از خود دور می‌کند مهارشان نمایند همچون نهرهای روی زمین که آنها را حبس و نگاهداری می‌کنند.

و ابروها را به خاطر آن بالای چشم‌ها آفرید تا از ورود نور زائد بر مقدار حاجت بر چشم جلوگیری نمایند و شاهد این گفتار آن است که وقتی نور زائدی به چشم‌ها متوجه شده و موجب ایذاء و آزار می‌گردد انسان دست خود را بالای دو چشم به حالت سایبان قرار داده تا فقط از مقدار مورد حاجت و کفایت آن بهره ببرد.

و بینی را به خاطر آن بین دو چشم قرار داد تا نور به واسطه آن به دو قسمت مساوی تقسیم شده و هر کدام به نحو تساوی به چشم‌ها وارد شوند.

و چشم را به این جهت به شکل پادام آفرید تا میلی که حامل دواء و دارو است در آن چریان و حرکت پیدا کند و بیماری از آن خارج گردد چه آن که اگر به شکل مربع یا دایره می‌بود هرگز میل در آن چریان پیدا نمی‌کرد و دارو به چشم نمی‌رسید در نتیجه بیماری از آن خارج نمی‌شد.

و منغذ بینی را به خاطر آن در قسمت پائین قرار داد تا بیماری‌های سرازیر از مغز در آن چریان پیدا نموده و به سهولت خارج شده و از طرفی پوها در آن

متصاعد شده و به مشام پرسند در حالی که اگر منافذ بینی در بالا بود نه بیماری ناشی از مغز خارج می‌گشت و نه پوها به مشام می‌رسیدند.

و شراب (سپیل) و لب را بالای دهان به خاطر این جهت آفرید تا ارجاس و آلودگی‌هایی که از مغز سرازیر شده و از منافذ بینی خارج می‌گردند وارد دهان نشده تا مزه و طعم غذا و شراب را بر انسان دگرگون نمایند.

و برای مردان ریش گذارد تا به واسطه‌اش مرد از زن ممتاز شده و برای این منظور نیازی به نظر کردن به عورت نباشد.

و دندان‌های جلو را به خاطر آن تیز قرار داد که به واسطه آن شخص بتواند گاز بگیرد چنانچه پهن بودن دندان‌های عقب به این جهت است که شخص بتواند با آنها اشیاء را خرد و نرم کرده و غذا را نیک بچود و دراز بودن دندان نیش علتش آن است که این دندان از سائر دندان‌ها قوی‌تر و ثابت‌تر بوده لا چرم اتصال و اعتماد آنها بر این دندان موجب حفاظت و استحکام آنها بوده نظیر استوانه و تیر که در ساختمان‌ها کار گذاشته تا موجب محفوظ ماندن آنها و خشک‌ها گردد.

و دو کف دست را از مو خالی قرار داد زیرا لمس کردن اشیاء با آنها صورت می‌گیرد لذا اگر در آنها مو روییده باشد انسان نمی‌تواند نرمی و زبری اشیاء را با لمس کردن درک کند.

و مو و ناخن را از روح و داشتن حیات خالی قرار داد زیرا درازی و پلندی آنها در انسان چرکی و آلودگی به حساب آمده و موجب قبح منظر می‌شود چنانچه کوتاهی آنها حسن و جمال محسوب می‌گردد از این رو انسان ملزم است آنها را کوتاه کرده و از بلندشدنشان جلوگیری کند حال اگر در آنها روح و حیات باشد

کوتاه کردن نشان موجب درد و الم خواهد بود از این رو خداوند مئان آنها را فاقد روح و حیات قرار داده.

و اما این که چرا قلب به شکل دانه صنوبر یعنی کاج می باشد، سر آن این است که قلب وارونه قرار گرفته و حقّ عدّ و چلّ سر آن را پاریک نموده تا در ریه و شش داخل گشته و به خنکی ریه آن نیز خنک شده و پدین ترتیب مغز از سوخته شدن در اثر حرارت و گرمی قلب مصون می ماند.

و شش را دو قطعه نمود تا با حرکت آن پرودت و خنکی به تمام منافذ و مساقطش برسد.

و کبد را منحنی آفرید به خاطر آن که تمامش بر روی معده قرار گرفته و آن را سنگین نموده و فشار به آن دهد تا در نتیجه آنچه از بخار در معده هست پیرون رود. و کلیه را به این خاطر به شکل دانه لویپا آفرید که منی نقطه به نقطه از روی آن ردّ می شود لذا اگر به شکل مربع یا دایره می بود نقطه اول، نقطه دوّم را حبس می کرد و منی چریان پیدا نمی نمود در نتیجه خروج و حرکتش موجب التذاذ انسان نمی گشت چه آن که منی از ستون فقرات پشت فرو ریخته و به طرف کلیه حرکت می کند و نحوه حرکتش همچون حرکت کرم بوده که هر گاه قسمت مقدّم بدنش قبض و جمع شود مؤخرش منبسط و باز می گردد و به عکس اگر قسمت اخیر بدنش قبض و جمع گردد مقدّم آن منبسط و باز می شود منی نیز از طرف ستون فقرات به جانب کلیه پرتاب شده و اوّلا و ثانیاً چریان پیدا می کند یعنی ابتداء قسمت مقدّم رشته منی منبسط شده و به طرف جلو کشیده می شود بعد قسمت مؤخر این رشته منبسط می گردد نظیر گلوله ای که از کمان پرتاب شده و مسافتی را طی می کند.

و اما این که در وقت حرکت مفصل زانو به عقب داده می شود جهتش آن است که انسان در وقت حرکت و راه رفتن قسمت بالای بدنش به طرف جلو میل پیدا می کند لا چرم لازم است قسمت پائین بدن که مفصل زانو باشد به طرف عقب مایل شود تا بدین ترتیب تعادل در حرکت پیدا گردد، پر واضح است اگر مفصل زانو نیز به طرف جلو میل پیدا کند به طور حتم انسان در موقع راه رفتن به زمین خورده و می افتد.

و اما این که قدم های پا را چپا این طور قرار داد که جلو و پاشنه اش روی زمین واقع شده و قسمت وسط آن از زمین بالا می ایستد؛ جهتش این است که اگر تمام اجزاء قدم و همه کف پا روی زمین واقع شود مانند سنگ آسیا سنگین شده به طوری که حمل و نقلش بدون وسیله امکان ندارد و چون سنگ آسیا بر سر گردی خود قرار گیرد کودک نیز آن را به سهولت حرکت می دهد و اگر به رو بر زمین افتاد مرد بزرگ به سختی آن را چابچا کرده و حرکتش می دهد.

هندی عرضه داشت: این علم را از کجا تحصیل نموده اید؟

حضرت فرمودند: از پدراتم علیهم السلام و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله اخذ کرده و آن حضرت از چپرئیل علیه السلام و چپرئیل از پروردگار عالمیان جلّ جلاله که تمام اجساد و ارواح را مخلوق کرده اخذ نموده است.

هندی عرضه داشت: راست فرمودید و من شهادت می دهم که معبودی غیر از معبود یگانه وجود نداشته و نیز شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا و بنده او بوده و تو داناترین اهل زمان خود می باشی.

درست استفاده کردن از چشم و به ماهواره نگاه نکردن:

ماهواره - آی - ماهواره

دشمن خانواده

چیزی همراه نداره

با دینمون کار داره

مخدامونو یکباره

هر کس به یک پهانه

توی خونه میاره

مخدا دوستش نداره

شیطان می آد به خانه

بدبینی ها خدایا

توی هر خانواده

پد از دروغ و زشتی

خیر و صلاح نداره

چنگ نرم بچه ها

با یاد و ذکر الله

ماهواره - آی - ماهواره

به چز گناه و زشتی

دشمن با این ماهواره

می مواد از ما بگیره

اخبار و علم و ورزش

این دشمن خدا رو تو

ماهواره آی ماهواره

با آنتن ماهواره

قتله و چنگ و دعوا

دشمن می مواد همینو

ماهواره های خارج

برای ملت ما

فرموده رهبر ما

این یک دام غنچه ها

### آماده شهادت

مچاری در چان ما	مخون شهیدان ما
یاد شهیدان ما	زنده باید بمونه
مخدا دوستش نداره	ماهواره آی ماهواره
ماهواره دوس نداره	یک بچه با خدا

درس پنجم

سلام سلام ای بچه ها {سلام سلام ای حاج آقا}  
میخواهم پریم خونه خدا اونجا بخونم کتاب و دعا بسم الله بگم یا که نگم؟  
میخواهم قرآن بخونم سوره فرقان بخونم بسم الله بگم یا که نگم؟  
.....

اول هر کار مشکل کشا نام خدا قبل غذا قبل آب  
قبل دعوا (ما اهل دعوا نیستیم ما اهل قرآنیم)

بیان داستان:

روزی روزگاری پادشاهی بود که این پادشاه می گفت ما در این دنیا خدایی نداریم و همه چیز تصادفی خود به خود بوجود آمده ما اصلا خدایی نداریم خودمان همه چیز را بدست می آوریم و خدا به ما نمی دهد.  
این پادشاه وزیر داشت، برخلاف پادشاه وزیر می گفت در این دنیا خدایی است، او هست که به ما نعمت می دهد او بسیار مهربان و دوست داشتنی است و ...  
هر چه قدر اینها را به پادشاه می گفت او قبول نمی کرد و میگفت خدایی وجود ندارد، یکدفعه فکری به ذهن وزیر خطور کرد و آمد پیش پادشاه و گفت: من چندین سال است که در خدمت شما بوده ام و برای شما بسیار کار کرده و خسته شدم اگر اجازه دهی ۶ ماه مرخصی می خواستم، پادشاه قبول نکرد ولی بعد از اسرار زیاد وزیر به ناچار قبول کرد، وزیر رفت و در منطقه ای که موقع بهار پادشاه برای شکار به آنجا می رفت، یک قصر بزرگ و بسیار زیبا ساخت، قصر سفید پر از نقشهای مختلف و زیبا بود، بعد از ۶ ماه وزیر آمد و بعد از خوش و پشی به

پادشاه پیشنهاده رفتن به شکار داد وزیر اسپه را آماده کرد و سرپازها را جمع کرد تا به شکار بروند و رفتند و به آن منطقه رسیدند چشم پادشاه به قصر افتاد و از تعجب داشت شاخ در می آورد، آاه این دیگر چیست از وزیر درخواست کرد به سمت آن قصر بروند، هر چه قدر نزدیک تر می شدند تعجب پادشاه بیشتر و بیشتر می شد، وقتی به قصر رسیدند و آنهمه زیبایی را دیدند پادشاه به وزیر رو کرد و گفت بگو ببینم چه کسی این قصر را ساخته است؟ وزیر گفت: هیچ کس، این قصر خودش درست شده و کسی آن را نساخته است. پادشاه گفت مگر می شود خود به خود یا این قصر به این زیبایی به وجود آمده باشد حتما یک معمار خوب و ماهری داشته بگو ببینم چه کسی آن را ساخته است؟

وزیر گفت چند وقت پیش سلی آمد و با خود چوب و آجر آورد و این آجر و چوبها به طور اتفاقی روی هم جمع شدند و بعد از آن بادی آمد و با خود در و پنجره آورد و آنها به این ساختمان وصل شدند و ...

پادشاه خندید و گفت وزیر مرا مسخره می کنید مگر می شود به طور اتفاقی چنین چیزی درست شده باشد و ... وزیر گفت وقتی قصر به این کوچکی نمی تواند بطور خود به خود بوجود آمده باشد پس چطور می گویی دنیای به این بزرگی اینهمه کوه و دشت و صحرا و رودخانه ها خودشان بوجود آمده باشند و خدایی وجود نداشته باشد .

شعر مهربانی خدا

در این دنیا خدایا / پشت و پناهی  
تویی در هر زمان / مرا یار و نگهبان  
اگر باشی تو با من / بدیها دور دور است  
کمک کن تا نیفتیم / درون پر تگاهی  
دل و جانم نگر دار / به دور از شر شیطان  
دل و جانم خدایا / پر از امید و نور است

درس ششم

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: امام حسین (علیه السلام). تهاجم فرهنگی

بنام آنکه باشد مهرپا نتر  
پدای ما ز پاپا و ز مادر  
بنام خداوند گوپییم کلام  
پس از آن سلام و سلام و سلام

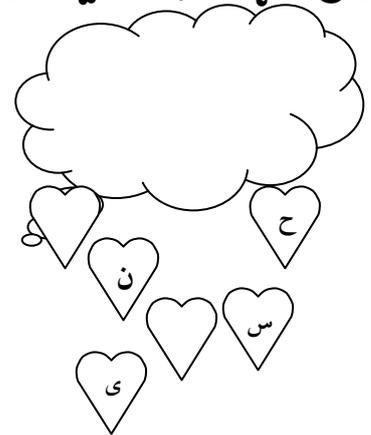
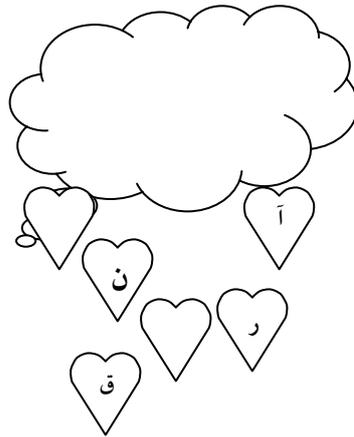
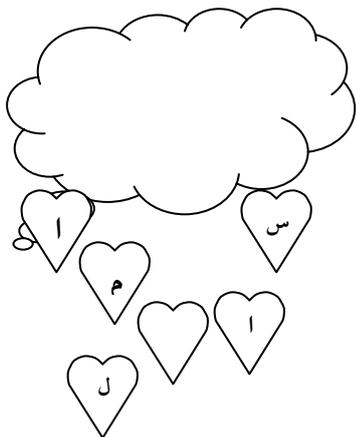
پچهها سلام- گلهای نوشکوفته سلام- سرپازان اسلام- پاوران مهدی  
سلام. حالتون، احوالتون؟ خوبید؟

بنده..... خوشحالم که یکی از روزهای زندگی ام رو در کنار شما می گذرانم.  
ایجاد انگیزه!

قصه آیت الله پروچردی (ره) را می گوئیم که وقتی چشم شان درد گرفته بود از  
حاک و گل عزاداران ابا عبد الله (علیه السلام)  
به چشمانشان مالیدند و تا آخر عمر هیچ ناراحتی نداشتند.  
و به مناسبت محرم شعری یا نوحه ای بصورت دسته جمعی خوانده شود.

مرحله دوم: طرح بحث که با راز ابرها اجرا می شود

ابتدا چند ابر را روی تخته می کشیم با تعدادی قطره های باران که کلماتی یا  
حروفی را به صورت غیر مرتب در داخل هر قطره می نویسیم مثلا:



که به کمک دانش آموزان حروف داخل قطره ها را پیدا می کنیم و داخل ابرها می نویسیم:

(موضوع و جملات قابل تغییر هستند) و برای نمونه کلمات ابرهای بالا پترتیب (حسین- قرآن- اسلام) می شود.

باز این مرحله؛ جمله مورد نظر را توضیح می دهیم و به مناسبت اشاره به سوره هایی که در این کتاب مقدس در شأن امام حسین (علیه السلام) آمده می پردازیم. مثل: سوره های فجر، هل اتی (انسان)

بعد از این مرحله این شعر را می خوانیم:

من بچه شیعه هستم

خوب و بد و می دونم

با یک صدای زیبا

قرآنو خوب می خونم

من شیعه هستم

دارم به دین علاقه

تو خونه قرآن داریم

وهم نهج البلاغه

و اگر شد شعر را چند مرتبه بخوانیم؛ همین بیتها را روی تخته بنویسیم (بدون نقطه)؛ و بعنوان مسابقه چند نفر را بیاوریم و در زمان خاصی نقطه گذاری کنیم و کسی که در کمترین زمان نقطه گذاری کرد برنده است و جایزه بگیرد و اگر کسی هم شعر را حفظ کرد جایزه بگیرد.



## وحدت - عالم - تلاش

مرحله بعد توضیح این سه واژه است با رویکرد دینی- ضد فرهنگ غرب و تهاجم فرهنگی

مثلاً: اینکه؛ واعتصموا بحبل الله و لا تفرقوا، در وحدت شیعه و سنی

امام باقر علیه السلام می فرماید: الكسلُ یضّر بالدين والدنيا

و اینکه اولین آرمان نازل شده به پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) علق-۵-

در باره علم است و اینکه اسلام دین، تلاش، علم، ظلم ستیزی و بدون ذلت پذیری

است و اینکه اگر کسی چیزی را بهتر از ما بلد بود از او یاد بگیریم.

مخوبی ها را بگیریم و بدی هايش را کنار بگذاریم ( اشاره به سوره زمر- آیات ۱۷-۱۸)

دست علی یارتون- خدا نگهدارتون

و من الله التوفيق

محرم الحرام ۱۴۳۸ هـ ق- موسسه جهادی تبلیغی بلاغ مبین